



کشور بدون اقتصاد مقاومتی رشد نخواهد کرد، مشکلات اقتصادی‌اش برطرف نخواهد شد، بلکه گرفتاری‌هایش روزبه‌روز بیشتر خواهد شد. بنده از برادران عزیزمان در دولت درخواست کردم که یک قرارگاه اقتصاد مقاومتی تشکیل بدهند.

(رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای مجلس خبرگان-۱۳۹۴/۱۲/۲۰)

آینه بازرسی

نشریه داخلی سازمان بازرسی کل کشور / سال هفتم / شماره ۷۶ / فروردین ۱۳۹۵



پیام نوروزی رئیس سازمان بازرسی کل کشور

گذشت ایام و رقم خوردن حوادث كوچك و بزرگ و خوشایند و ناخوشایند، بر كوله‌بار تجارب شخصی و سازمانی ما می‌افزاید و ما را به آمادگی دوچندان، برگرفته از درس‌های آموخته‌شده، به‌سوی دوره‌ای جدید از همت و تلاش رهنمون می‌کند.

اینجانب با آگاهی از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل سازمان، شکی ندارم که سال پیش رو به لطف خداوند تعالی و عنایات ائمه معصومین (ع) سالی آکنده از موفقیت در کار ارزشمند مقابله با فساد در کشور خواهد بود و خانواده بازرسی در سایه انسجام، همدلی، نظم و تلاش آگاهانه، گام‌هایی ستودنی را به جلو برخواهد داشت.

سلامت، سعادت و بهروزی همکاران گرامی و خانواده‌هایشان را از درگاه الهی

خواستارم.

- هجدهمین جلسه هیئت‌مدیره انجمن
آمبودزمان آسیایی ۳۵
- دیوان عدالت اداری در یک نگاه ۵۰
- تقدیر از کارکنان نمونه اداره
خدمات ۵۹
- آرتروز فکری ۶۱

بررسی قراردادهای نفتی در سازمان بازرسی

اظهارات قاضی سراج در حاشیه معارفه



قاضی ناصر سراج رئیس سازمان بازرسی کل کشور در حاشیه معارفه دادستان کل کشور در جمع خبرنگاران در رابطه با پرونده قراردادهای نفتی اظهار داشت: همان‌گونه که وزیر نفت اعلام کردند جلساتی را در این زمینه برگزار کردیم، ایراداتی حدود ۱۲ الی ۱۳ مورد بود به وزارت نفت اعلام که خوشبختانه وزارت نفت و معاونانشان تمکین کردند که اگر نواقص را برطرف کنند مشکلی نخواهیم داشت. رئیس سازمان بازرسی کل کشور در رابطه با پرونده دکل نفتی نیز گفت: پرونده دکل نفتی را به دادسرا فرستادیم و دادسرا در حال رسیدگی است.

وی در ادامه در پاسخ به این سؤال که آیا متهم دیگری نیز در این پرونده دستگیر شده است یا خیر، تصریح کرد: بله دستگیر شده است، گزارش که کامل شود به دادسرا ارسال می‌کنیم.

بنابراین گزارش سه‌شنبه ۲۷ بهمن، قراردادهای جدید نفتی با حضور ناصر سراج، بیژن زنگنه وزیر نفت، معاونین و کارشناسان وزارت نفت و معاون اقتصادی و بازرسان کل حوزه نفت سازمان بازرسی کل کشور کارشناسان دو دستگاه موردبررسی قرار گرفت.

در این نشست، سراج با اشاره به اشکالات سازمان بازرسی کل کشور به قراردادهای جدیدی نفتی گفته بود: هدف سازمان بازرسی رفع اشکالات این قراردادها به نفع نظام و مردم است.

اهمیت و ضرورت هدف گذاری

یک سال دیگر از عمر ما گذشت. و اینک در آغاز سال دیگری قرار داریم. و این توقع بیجایی نخواهد بود که همه ما بخواهیم با برنامه ریزی مناسب به وضعیت مطلوب دست یابیم. از خود سوال می کنیم که چرا باید برنامه ریزی داشته باشیم ؟ معلومه ، برنامه ریزی فرایندی است که چگونگی حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب (هدف) را مشخص می نماید.

هدف گذاری بسیار مهم است ، زندگی ما مریهون هدفهایی است که بصورت آگاهانه یا ناآگاهانه انتخاب کرده ایم و آینده بستگی به هدفهایی دارد که هم اکنون انتخاب می کنیم.

مهم ترین عامل ، در کسب هر موفقیتی ، تدوین و مشخص کردن دقیق اهداف می باشد. هدف گذاری مهم ترین عامل حرکت و خلق آینده است ، هدف ها هستند که مقصد و مسیر زندگی فردی و سازمانی را روشن می کنند. هدف گذاری به مثابه ترسیم جاده ای برای آینده است . تلاشی ارزشمند است که معطوف به هدف باشد.

در بعد سازمانی یکی از مهارت هایی که مدیران و کارکنان باید در خود تقویت نمایند ، مهارت هدف گذاری است.

برای هدف گذاری اطلاع از مأموریت ها چشم انداز و وظایف سازمان ها لازم و ضروری است . اهداف باید در تحقق مأموریت و وظایف سازمانی باشد .

وقتی که اهداف مشخص شدند برای چگونگی رسیدن به اهداف باید طرح ها و برنامه هایی تدوین گردیده و لیست کلیه فعالیت هایی که منجر به تحقق اهداف می شوند را مشخص نمود و پس از اجرای برنامه ها و فعالیت ها باید نتایج و دستاوردها با اهداف مقایسه شوند تا اصلاحات لازم در اهداف ، برنامه ها و فعالیت ها به عمل آید .

در پایان

هدف اصلی و بلند را تشخیص دهیم، نقشه بکشیم، ساختارهایی برای حفظ تمرکز فکر ایجاد کنیم و کارها را کنترل نماییم. برای برنامه ها زمان بگذاریم و روند کارها را مداوم کنیم. می توانیم محیط مناسب را برای فعالیت خود آماده کنیم. با این اقدامات است که می توان به موفقیت دست پیدا کرد.

مهم‌ترین عوامل شکست برنامه‌های راهبردی در سازمان‌های دولتی

دکتر محمدجواد حق‌شناس

دانش آموخته دکتری سیاست‌گذاری عمومی دانشگاه تهران و کارشناس مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد

ابهام است. حدود یک دهه از اجرای برنامه راهبردی دوم سازمان می‌گذرد و با توجه به تحولات داخلی و خارجی ایجاد شده در این مدت، سازمان به این نتیجه رسیده است که متناسب با شرایط کنونی اقدام به طراحی و اجرای برنامه راهبردی نماید. با توجه به اهمیت برنامه راهبردی در نیل سازمان به اهداف خود، شناخت عواملی که می‌تواند فرایند تدوین و اجرای برنامه راهبردی را با شکست مواجه سازد ضروری است. از این رو در این نوشتار سعی شده است برخی از مهم‌ترین عوامل شکست برنامه های راهبردی در سازمان های دولتی در اختیار مخاطبان قرار داده شود. به این امید که این نکات بتواند کمکی به مجریان و دست اندرکاران تدوین و اجرای برنامه راهبردی سازمان باشد.

۱. فقدان عزم کافی مدیران و عدم باور آن‌ها به برنامه

راهبردی

برنامه راهبردی در صورتی به اهداف خود می‌رسد که مدیران سازمانی علاوه بر باور و اعتقاد به لزوم داشتن برنامه راهبردی، عزم و اراده کافی برای تدوین و پیاده سازی آن را داشته باشند. بر اساس تحقیقات انجام شده بسیاری از برنامه های راهبردی در سازمان ها به دلیل آنکه مدیران سازمان ها اعتقادی به برنامه راهبردی و در نتیجه اراده لازم برای اجرای آن را ندارند با شکست مواجه می شوند. بنابراین لازم است قبل از شروع به تدوین و اجرای برنامه راهبردی نسبت به وجود یا عدم وجود عزم مدیران سازمانی در این زمینه اطمینان حاصل شود.^۲

موفقیت یک سازمان به عوامل متعددی بستگی دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها برنامه‌ریزی مبتنی بر دانش است. با گسترش دامنه و عمق دانش در سازمان های مدرن برنامه‌ریزی دچار تغییرات متعددی شده و اغلب سازمان ها از شیوه سنتی برنامه‌ریزی فاصله گرفته اند. یکی از رویکردهای نسبتاً جدید در این زمینه، برنامه‌ریزی راهبردی است که در آن تمامی طرح ها و برنامه های عملیاتی بر اساس چشم انداز، مأموریت و راهبردها طراحی و اجرا می شوند. با درگیر شدن تمامی بخش های سازمانی در فرایند تدوین و اجرای برنامه راهبردی امکان موفقیت سازمان در دستیابی به چشم انداز و اهداف ترسیم شده افزایش یافته و دیگر به سان برنامه ریزی سنتی، هیچ‌یک از بخش های سازمان به صورت جزیره ای عمل نمی کند.

برنامه ریزی راهبردی شامل سه گام اصلی تدوین، اجرا و ارزیابی است. در صورتی که سازمان ها بتوانند هر سه گام را به درستی انجام دهند، سازمان به اهداف و چشم انداز ترسیم شده دست پیدا می کند. در هر یک از مراحل تدوین، اجرا و ارزیابی عواملی وجود دارند که در صورت توجه به آن‌ها احتمال موفقیت برنامه افزایش می یابد و در صورت نادیده گرفتن این عوامل برنامه راهبردی می تواند با شکست مواجه شود. اهمیت موضوع از آنجا مشخص می شود که بر اساس آمار، ۹۰ درصد شرکت های بزرگ دنیا در دستیابی به اهداف استراتژیک خود ناکام می مانند که از این میان ۳۰ درصد در مرحله تدوین و ۷۰ درصد در مرحله اجرا ناموفق بوده اند.^۱

طی دو دهه اخیر دو برنامه راهبردی در سازمان بازرسی کل کشور، تدوین و اجرا شده است که میزان موفقیت آن‌ها در هاله ای از

خود است. مزیت کلیدی به عواملی گفته می شود که آن سازمان را برای مشتریان ارزشمند نموده و درعین حال دستیابی به آن برای رقبا به سادگی امکان پذیر نباشد. در صورتی که سازمانی دارای مزیت کلیدی نباشد در دستیابی به اهداف و چشم انداز خود با شکست مواجه خواهد شد.

۵. عدم رعایت چارچوب زمانی در فرایند تدوین و اجرا

یکی از مهم ترین دلایل شکست برنامه های راهبردی طولانی شدن بیش از حد فرایند تدوین برنامه است. تغییرات در دنیای امروز چنان سریع رخ می دهد که به نظر برخی صاحب نظران، راهبردها قبل از آنکه خلق شوند، می میرند؛ تغییر سریع شرایط محیطی یکی از دلایل مهم از بین رفتن اثربخشی راهبردها است. درعین حال مدیریت سازمان باید این توان را داشته باشد که برنامه را در مدت زمان تعیین شده اجرا نماید.

۶. فقدان تمایل به تغییر در راهبردهای پیشین

عادت به شرایط موجود و عدم تمایل به تغییر شرایط، بهترین برنامه های راهبردی را با شکست مواجه می سازد بنابراین مدیران سازمانی باید این توانمندی را داشته باشند که در راهبردهای گذشته تجدیدنظر کرده و راهبردهای جدیدی متناسب با شرایط امروز خلق نمایند. واقعیت این است که راهبردها در زمان خود می توانند موفق شوند و راهبردهای موفق گذشته لزوماً نمی توانند در شرایط متفاوت امروزی موفق باشند. دل بستگی به راهبردهای پیشین و عدم تمایل به تغییر و اصلاح آنها یکی از علل شکست برنامه های راهبردی است.^۳

۲. ضعف مشارکت سطوح مختلف سازمان در تدوین و اجرا

بسیاری از برنامه های راهبردی به این دلیل با شکست مواجه می شوند که تمامی سطوح سازمانی در آن مشارکت ندارند. اگر کارکنان سازمان این احساس را داشته باشند که در تدوین و اجرای برنامه به کار گرفته می شوند احساس تعلق آن ها به برنامه افزایش یافته و در نتیجه امکان موفقیت برنامه بیشتر می شود. در بسیاری از سازمان ها برنامه راهبردی بدون مشارکت لایه های مختلف تدوین می شود و لذا در اجرا با چالش های بسیاری مواجه می گردد. انتزاعی بودن برنامه و عدم تسری آن به سطوح مختلف سازمان، یکی از مهم ترین دلایل شکست برنامه های راهبردی است.

۳. عدم شناسایی درست نقاط ضعف-قوت، فرصت-تهدید

فرصت ها و تهدیدها عواملی هستند که از بیرون سازمان را تحت تأثیر قرار می دهند در حالی که قوت ها و ضعف ها منشاء داخلی دارند. فرصت ها، تهدیدها، ضعف ها و قوت ها خمیرمایه اصلی راهبردها هستند. در صورتی که تدوین کنندگان برنامه، نتوانند فرصت ها-تهدیدها و نقاط ضعف-قوت را به درستی شناسایی کنند راهبردها به درستی طراحی نشده و در نتیجه برنامه به اهداف خود نمی رسد.

۴. نداشتن مزیت کلیدی نسبت به رقبا

سازمان ها در محیط فعالیت خود معمولاً با تعداد زیادی مشتری و تعدادی اندک رقیب مواجه هستند. هر سازمان برای دستیابی به چشم انداز ترسیم شده نیازمند داشتن مزیت کلیدی در میان رقبای





۷. ضعف علمی تیم طراح و عدم تشخیص راهبرد بهینه در

فرایند تدوین

یکی از دلایل شکست برنامه های راهبردی در مرحله تدوین، ضعف تخصصی افرادی است که در فرایند تدوین و طراحی راهبردها به کار گرفته شوند. این مسئله باعث می شود راهبرد بهینه از میان راهبردهای ممکن به درستی انتخاب نشود. توضیح آنکه به طور معمول فرصت ها و تهدیدها و نیز نقاط ضعف و قوت زیادی پیش روی سازمان وجود دارد، راهبردهای متفاوتی را می توان برای سازمان ترسیم نمود اما دستیابی به اهداف ترسیم شده مستلزم انتخاب راهبرد بهینه از میان راهبردهای ممکن است. ضعف علمی تیم طراح باعث انتخاب راهبرد فاقد برتری و در نتیجه شکست برنامه راهبردی می شود.

۸. عدم توجه به محدودیت منابع سازمانی

یکی از اصول مهم در علم مدیریت، محدودیت منابع انسانی و مالی در سازمان است که در فرایند تدوین راهبردها لازم است این موضوع مورد توجه قرار گیرد. پیاده سازی راهبردها به طور معمول به منابع گسترده ای نیاز دارد که عدم تأمین آن می تواند باعث عدم موفقیت برنامه راهبردی شود. لذا در تدوین برنامه و پیاده سازی آن باید به میزان و توانمندی های منابع انسانی و مالی سازمان توجه شود.

۹. ضعف اطلاعات مدیران از محیط داخلی و خارجی

سازمان

میزان اطلاعات مدیران یک سازمان از محیط داخلی و خارجی سازمان خود تأثیر به سزایی در موفقیت یا عدم موفقیت برنامه راهبردی دارد. در صورتی که سازمان دارای مدیران متخصص و دارای

شناخت مناسب از محیط داخلی و خارجی باشد امکان رسیدن راهبردها به نقطه مطلوب بسیار زیاد است و بالعکس زمانی که مدیران با تکیه به باورهای ذهنی چشم از واقعیت های محیطی فروبندند و از توان و اختیارات سازمان خود غافل شوند، برنامه راهبردی را با شکست مواجه می سازند.

۱۰. بی توجهی به نقش گروه های غیررسمی

در تمامی سازمان ها علاوه بر نقش های رسمی، نقش های غیررسمی نیز وجود دارند که باعث تشکیل گروه های غیررسمی در سازمان ها می شوند. در برخی از سازمان ها به ویژه در سازمان های ایرانی نقش گروه های غیررسمی از گروه های رسمی به مراتب بیشتر است. بی توجهی به نقش این گروه ها در فرایند تدوین و اجرای برنامه راهبردی باعث شکست برنامه می شود.

۱. سهراب خلیلی شورینی و مهدی محضری، شناخت موانع اجرای برنامه های استراتژیک و اولویت بندی آنها، پژوهشهای مدیریت راهبردی، شماره ۵۶، زمستان ۱۳۹۳

۲. جان برایسون، برنامه ریزی استراتژیک در سازمان های عمومی و غیر انتفاعی، ترجمه مهدی خادمی گراشی و قربان برارنیا، انتشارات آسیا، ۱۳۸۸

3.Hrebiniak, L.G. (2006), "Obstacles to strategy Vol. 35 Organizational Dynamics, implementation", No. 1,

۴. وفا غفاریان و مرتضی عمادزاده، معانی نوظهور در مفهوم استراتژی، سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۸۳

بایسته های مبارزه با فساد اداری در مجرای دین

عنایت داودی

دانشجوی دکتری علوم ارتباطات اجتماعی اداره کل بازرسی مازندران

بخش دوم

می شود. به همین دلیل، توجه به این دو اصل مبدأ و معاد، سرلوحه برنامه های تربیتی پیامبران و اولیای الهی قرار داشته و تأثیر آن در پاک سازی فرد و اجتماع، کاملاً چشمگیر است (همان، ج ۲۳، ص ۵۴۰).

باید توجه داشت که تقوا دارای شاخه های گوناگونی است: تقوای مالی و اقتصادی؛ تقوای جنسی و اجتماعی؛ تقوای سیاسی؛ و... آنچه در اینجا بیش تر مورد نظر است، تقوای کاری است، که معادل خویش داشتن داری و خودکنترلی در کار است؛ یعنی کنترل خویش هنگام انجام دادن کار، و پرهیز از روابط سوء اجتماعی با دیگران. از آنجاکه امام علی (ع) کارگزاران خود را به طور ویژه به رعایت تقوای فراوان سفارش می کند، می توان استنباط کرد که دیدگاه ایشان در اینجا بیشتر ناظر به تقوا و خودکنترلی در عرصه کار و کارگزاری است، و کارگزار موظف به خودکنترلی در همه کارها، به ویژه در امر حکومت و مدیریت است؛ اگرچه این سفارش ها، در شکلی دیگر، همه افراد و عرصه ها را فرا می گیرد.

راه های ایجاد تقوا و خودکنترلی در آموزه های دینی

بامطالعه در آموزه های دینی، راه های زیادی برای ایجاد و توسعه تقوا و خودکنترلی در افراد و انسان ها قابل استخراج است که برخی از آن ها به اختصار معرفی می شوند.

۱. اصلاح جهان بینی افراد جامعه

حساب دهی و پاسخ گویی، باعث کاهش درجه و میزان فساد می شود. این امر ممکن است به روش های مختلفی به دست آید که مهم ترین و تأثیرگذارترین روش، ایجاد خودکنترلی و خودنظارتی در افراد است. در یک جهان بینی و نگرش سکولاریستی، معمولاً

راهکارهای مربوط به حاکمان و صاحبان قدرت

راهکارهایی که در این بخش ارائه می شوند، در موارد دوم و سوم نیز قابل استفاده اند، زیرا تقسیم و بخش بندی حاضر، اعتباری، و نتیجه یک تحلیل و طبقه بندی ذهنی پژوهشگر است و حاکی از تقسیمی عقلی و منطقی که دایر بین نفی و اثبات است، نمی باشد.

۱. تقوا و خودکنترلی

خودکنترلی، به معنای نظارت و مواظبت فرد بر اعمال و رفتار خویش، و در نتیجه انجام دادن وظایف به نحو مطلوب و پرهیز از انحراف و تخلف شغلی واداری است. خودکنترلی و نظارت بر اعمال و رفتار خود، جزو آموزه های اصیل اسلامی است (غیرالحکم، حدیث ۲۴۲۹). در ادبیات قرآنی، مسئله خودکنترلی با عنصر «تقوا» پیوندی ناگسستنی یافته است. به عبارت دیگر، بیان قرآنی و اسلامی خودکنترلی، در مفهوم ارزشی «تقوا» تجسم یافته است. این واژه، در اصل از ماده «وقایه» به معنای نگهداری یا خویش داشتن داری است. به تعبیر دیگر، نیروی کنترل درونی است که انسان را در برابر طغیان شهوات حفظ می کند. تقوا، از قدرت بازدارندگی و نیروی حرکتی پرتوانی برخوردار است که ماشین وجود انسان را از پرتگاه ها حفظ، و از سستی ها و خطاها بازمی دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۷۹). حقیقت تقوا همان احساس مسئولیت درونی است و تا این احساس نباشد، انسان به دنبال هیچ برنامه سازنده ای حرکت نمی کند (همان، ج ۱۷، ص ۱۸۸). اما خمیرمایه چنین احساس مسئولیتی، دو چیز است: ۱. یاد خدا؛ یعنی توجه به مراقبت دائمی خداوند و حضور او در همه جا و همه حال؛ ۲. توجه به معاد و دادگاه عدل خداوند و نامه اعمالی که هیچ کار کوچک و بزرگی نیست، مگر آنکه در آن ثبت

شود. پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری‌ای که از درون انسان بجوشد، مؤثرتر و ماندگارتر از پاسخ‌گویی‌ای است که از نظارت بیرونی ناشی می‌شود.

۲. ایمان به معاد و حساب‌دهی در آن

ایمان و پایبندی به آموزه‌های اسلامی، عامل بسیار مهمی در ایجاد خودکنترلی در انسان است. هرچه ایمان به حقایق دینی و باورهای اسلامی قوی باشد، پایبندی به نظام ارزشی - که مراقبت درونی جزئی از آن است - نیز بیشتر، و در نتیجه خودکنترلی، شدیدتر می‌گردد.

در میان باورها، ایمان به معاد، عاملی بسیار قوی در پایبندی به ارزش‌ها، و در نتیجه خودکنترلی است. باور به اینکه فردای قیامت از همه اعمال سؤال خواهد شد و انسان مسئول اعمال و رفتارهای خویش است، همچنین باور به حسابرسی و پاداش و کیفر الهی، تأثیری شگرف بر انسان می‌گذارد و او را خودکنترل می‌سازد. اعتقاد به معاد، مسئولیت‌آفرین است؛ تقوا و خودکنترلی را در افراد پرورش می‌دهد و از آلوده شدن آن‌ها به حرام و معصیت الهی جلوگیری می‌کند (خدمتی و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۸۴).

۳. اهتمام به انجام فرایض و ترک محرمات

ارزش هر انسانی، در قانونمندی او نهفته است و هرگونه تخلف و قانون‌شکنی، شخصیت و ارزش انسان را پایین می‌آورد. بنابراین، انسانی باتقواست که خود را در عمل به قوانین اسلام متعهد کرده و از قانون‌شکنی مبرا باشد؛ به عبارت دیگر، از تمام محرمات پرهیز کند و به همه فرایض و واجبات عمل نماید. پیامبر اکرم (ص) در این زمینه می‌فرماید: «عابدترین مردم کسی است که به فرایض دینی عمل کند، و باتقواترین اشخاص کسی است که از تمام محرمات دوری گزیند» (مجلسی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۱، ص ۱۹۵، ح ۱۴). بنابراین، یکی از شیوه‌های رسیدن به تقوا، محترم شمردن قوانین اسلام است تا در سایر آن، حقوق خدا و مردم را به رسمیت بشناسیم و از حدود مقرر تجاوز نکنیم.

۴. توجه به حضور خداوند در هستی

یکی دیگر از شیوه‌های کسب تقوا، توجه به حضور خدا در هستی است. هر انسان مسلمانی وظیفه دارد که خدا را همه‌جا حاضر و ناظر

حساب‌دهی و پاسخ‌گویی از طریق بررسی‌ها و کنترل‌های اعمال شده بر افراد از طرف جامعه، جهت دستیابی به نتایج مشخصی چون امانت‌داری، کارایی و برابری به‌دست می‌آید. این نوع از پاسخ‌گویی، بسیار پرهزینه است و کاستی‌های فراوانی دارد که نمونه‌های زیادی از آن را می‌توان در مشکلات اجتماعی و اقتصادی‌ای که جوامع مدرن با آن مواجه‌اند، آشکارا مشاهده کرد.

با مراجعه به آموزه‌های دینی درمی‌یابیم که بالاترین شکل پاسخ‌گویی، پاسخ‌گویی‌ای است که از درون افراد ناشی می‌شود، نه از بیرون و جامعه. برای رسیدن به این نوع از پاسخ‌گویی درونی، باید جهان‌بینی افراد را توسعه داد؛ تا جایی که از مرز زندگی این دنیایی بگذرد و زندگی اخروی و جاودانی را نیز شامل شود. این، در واقع مشخصه اصلی جهان‌بینی اسلامی است. آموزه‌های اسلامی، راهنمای انسان‌ها در تمامی ابعاد زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و... است و در ترغیب و تحریک انسان‌ها به انجام کارهای پسندیده و روی‌گردانی از کارهای ناپسند بسیار قوی‌تر و نیرومندتر از هر جهان‌بینی غیردینی می‌باشد؛ زیرا:

اولاً، اصولی که از دو منبع معتبر قرآن و سنت استخراج می‌شوند، با طبیعت انسان سازگاری دارند؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «آیا آن خدایی که خلق را آفریده است، عالم به اسرار آن‌ها نیست؟ و حال آنکه او بر باطن و ظاهر همه امور عالم آگاه است» (ملک: ۱۴). همین‌طور، انسانی که در این جهان‌بینی تربیت می‌یابد، از بهترین ویژگی‌های فردی برخوردار است؛ زیرا قرآن کریم وی را به درستی و شایستگی در کار فرا می‌خواند.

ثانیاً، برخی از اصول ارائه‌شده توسط قرآن و سنت، اساساً در راستای محافظت افراد از افتادن در دام هواها، هوس‌ها و فزون‌طلبی قرار دارند. برخی دیگر از این اصول و آموزه‌ها، انسان‌ها را قادر می‌سازند تا از دانش‌ها و تجربیات به‌دست‌آمده، در جهت پیشرفت زندگی مادی و معنوی خود هردو بهره‌برداری کنند.

در نتیجه، بر اساس آموزه‌های دینی، نخستین گام برای مبارزه با فساد اداری و دیگر بیماری‌های اجتماعی مدرن، تزریق جهان‌بینی صحیح در جامعه است؛ همچنین عمل به اصول اسلامی به‌طور کامل، برای هدایت انسان به سمت صلح و شکوفایی حقیقی باید تشویق

که خداوند در آفرینش او خود را ستوده؛ (مؤمنون: ۱۴) و او را موجودی فناپذیر قرار داده است (مجلسی، ۱۴۰۲، ج ۶، ص ۲۴۹). ارزش انسان بهشت است، نه کمتر؛ و خداوند انواع فضیلت‌ها و کرامت‌ها را به او مرحمت کرده است (اسراء: ۷۰). اگر انسان به این کرامت‌ها و مقامات توجه کند، هرگز خود را به کارهای زشت آلوده نخواهد کرد.

۲. کنترل و نظارت اجتماعی (بیرونی)

شکی نیست که ایجاد پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری درونی که از جهان‌بینی اسلامی ناشی می‌شود، بهترین شیوه برای مبارزه با مفاسد در جوامع مدرن است. نهادینه‌سازی سیستم ارزشی در جوامع امروزی، فرایندی بلندمدت است؛ بنابراین، مسئولیت‌پذیری درونی باید با مسئولیت‌پذیری بیرونی مبتنی بر کنترل و نظارت سیستمی تکمیل شود تا افراد را از رفتاری غیرعادلانه با یکدیگر بازدارد. بر اساس آموزه‌های دینی، یکی از وظایف اجتماعی اساسی انسان‌ها، نظارت بر اعمال و رفتار همدیگر و حساسیت و توجه به عملکرد یکدیگر می‌باشد. اساس نظارت بیرونی و اجتماعی در اسلام، در مفاهیم «امر به معروف» و «نهی از منکر» قرار داده شده است. به تعبیر دیگر، تعبیر و بیان قرآنی و حدیثی نظارت اجتماعی در اسلام، واژه‌های امر به معروف و نهی از منکر است.

خود بداند. در این صورت است که از هرگونه خلاف و گناه مصون می‌ماند. قدرت ایمان به خدا و یاد او در ریشه‌کن کردن گناه، از همه قدرت‌ها نیرومندتر است. از همین‌روست که در آیات و روایات بر نقش توجه به حضور خداوند در بازداری از گناه و انحراف بسیار تکیه شده است؛ برای نمونه، قرآن کریم می‌فرماید:

«آیا انسان نمی‌داند که خداوند همه اعمالش را می‌بیند؟» (علق: ۱۴)

۵. توجه به ارزش و کرامت انسان

یکی از اعتقادهای اسلامی که زمینه‌ساز تحقق خودکنترلی است، مسئله ارزش و کرامت انسان است؛ زیرا اگر انسان قدر و منزلت و جایگاه رفیع خود را بهتر بشناسد، دیگر به امور پست و آلوده شدن به زشتی‌ها رضایت نمی‌دهد. برعکس، شخصی که برای خودش ارزش و منزلتی قائل نیست؛ به هر ذلتی تن می‌دهد؛ چنین شخصی، خود از شر اعمالش در امان نیست و بالطبع، دیگران نیز از شر او در امان نیستند؛ چنان‌که امام هادی (ع) می‌فرماید: «هرکسی که در نزد خودش پست و بی‌ارزش است، پس تو از شر او در امان نباش» (ابن‌شعبه، ۱۳۶۳، ص ۳۶۲).

انسان، موجودی است که روح خدا در او دمیده شده است؛ (حجر: ۲۹) و فرشتگان بر او سجده کردند؛ (حجر: ۳۰) او تنها موجودی است



عهدنامه‌های حضرت به کارگزاران، مسئله رعایت تقوا و ترس از خدا و توجه به آخرت دیده می‌شود.

در اندیشه سیاسی اسلام، کسانی که از امکانات و اموال و اختیارات حکومتی بهره‌مند می‌شوند، باید صفات و ویژگی‌هایی داشته باشند تا بتوانند وظیفه خود را به‌درستی انجام دهند؛ در غیر این صورت، باعث تباهی امور می‌شوند. علی (ع) هیچ‌گاه در عزل و نصب‌های خود، مسئله رفاقت و خویشاوندی را مدنظر قرار نمی‌داد و روش سیاستمداران دنیاپرست را که تنها در راستای بقای حکومت خود عمل می‌کردند، نداشت؛ بلکه تنها به رضای خدا می‌اندیشید و مصلحت مردم را در نظر می‌گرفت. در اندیشه سیاسی حضرت، هیچ خطری برای جامعه اسلامی بیشتر از خطر بر سر کار آمدن افراد فاقد اهلیت و کم‌صلاحیت نیست. به همین دلیل، هنگام گماردن مالک اشتر نخعی به حکومت مصر، در نامه‌ای به مصریان چنین هشدار داده است:

من بیم دارم که نابخردان و نابکاران، زمام امور مملکت را به دست گیرند و مال خدا را دست‌به‌دست بگردانند و بندگان او را بردگان خود گیرند و با صالحان به دشمنی برخیزند و فاسقان را حزب خود قرار دهند (نهج‌البلاغه، ص ۱۰۵۰).

حضرت مرتباً مردم را به مسئله کارگزاران توجه می‌دادند و می‌فرمودند که مبدا زمامداران بی‌اهلیت بر سر کار آیند و جامعه و مردمان را به تباهی کشانند؛ چراکه اگر حساسیت مردم به چگونگی رفتار کارگزاران از بین رود، آن‌گاه افراد بی‌لیاقت و فاقد صلاحیت در مراتب زمامداری قرار می‌گیرند و جامعه را به تباهی می‌کشانند (مجلسی، ۱۴۰۲ق، ج ۶۹، ص ۱۷۶).

نتیجه آنکه اگر در نظام اداری و حکومتی از افراد سالم و متعهد استفاده شود، و از طرفی نظارت مستمر برای تداوم حسن سلوک و تعامل مطلوب با مردم نیز حاکم باشد، یقیناً می‌توان به اقامه عدل و قسط در جامعه امیدوار بود. بدیهی است تنها در این صورت است که می‌توان امیدوار بود مردم به نظام حکومتی جامعه اقبال کنند و در رفع فساد و تخلف، با کارگزاران همکاری و همگامی نمایند.

۴. مبارزه با انحصارگرایی‌ها و انحصارطلبی‌ها

چنان‌که گفته شد، در بخش عوامل فساد مربوط به حاکمان و قدرتمندان، انحصارطلبی و در قبضه گرفتن قدرت و اقتدار سیاسی

از دیدگاه اسلامی، انسان موجودی اجتماعی است و بسیاری از عوامل رشد و تکامل یا عقب‌ماندگی و سقوط وی، در روابط اجتماعی‌اش با دیگران قرار دارد؛ ازاین‌رو، حساسیت به این روابط، و تلاش در جهت سالم‌سازی جامعه، از وظایف اصلی انسان هاست. ازاین‌روست که آیات و روایات بسیاری، از جهات متعدد و متنوعی، بر این وظیفه اجتماعی، دینی و سیاسی تأکید نموده و ابعاد مختلف آن را گوشزد کرده‌اند. علت برتری امت اسلامی بر امت‌های دیگر، عمل به همین فریضه دانسته شده است: امر به معروف را به‌منزله یک سازوکار نظارت اجتماعی، می‌توان چهار گونه دسته‌بندی کرد:

۱. نظارت مسئولان بر مردم؛ ۲. نظارت مردم بر مسئولان؛ ۳. نظارت مردم بر مردم؛ ۴. نظارت مسئولان بر مسئولان.

در جوامع امروزی برای هریک از انواع نظارت بیرونی، سازوکارهایی وجود دارد. نظارت مسئولان بر مردم، خود را از طریق قوانین و مقررات نشان می‌دهد. نظارت مردم بر مسئولان، بیشتر از طریق مطبوعات و رسانه‌ها قابل پیگیری است.

در انجام وظیفه امر به معروف نسبت به مسئولان، می‌توان گفت که در حکومت و نظام اسلامی، مردم دو نقش و وظیفه اساسی دارند: یکی مشورت دادن به مسئولان در تصمیم‌گیری است که دلیل آن، این آیات قرآن کریم است: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» و «أْمُرْهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ»؛ نقش دوم جامعه در امور حکومتی نسبت به مسئولان نظام اسلامی، مراقبت، پاسداری و نگهبانی از اجرای قوانین است. مردم موظف‌اند که هر جا خللی در اجرای قانون ببینند، تذکر دهند و اگر مفید واقع نشد، اعتراض کنند. این وظیفه، امر به معروف و نهی از منکر است که خداوند در قرآن صریحاً به آن امر می‌کند (آل عمران: ۱۰۴).

۳. سلامت کارگزاران نظام اداری و حکومتی

هر نظام اداری و حکومتی برای اینکه بتواند امور جامعه خود را به‌درستی اصلاح کند، باید از کارگزاران شایسته و متعهد بهره گیرد. در میان همه حکومت‌ها، تاکنون هیچ حکومتی، مانند حکومت امیرالمؤمنین علی (ع) درخصوص امور کارگزاران خود حساسیت و دقت به خرج نداده است. این واقعیت را می‌توان از نامه‌ها و خطبه‌های گوناگون حضرت به کارگزاران و والیان حکومتی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و دینی جست‌وجو کرد. در همه نامه‌ها و

برگزین و کسانی از آن‌ها را که امتیازخواه و متجاوز و فاقد انصاف اند، از خود دور گردان و به احدى از کسان خود و اطرافیان‌ات قطیعه ای وامگذار و به آنان اجازه مده که ملکی را برای خویش گیرند» (دعائم الاسلام، ج ۱ ص ۳۶۷).

۵. عدم تبعیض در برخورد با فساد

یکی از اصول اساسی در مبارزه با فساد اداری، برخورد یکسان و بدون تبعیض با مرتکبان آن است. رسول خدا(ص) در مقابل تلاش عده‌ای برای جلوگیری از قطع دست زنی از اشراف که مرتکب سرقت شده بود، فرمودند: «آنان که پیش از شما بودند، تنها به سبب چنین تبعیض‌هایی هلاک شدند؛ زیرا حدود را بر ناتوانان اجرا می کردند و قدرتمندان را رها می‌ساختند. بنی اسرائیل تنها به این سبب هلاک شدند که حدود را در خصوص فرودستان اجرا می‌کردند و بزرگان را معاف می‌ساختند.» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۲، دفتر دوم) در جای دیگر فرموده‌اند: «امت‌های پیش از شما به این علت هلاک شدند که حد را درباره فرودست اجرا می‌کردند و بزرگ را رها می‌ساختند. به آن کس که جان محمد در دست اوست سوگند که اگر دخترم فاطمه نیز چنین کرده بود، دست او را قطع می‌کردم» (همان).

ب) راهکارهای مربوط به نظام اداری سالم و کارآمد

در دنیا نظام‌های اداری مختلفی وجود دارد که نوع ساختاردهی این نظام‌ها و کم و کیف ارتباط اجزا و عناصر سازنده و فرایندهایشان با هم متفاوت‌اند و عناصر تشکیل‌دهنده آن، از نظر کارآمدی و میزان برقراری روابط سالم و به‌دور از فساد، در درجه‌های مختلف قرار دارند. آنچه که در این بخش بدان خواهیم پرداخت، راهکارهای پیش‌گیری و مبارزه با فساد در این نظام بر اساس مبانی ارزشی اسلام است.

۱. توسعه زیربنایی (نهادسازی)

ایجاد محیط زیربنایی مؤثر، یکی از راهکارهای مهم جلوگیری از فساد است. این تلاش برای نهادسازی را می‌توان با تمرکز بر مسائل زیر به ثمر رساند:

شایسته‌سالاری: استخدام مأموران دولتی باید بر اساس دو معیار اصلی شایستگی و درستکاری باشد؛ آن‌گونه که در قرآن کریم آمده است: «قالت یا أبت استأجره ان خیر من استأجرت القوی الامین» (قصص: ۲۶).

و اداری، یکی از عوامل اصلی و گلوگاهی فساد اداری است. از آنجاکه انحصارگرایی و انحصارطلبی دارای آثار سوء اجتماعی بسیاری است و نقشی برجسته در فساد و سقوط حکومت و نظام اداری دارد، در ادبیات دینی توجه خاصی به آن شده و احادیث فراوانی به جریان‌شناسی شکل‌گیری، آثار و عواقب، و راه‌های مبارزه با آن پرداخته‌اند.

معادل عربی انحصارطلبی، واژه «استثثار» است. استثثار، از ریشه «أثر»، در مقابل «ایثار» و به معنای «مقدم داشتن خود یا وابستگان و هواداران خود بر دیگران در تأمین نیازها و خواست‌ها» است (ابن‌منظور، ۱۴۱۰، ص ۸). نکته قابل توجه اینکه انحصارطلبی ممکن است دو شکل داشته باشد: الف) انحصاری که تجاوز به حقوق دیگران نیست و تنها اقدامی است برخلاف ایثار که ارزشی اخلاقی است؛ ب) انحصاری که افزون بر مخالف بودن با ایثار، تجاوز به حقوق دیگران نیز هست (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ص ۲۰۸).

عوامل زیادی در انحصارطلبی انسان‌ها نقش دارند؛ همچون بی‌اعتنایی به حقوق مردم، بی‌رغبتی به مکارم اخلاقی، حرص، بخل و خست؛ اما اصلی‌ترین عوامل و ریشه‌های انحصارطلبی، خودخواهی، بی‌ایمانی یا ضعف ایمان است. اگر ایمان، خودخواهی ذاتی انسان را مهار نکند، انسان به‌طور طبیعی انحصارطلب می‌شود و همه چیز را برای خود و وابستگان خود می‌خواهد. به فرموده امام علی(ع): «هر کس به فرمان‌روایی رسد، انحصارطلبی پیشه کند» (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۰).

یکی از بهترین روش‌های مبارزه با انحصار طلبی زیردستان، دوری کردن مسئولان رده‌بالا از انحصارطلبی است؛ چنان‌که پیشوایان دینی ما چنین بوده و چنین کرده‌اند. از ابواسحاق سبّعی نقل شده است که علی(ع) در بیت المال چیزی باقی نمی‌گذاشت (و همه را میان مردم تقسیم می‌کرد)، مگر آنچه را که در آن روز نمی‌توانست تقسیم کند؛ و می‌فرمود: «ای دنیا! دیگری را بفریب»؛ و هیچ چیزی از فیء را به انحصار خود در نمی‌آورد و چیزی را به خویشاوندان و نزدیکانش اختصاص نمی‌داد (قرطبی، ۱۴۱۵، ج ۳ ص ۲۱۰).

روش دیگر مبارزه با انحصارطلبی، توجه در گمارش افراد است؛ چنان‌که حضرت می‌فرماید: «دربانان و اطرافیان خود را از نیکان

بهره‌گیری از نظام آموزش است. نظام آموزش در هر جامعه نقشی عمده و اساسی در شکل‌دهی ارزش‌های مؤثر بر رفتار افراد دارد. همین‌طور، آنچه که به فرزندانمان آموزش می‌دهیم و چگونگی آموزش آن‌ها، سهمی در نقش‌های متفاوتی که این افراد در جامعه ایفا می‌کنند (پدر، کارمند اداره، تاجر و...) دارد. بدین ترتیب، انتظار می‌رود که نظام آموزشی در یک جامعه اسلامی، مبلغ و منتقل‌کننده نظام ارزشی اسلام به تمامی گروه‌ها و در همه مکان‌ها باشد تا افراد تربیت‌شده در این نظام، بتوانند در نقش‌های مختلف اجتماعی‌ای که بر عهده می‌گیرند، به‌صورت بهره‌ور و اخلاقی عمل کنند.

۲. شفافیت گرایی

شفافیت، یکی از مفاهیم کلیدی مطرح در مباحث مربوط به فساد و سلامت اداری می‌باشد که عبارت است از آشکار بودن مبنای تصمیمات حکومتی و سازوکارهای حاکم بر توزیع قدرت و درآمد. شفافیت به‌عنوان مؤثرترین ابزار مبارزه با فساد اداری، برای استقرار

حقوق کافی: حقوق و مزایای پرداختی برای مستخدمان دولتی باید مکفی و حداقل برابر حقوق دریافتی هم‌قطاران آن‌ها در بخش خصوصی باشد تا بهره‌وری آن‌ها افزایش پیدا کند و کمتر در معرض وسوسه فساد قرار بگیرند. در کلامی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «خداوند در روز قیامت به سه کس نظر نمی‌کند: انسان آزادی که شخص آزادی را بفروشد؛ و انسان آزادی که خودش را بفروشد؛ و مردی که پرداخت دستمزد کارگر را آن‌قدر به تأخیر اندازد که رطوبت عرق ناشی از کار او خشک شود» (متقی هندی، ۱۴۰۵، ج ۱۶، ص ۳۵).

شفافیت: در خصوص میزان صلاحیتی که به کارمندان بخش عمومی داده می‌شود، باید قوانین و مقررات شفاف وجود داشته باشد تا از احتمال درگیر شدن در فساد کاسته شود و زمینه ارزیابی عملکرد کارکنان فراهم گردد.

رسانه و مطبوعات آزاد: رسانه‌ها و مطبوعات آزاد بر مسائل مهم و

حساس تمرکز می‌کنند؛ اطلاعات موردنیاز برای افزایش آگاهی و مشارکت عمومی را در سطح گسترده منتشر می‌نمایند؛ و خطاکاری‌ها و سوء عملکردها را افشا می‌کنند. همه این نهادها هنگامی که در کنار هم قرار می‌گیرند، باید محیطی را ایجاد کنند که در آن، مردم مسئولیت اعمالشان را بپذیرند و سیستم نظارت و ارزیابی به کاهش فساد، رونق و شکوفایی بیشتر، و ثبات افزون‌تر جامعه بینجامد؛ چنان‌که قرآن کریم یادآوری می‌کند: «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ» (بقره: ۲۵۱). و نیز «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْذَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيعَ صَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا...» (حج: ۴۰).

آموزش: آخرین و نه کم‌ارزش‌ترین راهکار و سازوکار برای نهادینه سازی در جامعه،



۴. توجه به معیشت کارمندان

یکی از عوامل مهمی که باعث می‌شود انسان‌ها به ورطه فساد و تباهی کشیده شوند، احتیاج و نیازمندی است. طبیعت آدمی به گونه‌ای است که احتیاج و نیاز او را به رفع آن نیازمندی‌ها تحریک می‌کند و هرچه این نیاز بیشتر باشد، قدرت تحریکی آن نیز بیشتر خواهد بود (رضائیان، ۱۳۸۵). از همین رو، فقر و نداری در آموزه‌های دینی همسایه دیوار به دیوار کفر معرفی شده است؛ چنان که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «کاد الفقر أن یكون کفراً» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۸۶).

اگر از کارکنان و مدیران سطوح مختلف نظام انتظار می‌رود وظایف خود را به شکل مطلوب و دور از هرگونه کم‌کاری و خیانت انجام دهند، باید آن‌ها را از لحاظ زندگی مادی تأمین کرد. اگر میزان دریافتی کارکنان با مخارج زندگی متوسط آن‌ها برابری نداشته و پایین‌تر از آن باشد، کارکنان با دلسردی به انجام کارشان مبادرت خواهند ورزید؛ کار را با اتقان و استحکام انجام نخواهند داد و کم‌کاری، خیانت و تعدی به اموال عمومی را پیشه خود خواهند ساخت.

امیرمؤمنان علی (ع) مسئله تأمین زندگی و بهبود وضعیت معیشتی کارکنان را از وظایف سازمان می‌داند و به مدیران گوشزد می‌کند که به‌طور جدی به این امر توجه کنند. حضرت خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «ثم أسخ علیهم الارزاق؛ فإن ذلک قوت لهم علی استصلاح أنفسهم غنی لهم عن تناول ما تحت ایدیهم، و حجه علیهم إن خالفو أمرک أو ثلموا امانتک» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

ج) راهکارهای مربوط به وضعیت فرهنگی و هنجارهای حاکم راهکارهایی که در این بخش ارائه می‌شوند، جنبه فرهنگی و اجتماعی دارند. هرچند به‌کارگیری راهکارهایی که در ادامه ارائه می‌شوند، دشوار، زمان‌بر و نیازمند فعالیت و تلاش جمعی و همگانی است، اما در بلندمدت می‌تواند ثمرات بسیار ارزجندی داشته باشد.

۱. افزایش زمینه‌های مشارکت مردم در امور اجتماعی

مشارکت اجتماعی، بر گسترش روابط بین گروهی دلالت دارد و درگیر ساختن مردم در فرایندهای اجتماعی مختلف را هدف قرار می‌دهد. مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت

دولتی کارا و ایجاد جامعه‌ای پایدار به کار می‌رود. به عبارت دیگر، فرایند شفاف‌سازی گشایش امور غیرامنیتی و نظامی برای افراد است؛ به گونه‌ای که رسانه‌ها، سیاست‌ها، فرهنگ‌ها، تصمیمات و... قابل عرضه به افکار عمومی باشند تا مردم بتوانند درباره آن‌ها به قضاوت بنشینند. شفافیت و شفافیت‌گرایی، از مقوله‌های مورد تأکید و توجه در آموزه‌های دینی است. دین مبین اسلام که حکومت را امانتی در دست حاکمان و کارگزاران حکومت می‌داند، نظارت بر چگونگی استفاده و نگهداری از این امانت و ضرورت پاسخ‌گویی در قبال آن را از مسلمات مبانی سیاسی اسلام به شمار می‌آورد. به همین علت است که امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر، ضرورت پاسخ‌گویی در مقابل مردم را بدین صورت بیان می‌فرماید:

برای کسانی که به تو نیاز دارند، زمانی معین کن که در آن، فارغ از هر کاری به آنان بپرداز. برای دیدار با ایشان به مجلس عام بنشین؛ مجلسی که همگان در آن حاضر شوند. و برای خدایی که آفریدگار توست، در برابرشان فروتنی نمای و بفرما تا سپاهیان و یاران و نگهبانان و پاسبانان به یک‌سو شوند تا سخن‌گویشان بی‌هراس و بی‌لکنت زبان، سخن خویش بگویند؛ که من از رسول‌الله (ص) بارها شنیدم که می‌گفت: پاک و آراسته نیست امتی که در آن امت، زیردست نتواند بدون لکنت زبان، حق خود را از قوی دست بستاند... (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۳. شایسته‌سالاری در نصب و عزل‌ها

شایستگی در لغت به معنای «داشتن توانایی، مهارت، دانش، لیاقت و صلاحیت» (Oxford, 1993, p. 235) است؛ و در اصطلاح، بسته به کار و قلمرو شغلی فرد معنا می‌یابد. هر کاری توانایی، مهارت و لیاقت ویژه‌ای را می‌طلبد و در مجموع، شایستگی فرد را برای امر برعهده گرفته می‌رساند.

شایسته‌سالاری در گزینش و نصب افراد و مدیران دستگاه‌های اجرایی، یکی از مهم‌ترین راهکارهای مبارزه با فساد اداری است که در ادبیات دینی بر آن بسیار تأکید شده است. برای نمونه، قرآن کریم از زبان دختران شعیب آمده است که خطاب به پدر در خصوص استخدام حضرت موسی به شبانی می‌گویند «او را به خدمت بگیر؛ زیرا قوی (شایسته برای شبانی) و درستکار است» (قصص: ۲۶).

دارد که از طریق آن‌ها اعضای یک جامعه در امور مختلف شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹، ص ۱۰۸).

در دین اسلام، مشارکت و تعاون، یکی از آموزه‌های اصلی است؛ چنان که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده: ۲). اگر این اصل در جامعه نهادینه شود و مردم بدون توجه به روابط شخصی، نژادی و خویشاوندی، با آنان که به انجام کارهای سازنده و مثبت اقدام می‌کنند همکاری و همیاری نمایند، بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی حل می‌شود و جامعه‌ای سرشار از تعاون به وجود می‌آید. با مطالعه در منابع و آموزه‌های دینی، می‌توان راهکارهایی را برای جلب مشارکت عمومی مطرح کرد:

نیکوکاری: حضرت علی (ع) در زمینه افزایش اعتماد مردم به سیستم و نظام، می‌فرماید: «هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد والی به رعیت، بهتر از نیکوکاری به مردم و تخفیف مالیات و عدم اجبار به کاری که دوست ندارند، نیست. پس در این راه آن قدر بکوش تا به وفاداری رعیت، خوش بین شوی که این خوش بینی، رنج طولانی مشکلات را از تو برمی‌دارد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

برخورد نیک: تأثیر برخورد نرم و متواضعانه با مردم به اندازه ای است که خداوند متعال از آن به عنوان ویژگی اخلاقی مثبت پیامبرش یاد می‌کند و خطاب به وی می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ...» (آل عمران: ۱۵۹).

شنود مؤثر: پیامبر اکرم (ص) به گفتار مردم آن قدر توجه داشت که بعضی در غیاب آن حضرت می‌گفتند: او گوش است؛ یعنی هر چه دیگران می‌گویند، می‌پذیرد: «کسانی از آنان، پیامبر را اذیت و آزار می‌دهند و می‌گویند او گوش است (توبه: ۶۱).

۲. احیای حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی

یکی از اصول اجتماعی بنیادی موردنظر دین اسلام، اهتمام مسلمانان و مسئولیت‌پذیری آنان نسبت به همدیگر است که از آن به «تکافل اجتماعی» (یعنی مسئولیت و تکالیفی که اعضای جامعه نسبت به همدیگر دارند) نیز تعبیر شده است.

احادیث زیادی در این زمینه وجود دارند که اهمیت این اصل را می‌رسانند؛ مانند این روایت که پیامبر (ص) که می‌فرماید: «من أصبح و لم يهتم بامور المسلمين فليس بمسلم» (کلینی، ۱۳۶۲، ص ۲۳۹). این حدیث و احادیث فراوان دیگر، تأکیدی روشن، صریح و قاطعی بر مسئولیت انسان‌ها نسبت به همدیگر و جامعه پیرامونی‌شان هستند.

۳. ترویج فرهنگ وظیفه‌شناسی و وجدان کاری

در تعریف وجدان کاری گفته شده است: «حالت ثابت درونی که شخص را به انجام دقیق کار با میل و رغبت و اشتیاق ترغیب می‌کند» (منطقی‌سعادت، ۱۳۷۵، ص ۴۱). وجدان کاری و وظیفه‌شناسی، یکی از عوامل فرهنگی مؤثر جهت مبارزه با فساد و انحراف اجتماعی به شمار می‌آید. می‌توان گفت که بین وجدان کاری و فساد، رابطه‌ای معکوس وجود دارد؛ به این معنا که با فقدان وجدان کاری، فساد و انحرافات افزایش خواهند یافت و وجود آن می‌تواند باعث کاهش فساد اداری در سازمان‌ها شود. بدین ترتیب، ضعف وجدان کاری از مهم‌ترین ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی فساد اداری است (حکیمی، ۱۳۸۵).

در قرآن کریم، از وجدان کاری به نفس لواحه تعبیر شده است که در صورت انجام کار زشت، انسان را نکوهش می‌کند (قیامه: ۲).

با تقویت پایبندی انسان‌ها به اصول و ارزش‌های دینی و باورهای انسانی، و همچنین در سایه استفاده از تجربه‌های بشری، می‌توان به تقویت و گسترش فرهنگ وجدان کاری در سازمان‌ها اقدام نمود.

نتیجه‌گیری

مبارزه با فساد و انحرافات اجتماعی، یکی از اصول و اهداف اساسی دین مبین اسلام است. بر این اساس، آموزه‌های دینی، سرشار از راهکارها و راه‌حل‌های پیشگیری از بروز فساد در جامعه و مبارزه با آن می‌باشد؛ چنان که پیامبران الهی و پیشوایان دین، در عمل نیز اهتمام جدی به این امر داشته‌اند. به اقتضای چارچوب نظری تحقیق که «تئوری محدودیت‌ها» است، راهکارهای عرضه‌شده، معطوف به عوامل گلوگاهی فساد اداری‌اند. بر این مبنا، مشخص شد که فساد اداری، حاصل وجود و تعامل عواملی چون انحصارطلبی، پنهان کاری و عدم شفافیت، فقدان شایسته‌سالاری و مسئولیت اجتماعی شهروندان است.

منابع

- ابن منظور، محمد بن المکرم المصری، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۰ق.
- ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، قم، چاپ علی اکبر غفاری، قم ۱۳۶۳.
- امیری، علی نقی ۱۳۸۳، نگاهی جامع به خود کنترلی در سازمان، فرهنگ مدیریت، شماره ۷.
- آقا پیروز، علی، و دیگران، مدیریت در اسلام، چ دوم، قم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.
- بازشناسی مولفه‌های موثر بر اختلاس در ایران، نشریه مجلس و پژوهش، ش ۲۵، خرداد و شهریور ۱۳۷۷.
- تانزی، ویتو، مسئله فساد، فعالیت‌های دولتی و بازار آزاد، ترجمه بهمن آقایی، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۴۹ و ۱۵۰، بهمن و اسفند ۱۳۷۸.
- تقوی، مهدی، فصلنامه اندیشه صادق، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق(ع)، شماره ۸-۹.
- حکیمی، عبدالمومن، فساد اداری افغانستان؛ عوامل بروز و راهبردهای مقابله با آن، قابل دسترسی در سایت دین گستر.
- خدمتی، ابوطالب و همکاران ۱۳۸۱، مدیریت علوی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دلشاد تهرانی، مصطفی ۱۳۷۲، سیره نبوی (منطق عملی)، دفتر دوم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ربیعی، علی ۱۳۸۳، زنده باد فساد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات.
- رضائیان ۱۳۸۵، علی، مبانی رفتار سازمانی، تهران، سمت.
- قرطبی، یوسف بن عبدالله ۱۴۱۵ق، الاستیعاب فی معرفت الاصحاب، تحقیق علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، چ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین ۱۴۰۵ق، کنز العمال، بی جا، موسسه الرساله.
- محسنی تبریزی، علیرضا ۱۳۶۹، بررسی زمینه های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، تهران، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.
- محمدی ری شهری، محمد ۱۳۸۴، دانش نامه میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: موسسه دار الحدیث.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- منصورنژاد، محمد، فلسفه نظارت، فصلنامه حکومت اسلامی، سال نهم، شماره ۳۳.
- منطق سعادتی، محسن، گامی به سوی نهادینه کردن وجدان کاری در سازمانها، ماهنامه معرفت، تابستان ۱۳۷۵.
- Amundsen, Inge (1999): "Political corruption: An introduction to the issues", Working Paper 99:7, Bergen: Chr. Michelsen Institute.
- Jens Chr. Andvig and Odd-Helge Fjeldstad (2000), "Research on Corruption. A Policy Oriented Survey", Commissioned by NORAD.
- Mohabbat khan, Mohammad, Political and Administrative Corruption; Concepts, Comparative experiences and Bangladesh Case, p 2. <http://www.ti-bangladesh.org/> Accessed on 11/29/2010.
- Ouma, O.A. (1991). "Corruption in Public Policy and its Impact on Development: The Case of Uganda since 1979", PAD, Vol.11, No.5.
- Theobald, R. (1990), Corruption Development and Underdevelopment, London: Macmillan.
- United Nations (1990) Corruption in Government. Report of an Interregional Seminar held in The Hague, The Netherlands on December 11-15. New York: The United Nations.
- World Bank (1997), World Development Report, Washington: Oxford University Press.
- www.transparency.org
- Yousif Khalifa Al- Yousif (2003), Corruption and development: an Islamic view, a Paper from the 5th International Conference on Islamic Economics and Finance, by the International Association for Islamic Economic.

کمیسیون مبارزه با فساد مالی

آیت باقری

کارشناس مرکز مطالعات و پژوهش های سلامت اداری و مبارزه با فساد

تاریخچه

متعاقباً در راستای تخصصی نمودن نهاد مبارزه با فساد از حیث نقش و وظایفش، قانون نهاد مبارزه با فساد در سال ۱۹۸۲ توسط پارلمان به تصویب رسید که به موجب آن اداره ملی تحقیقات به نهاد مبارزه با فساد تغییر نام داد.

در سال ۲۰۰۸ پارلمان و دولت به اتفاق آراء تشکیل کمیسیون مستقل مبارزه با فساد مالی^۵ را به عنوان یک نهاد مستقل برای مدیریت مؤثر و کارآمد تلاش های مبارزه با فساد ملت مصوب نمودند.

کمیسیون مبارزه با فساد مالی^۱ فعالیت خود را رسماً از ۱ ژانویه ۲۰۰۹ آغاز نمود و جایگزین نهاد مبارزه با فساد^۲ مالی شد. این کمیسیون به موجب قانون موسوم به قانون کمیسیون مبارزه با فساد مالی (قانون ۶۹۴) تأسیس گردید. پیش از آن تلاش های مبارزه با فساد به طور رسمی توسط واحدی کوچکی ذیل بخش نخست وزیری انجام می شد که فعالیت های پیشگیری از فساد را عمدتاً از طریق جلسات سخنرانی مدیریت می کرد. هم زمان باهم تحقیقات جنایی از جمله فساد توسط شعبه جرائم ویژه که در درون اداره پلیس تشکیل شده بود رسیدگی می شد در حالی که محاکمه موارد فساد بخش محاکمات وزارت دادگستری بر عهده داشت. با در نظر گرفتن این واقعیت که فعالیت های مبارزه با فساد مستقلاً به وسیله سه نهاد مختلف انجام می گرفت دولت تصمیم گرفت وظیفه تحقیق، پیشگیری و پیگرد را از طریق تشکیل نهاد مبارزه با فساد^۳ در سال ۱۹۶۷ بر اساس قانون مبارزه با فساد ۱۹۶۷ زیر یک سقف واحد یکپارچه نماید. در سال ۱۹۷۳ نهاد مبارزه با فساد به اداره تحقیقات ملت^۴ تغییر نام داد و به عنوان یک اداره کامل زیر نظر وزارت کشور قرار گرفت. این تغییر نام به دنبال تصویب قانون اداره ملی تحقیقات در سال ۱۹۷۳ و اعطای اختیارات وسیع به این اداره برای بررسی موارد فساد و موارد مرتبط با منافع ملی و نیز مدیریت کارکنان خود شکل رسمی به خود گرفت.



نخست وزیر قرار ولی این امر تنها به دلیل تأمین مالی و پرسنلی آن می باشد. وظیفه روزمره کمیسیون مبارزه با فساد مالزی به صورت مستقل و آزادانه توسط مقامات آن تحت نظارت رئیس کمیسیون بدون دخالت طرف ثالثی انجام می شود.

کمیسیون مبارزه با فساد تحت ریاست رئیس کمیسیون اداره می شود که از طرف پادشاه مالزی بر اساس بخش ۵ (۱) قانون مبارزه با فساد مالزی ضمن مشورت با نخست وزیر منصوب شده و دو نفر از معاونین مدیرکل کمیسیون مبارزه با فساد وی را یاری می کنند.

کمیسیون مبارزه با فساد دارای ۱۱ بخش و یک آکادمی در سطح اداره کل به علاوه دارای بیش از ۱۵ اداره در سطح دولتی است که ریاست هریک از آن ها را یک مدیر دولتی بر عهده دارد.

دستاوردها

بر اساس گزارش سالانه ۲۰۱۰ کمیسیون مبارزه با فساد مالزی، ۳۸۱ نفر به فساد متهم شدند که ۱۹۳ نفر از مردم عادی، ۱۳۱ نفر از کارمندان دولتی، ۵۶ نفر از بخش خصوصی و یک نفر سیاستمدار این عده را تشکیل می داد.

طبق این گزارش، ۸۱۱ پرونده از جمله ۳۰۰ پرونده جدید به وسیله دادگاه های بدوی مورد رسیدگی قرار گرفت. در مجموع ۴۳۵ پرونده مورد رسیدگی نهایی قرار گرفت که در ۳۰۹ مورد متهمان محکوم شدند در ۱۰۳ مورد متهمان، بدون هرگونه درخواست دفاع از خودشان، تبرئه و آزاد شدند.

این گزارش می افزاید مجموعاً ۷۶۹ پرونده استیناف توسط دادگاه عالی و دادگاه استیناف رسیدگی شده و محکومان ارتشاء به پرداخت جرائم بالغ بر ۵/۹ میلیون رینگت محکوم شده اند.

در این میان، رئیس کمیسیون، داتوک سری ابوقاسم محمد اظهار داشت که این نهاد می کوشد تا مردم را نسبت به شفافیت و کار حرفه ای خود در زمینه مبارزه با فساد متقاعد نماید. در مقدمه گزارش، او می گوید که این مسئله وظیفه آسانی نیست چراکه کمیسیون مبارزه با فساد مجبور است با مسئله ذهنیت منفی و برداشت های غلط درباره آزادی عمل قانونی خود و نیز

مرحله انتقال برای تبدیل شدن به نهاد مستقل مبارزه با فساد با اجرایی شدن قانون کمیسیون مستقل مبارزه با فساد در ۱ ژانویه ۲۰۰۹ که گواه تشکیل رسمی این کمیسیون بود به واقعیت بدل شد.

وظایف

وظایف کمیسیون مبارزه با فساد به موجب بخش ۷ لایحه کمیسیون مبارزه با فساد ۲۰۰۹ شامل موارد زیر است:

- دریافت و بررسی هر گزارش ارتکاب جرم به موجب این قانون [قانون کمیسیون مبارزه با فساد] و تحقیق درباره چنین گزارش های هنگامی که رئیس کمیسیون یا مقامات کمیسیون امکان پذیر می دانند؛
- کشف و تحقیق؛

- هر جرم مظنون به موجب این قانون؛

- هرگونه مبادرت به ارتکاب هر جرمی به موجب این قانون؛
- هرگونه توطئه مظنون به ارتکاب هر جرمی به موجب این قانون؛
- بررسی روال کار، سیستم ها و رویه های نهادهای عمومی به منظور تسهیل کشف جرائم به موجب این قانون و ترمیم بازمینی این روال کار، سیستم ها یا رویه هایی که بنا به نظر رئیس کمیسیون ممکن است به فساد منتهی شود؛
- راهنمایی، مشاوره و مساعدت به هر فردی بنا به درخواست وی به نحوی که باعث از بین رفتن فساد توسط چنین فردی شود؛
- ارائه مشاوره به رؤسای نهادهای عمومی درباره تغییرات در روال کار، سیستم ها یا رویه ها متناسب با ایفای مؤثر وظایف نهادهای عمومی زمانی که رئیس کمیسیون برای کاهش احتمال وقوع فساد ضروری می داند؛

- آموزش عموم مردم درباره فساد و

- جلب و ترویج پشتیبانی عمومی علیه فساد.

ساختار

ساختار سازمانی

کمیسیون مبارزه با فساد مالزی یکی از سازمان هایی است که زیر نظر بخش نخست وزیر قرار دارد. گرچه این کمیسیون زیر نظر بخش

پیش‌داوری‌های ناشی از رسیدگی‌ها، دست‌وپنجه نرم کنند.

کمیسیون مبارزه با فساد مالزی، در سال گذشته بر مبنای ۵/۶۴۶ فقره اطلاعات، به ۱/۲۲۰ گزارش تحقیقی مبادرت نمود. مجموعاً ۹۰۰ گزارش تحقیقی توسط مأموران تحقیق به سرانجام رسید. رئیس کمیسیون اظهار داشت که این کمیسیون بر روی پرونده‌های متمرکز شده که عمدتاً استخراج غیرقانونی، قاچاق شن و ماسه، قطع غیرقانونی درختان جنگل، فساد در مبادی ورودی و نیز توزیع یارانه گازوئیل را شامل می‌شود.

پی‌نوشت:

- 1- Anti-Corruption Commission (MACC)
- 2- Anti-Corruption Agency (ACA)
- 3- Anti-Corruption Agency (ACA)
- 4- Nation Bureau Investigation (NBA)
- 5- Anti-Corruption Commission (MACC)
- 6- Datuk Seri Abu Kassim Mohamed

References

http://en.wikipedia.org/wiki/Anti-Corruption_Agency
<http://www.sprm.gov.my/>
 Sand and Corruption-Human Greed Outcomes, 22/06/2010
http://www.respondanet.com/index.php?option=com_content&view=article&id=55
 1: macc-charged-381-people-with-corruption-in-2010&catid=16: asia&Itemid=26



جرعه‌ای از کلام ولایت



WWW.TALKHANDAK.COM

کارها را پای خدا بگذارید و بگویید خدایا من برای تو کار می‌کنم. همین که هست، همین مقداری که می‌توانید همین تلاشی که می‌توانید.....

در دستگاه خدا هیچ چیز فراموش نمی‌شود.

در لحظات دشوار که دغدغه پیدا می‌کنید، اضطراب پیدا می‌کنید سر یک مساله‌ای، اضطراب اندازه‌گیری نمی‌شود.

از بیانات مقام معظم رهبری - ۸۵/۴/۶ - اقتباس از کتاب اطلاعات و ولایت از انتشارات پژوهشکده اطلاعات - ص ۸۵

سرپرستان حفاظت و اطلاعات بازرسی کل

استان‌های اردبیل، اصفهان و لرستان منصوب شدند



در راستای سیاست‌های سازمان و به دنبال خاتمه همکاری مسئولین سابق حفاظت و اطلاعات بازرسی کل استان‌های اردبیل، اصفهان و لرستان، با حکم مدیرکل حفاظت و اطلاعات سازمان، آقایان هادی اقدامی، حمید رضا باقری و عادل قاسمی به ترتیب به عنوان سرپرستان جدید حفاظت و اطلاعات استان‌های مزبور منصوب شدند.



مراسم معارفه‌های مذکور با حضور قاسم دورانی، معاون هماهنگی و امور استان‌های حفاظت و اطلاعات سازمان، بازرسان کل و کارکنان بازرسی‌های کل استان برگزار شد. در این مراسم همچنین از زحمات آقایان احمد نوده، اکبر فرهمندی و عبدالرضا فرهادی (مسئولین سابق حفاظت و اطلاعات استان‌های مزبور) تقدیر بعمل آمد.

ضرورت بهره‌مندی هوشمندانه از اینترنت

ایمان بازبین

رصد و تحلیل این اطلاعات و کشف ارتباطات می‌پردازند. افشاجاری ادوارد اسنودن در مورد پروژه (PRISM) که هدف آن جمع‌آوری اطلاعات تولیدشده از اقصای نقاط دنیا است تصدیق‌کننده این واقعیت است.

شاید این سؤال پیش آید که چه کسی می‌خواهد به بررسی این حجم اطلاعات بپردازد و از میان انبوه اطلاعات، کارمندان را شناسایی نماید؟

پاسخ این سؤال این است که این اقدام از طریق نرم افزارهای هوشمند و ربات نرم‌افزاری صورت می‌گیرند که با استفاده از الگوریتم‌های پیچیده می‌توانند در مدت‌زمان یک دقیقه حجم وسیعی از اطلاعات را بسیار بهتر از نیرو انسانی رصد و تحلیل نمایند.

امروزه نه می‌توان وجود فناوری‌های روز دنیا و نیاز مبرم به بهره‌گیری از آن را انکار نمود و نه می‌توان خطرات آن را نادیده گرفت. همچنان‌که مقام معظم رهبری نیز بر این امر تأکید داشته تصریح فرموده‌اند: «امروز اهمیت فضای مجازی به اندازه اهمیت انقلاب اسلامی است.» بلکه می‌بایست با شناخت آسیب‌ها و تهدیدات، ضمن برنامه‌ریزی هدفمند به بهره‌گیری هوشمندانه از آن مبادرت نمود که در این زمینه ضمن تقویت فرهنگ خود حفاظتی، دیگران را

نیز در این خصوص راهنمایی نماییم و بدانیم که رعایت مسائل ذکرشده نه تنها دست و پاگیر نخواهد بود بلکه با رعایت آن‌ها می‌توان بهترین بهره را از اینترنت در راستای آگاهی از اخبار، فناوری‌های نوین، مطالعه متون تخصصی و... کسب نمود.



دشمنان جمهوری اسلامی ایران، اطلاعات موردنیاز خود را به‌صورت پازلی و مرحله‌به‌مرحله جمع‌آوری و تکمیل می‌نمایند.

در این راستا اینترنت و گوشی‌های هوشمند و مشخصاً سایت‌های جستجوگر، یک نظام جمع‌آوری اطلاعات بلندمدت می‌باشد که در راستای منابع کشورهای غربی علی‌الخصوص آمریکا قرار دارند.

از طرفی مقوله اینترنت از سال ۲۰۱۱ به وزارت دفاع آمریکا سپرده‌شده و از آن به‌عنوان گسترده عملیاتی در راستای تأمین امنیت آمریکا قلمداد می‌گردد. لذا دشمنان تمامی تلاش خود را برای تکمیل هرچه بیشتر سلطه خود در اینترنت (فضای مجازی) برای حفظ امپراتوری اقتصادی، سیاسی و اطلاعاتی خود به کار خواهد بست.

ایجاد تهدید و آسیب برای افراد یک‌شبه اتفاق نیفتاده و ممکن است سال‌های بعد بالفعل شود، از این‌رو نباید عدم مشاهده یک پدیده را به معنای امکان‌ناپذیری تلقی کنیم و با روزمرگی نسبت به مسائل امنیتی بی‌تفاوت شویم.

امروزه مبحث بهره‌گیری از هوش مصنوعی در مقوله داده کاوی

(Data Mining) و

تحلیل اطلاعات، امری مهم و حیاتی تلقی می‌شود.

سرویس‌های اطلاعاتی با توجه به امکاناتی که در اختیاردارند اقدام به ذخیره‌سازی انبوه داده‌های موجود در اینترنت نموده و سپس به

در سال ۱۳۹۴ انجام گرفت:

نظارت و بازرسی برنامه‌ای حفاظت و اطلاعات سازمان از ادارات کل بازرسی استان‌ها



دغدغه‌ها و مسایل خود را مطرح کردند.

آگاه‌سازی‌های حفاظتی مدیران و کارکنان سازمان بازرسی کل کشور، از دیگر محورهایی بود که کارشناسان اعزامی حفاظت و اطلاعات به استان‌ها انجام داده و طی آن مطالب تحلیلی خود در خصوص موضوعاتی چون “نحوه استفاده امن از فناوری‌های رایانه‌ای و تلفن همراه، نحوه سوء استفاده دشمن از اطلاعات آشکار، جایگاه حفاظت از اطلاعات در جریان انجام مأموریت‌های نظارت و بازرسی و...” را ارائه کردند.

در این جلسات آموزشی که با استقبال کارکنان ادارات کل مزبور نیز مواجه شد، همچنین به پرسش‌های آنان در خصوص مسایل مبتلا به کاری پاسخ داده شد.

حفاظت و اطلاعات سازمان در اجرای برنامه‌های مصوب سال ۱۳۹۴ در طول سال گذشته، با اعزام هیأت‌هایی به استان‌های مختلف کشور، مسایل حفاظتی و امنیتی آنها را مورد بررسی قرار داد.

این بررسی‌ها در سطح ادارات کل بازرسی استان‌های “خراسان رضوی، تهران، البرز، اصفهان، سمنان، قم، کرمانشاه، گلستان، گیلان، مازندران، همدان، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، قزوین، اردبیل، مرکزی، یزد، فارس، بوشهر، هرمزگان، زنجان، ایلام، کردستان، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، سیستان و بلوچستان، لرستان و کهگیلویه و بویر احمد” انجام شد.

بر اساس این گزارش، در جریان این بازدیدها و بررسی‌ها، همچنین بازرسان کل و همکاران محترم در استان‌های مزبور اهم

ده روز با داعش

علی کنگاوری

فصل نهم، شرح نامه‌ای است که نویسنده ضمن تشکر به خاطر در امان بودن خویش میان داعش، دیدگاه‌ها و یافته‌های خویش را مطرح می‌نماید.

در ۳ صفحه مندرج در فصل دهم، نویسنده پیرامون برقراری ارتباط با یکی از افراد داعش، مطالب مختصری را بیان کرده است. به لحاظ اهمیت مطالب مطرح در این کتاب، خلاصه‌ای از آن را باهم می‌خوانیم.

داعش در حقیقت به‌نوعی محصول بازتاب‌های جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ است. به‌طوری‌که الزرقاوی اردنی با حزب «توحید و جهاد» خویش به‌عنوان شخص اول داعش قبل از جنگ عراق قصد داشت که بساط سلطنت اردن را سرنگون سازد لیکن شرایط پیش‌آمده در عراق ورق را برگرداند و فرصتی را در این کشور برای تشکیل داعش ایجاد کرد.

زرقاوی مدت کوتاهی پس از اشغال عراق، جمعی از جنگجویان عراقی را گرد خود جمع کرد. وی در ابتدای کار، گروه خود را با القاعده تجمیع و از طریق سوریه به عراق سوق داد.

از اقدامات اولیه این گروه انفجار مسجد امام علی علیه‌السلام در ماه اوت ۲۰۰۳ در نجف بود.

این گروه به‌مرور زمان حسب شرایط تقویت شده و جنایات رعب‌انگیز و شدیدی را از خود به نمایش می‌گذاشت. این در حالی بود که دستگاه حکومتی آمریکا پس از سقوط صدام حسین تکریتی نیاز به ساختن یک تصویر دشمن صفتانه و شیوع نامنی شدید در

کتاب «ده روز با داعش» توسط «یورگن تودنهوفر»، خبرنگار آلمانی به رشته تحریر درآمده و آقای علی عبدالهی و خانم زهرا معین الدینی آن را ترجمه نموده‌اند.

این کتاب در سال ۱۳۹۴ توسط نشر کتاب کوله پستی منتشر شده است.

این کتاب که در ۱۰ فصل به نگارش درآمده در حقیقت شرح سفر ۱۰ روزه خبرنگار مذکور به قلمرو داعش است.

نویسنده ضمن پرداختن به ریشه‌های این گروه تروریستی و شکل‌گیری آن، سایر مسائل و یافته‌ای خود را تشریح می‌نماید.

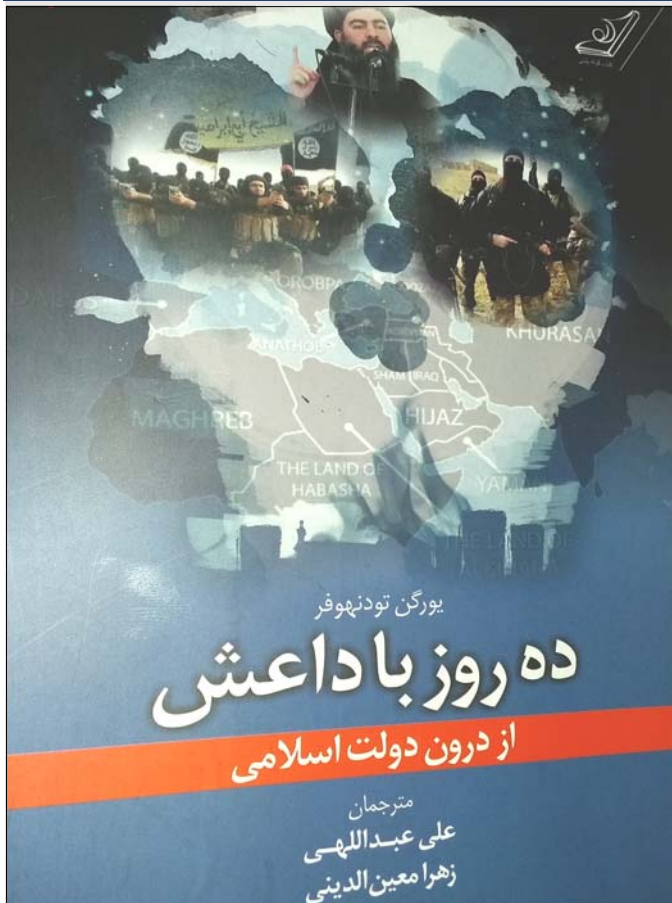
فصل اول و دوم آن به ترتیب پیرامون پیدایش داعش و اهداف غرب در این رابطه است.

در فصل سوم مطالبی در رابطه با برخی عملکردهای غرب مطرح و در فصل چهارم با عنوان «حرکت به‌سوی داعش» جریان‌اتی را ضمن حضور نویسنده در میان داعش به تصویر کشیده است.

در فصل پنجم با عنوان «چت با تروریسم» در رابطه با همراهی فرزند نویسنده با وی در رابطه با داعش و ارتباطات در فضای سایبر و بحث توان تبلیغاتی داعش مطالبی مطرح گردیده است.

در فصل‌های ششم و هفتم با عناوین «مادر جهادگر» و «تحقق سفر» در خصوص ارتباط مجدد با داعش و چگونگی برقراری این ارتباط و تبیین استعدادها و امکانات و وضعیت داعش در عراق و سوریه بحث شده است.

در فصل هشتم که قریب به ۱۰۰ صفحه است، نویسنده ارتباط خویش با ابوقتاده (یکی از داعشیان) و به‌صورت روزشمار تاریخی و وقایع مختلف را در میان داعشیان توضیح می‌دهد.



داخل این کشور برای توجیه ظاهر پسندان حضور خویش در عراق را داشت که زرقاوی ضمن رضایت از این امر، گزینه خوبی برای آمریکا بود.

در این رابطه اتحاد زرقاوی با آمریکا در سال ۲۰۰۴ شرایط مناسبی برای این کشور بود.

در ادامه جریانات و کشتارهای فاجعه‌آمیز؛ زرقاوی پس از ارتکاب قساوت‌های زیاد، در راستای منافع و نیاز به کسب یک موفقیت و توجیه جهت حضور آمریکا در عراق، طی بمب باران سال ۲۰۰۶ بعقوبه به هلاکت رسید.

در نتیجه گروه القاعده در عراق، به رهبری یک‌شورش مصری به نام «ابوایوب المصری» به حکومت اسلامی تغییر نام یافت و ابوعبدالله الرشید البغدادی به سمت امیر معنوی آنان منصوب شد.

در این میان (با رشد جریانات تروریستی و... ناامنی عراق علیه آمریکایی‌ها) آمریکایی‌ها ضمن عدم موفقیت دریافتن سلاح‌های کشتار جمعی و خستگی مفرط در عراق و درعین حال گسترش گروه‌های متشکله اهل تسنن، اقدامات شدیدتری را در آوریل ۲۰۱۰ علیه گروه‌های تروریستی انجام دادند که مصری و البغدادی اول در تهاجمات هوایی کشته شدند و ابوبکر البغدادی ۳۸ ساله مسئولیت باقیمانده گروه را به عهده گرفت.

در این میان (در سال ۲۰۱۱) افسران خلع سلاح شده و محروم از حکومت پیشین صدام نیز به داعش پیوستند که همین امر داعش را به صورت چشمگیری تقویت کرد.

در این بین و در کنار مقاومت‌های مسلحانه علیه بشار اسد در سوریه، سازمان تروریستی جبهه النصره به رهبری ابومحمد الجولانی سوری تبار پایه‌گذاری گردید که در ابتدای امر موفقیت‌هایی را علیه دولت سوریه به دست آورد و تا سال ۲۰۱۳، جبهه النصره به یکی از قوی‌ترین گروه‌های شورشی در سوریه تبدیل شد.

این وضعیت، البغدادی را نگران کرد و از جولانی درخواست نمود که به‌طور رسمی با وی بیعت کند. اما جولانی ضمن امتناع از این امر؛ با ایمن الظواهری رهبر گروه القاعده بیعت کرد. (برای ارتقاء خویش)

در اینجا بود که اختلافات میان این گروه‌ها دامن‌دار شده منجر

به گسست رسمی البغدادی از ایمن الظواهری و جولانی گردید. البغدادی آن‌ها را جزء خوارج ناامید و نیمی از جنگجویان النصره، جولانی را ترک کردند و به البغدادی پیوستند و رقه و شمال شرقی سوریه تحت کنترل البغدادی قرار گرفت و در نتیجه نام گروه را به دولت اسلامی عراق و شامات تغییر دادند. ادعای داعش این است که حیطه آن‌ها جهانی بوده و حدّ و مرز جغرافیایی ندارد.

تأملی بر اهداف غرب:

راه‌اندازی جنگ و ایجاد ناامنی در خاورمیانه، به‌ویژه اینکه دولت سوریه به‌شدت در حال تقویت شدن بود، از اهداف غرب محسوب می‌شود. این هدف، بدون توجه به وجه غیرانسانی جنایات داعش و با لحاظ صرف منافع نفتی آمریکا و اینکه داعش نباید در منافع نفتی آمریکا خللی ایجاد نماید در اولویت اول توجهات قرار داشته است. چراکه صعود تمدن غرب بدون توجه به نوع‌دوستی و دیگر خواهی و مبتنی بر پیگیری قاطعانه منافع اقتصادی در پوشش و بهانه انگیزه‌های خیرخواهانه برای جلب توجه و همراهی و حمایت ملل؛ پیش می‌رود. چراکه آن‌ها افرادی هستند که در گذشته افراد را به نام

مسیحیت و سپس به نام حقوق بشر کشتند.

چکیده اهداف غرب در نوشته‌های نظریه‌پردازانی چون ساموئل هانتینگتون نهفته است.

آن‌ها می‌گویند: غرب نه به دلیل برتری ارزش‌هایش، بلکه به واسطه برتری در استفاده از قدرت و کاربست آن؛ بر دنیا تسلط یافته است. به‌طوری‌که زورگویی و قساوت غرب، تمام حد مرزها را درنوردیده است.

«دباودیکور» نویسنده فرانسوی می‌گوید: «اینجا یک سرباز فرانسوی از سرشوخی و تفتن، سینه یک زن را برید و آنجا سرباز دیگری پاهای یک بچه را گرفت و سرش را به دیوار کوبید»

در سال ۱۹۶۲ گردن زدن نیروهای آزادی‌بخش الجزایری توسط فرانسوی‌ها کار معمول و هرروزه بود. «... در لیبی روسای قبایل را سوار بر هواپیما می‌کردند و از ارتفاع پایین به زمین می‌انداختند».

پیشگامان حقوق بشر غربی در عراق پس از سال ۲۰۰۳؛ «مانال» زن جوان عراقی را مجبور کردند که در زندان شاهد تجاوز به یک جوان مبارز عراقی باشد. او این تحقیر را بعدها صدها بار به گوش جهانیان رساند ولی کسی توجه نکرد. حال اگر داعشیان مرتکب جنایات مشابهی شوند؛ خشم غربی‌ها حد و مرزی ندارد (برای منافع خویش).

سارتر فیلسوف فرانسوی می‌گوید: «غرب همیشه با عرب‌ها مانند موجودی مادون انسان در سطح یک میمون تکامل یافته رفتار می‌کرد... در عوض طی ۲۰ سال اخیر در مورد قساوت مسلمانان هم چیز وارونه (غلط) نشان داده شده است؛ این در حالی است که غرب بسیار بی‌رحم‌تر از آن‌ها بوده است.

«وسلی کلارک» فرمانده نیروهای آمریکایی در ناتو می‌گوید: «بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر در پنتاگون لیستی به او نشان داده‌اند که شامل ۷ دولت بوده که قرار بوده در ۵ سال آتی به آن‌ها حمله شود که عراق، لیبی، سوریه و ایران در رأس آن‌ها بوده است.»

نویسنده کتاب در تحلیل این سخن چنین می‌نویسد: «این مسلمانان نبودند که جنگ مقدس را به راه انداختند و در جنگ‌های صلیبی ۴ میلیون مسلمان و یهودی را قتل‌عام کردند و... جنگ جهانی اول و دوم بیش از ۷۰ میلیون کشته به‌جا گذاشت... امروز

تروریسم یک پدیده جهانی است و مختص مسلمانان نیست. در آلمان تا به امروز حتی یک آلمانی به دست تروریست‌های مسلمان کشته نشده است. اما از سال ۱۹۹۰ در آلمان ۲۹ مسلمان به دست تندروها کشته شده است. القاعده در سراسر دنیا از ۱۴ سال پیش تاکنون ۳۳۰۰ نفر را کشته است اما جرج بوش در جنگ عراق و افغانستان دست کم ۶۰۰/۰۰۰ نفر را از میان برده است. تروریسم ربطی به دین ندارد. در حقیقت تروریسم اسلامی وجود ندارد. هرگز تروریسم ایرلند شمالی یا ترورهایی که آندرسبریوک نروژی مرتکب شد، تروریسم مسیحی خطاب نمی‌شود. غرب با الفاظ و نام گذاری خاص روی دشمنان خود، افکار عمومی را به نفع غرب متأثر می‌نماید.»

نویسنده در ادامه با اعلام اینکه دبیر اسبق اتحادیه اروپا (خاویر سولانا)، همچنین مجله آمریکایی بهداشت عمومی در ژوئن ۲۰۱۴ به این نتیجه رسیده‌اند که ۹۰ درصد کشته‌شدگان جنگ‌های نوین غیرنظامیان هستند. از این رو جنگ‌های تهاجمی آمریکا با دستاویز طرفداری از حقوق بشر نیز تروریسم محض هستند، تمدن نیست می‌نویسد: «می‌دانم در غرب کسی اجازه ندارد در چنین مواردی بی‌پرده سخن بگوید؛ اما زندگی کوتاه‌تر از آن است که انسان بخواهد برای همیشه از حقیقت طفره برود. اگر سیاست غرب صادق باشد، باید اعتراف کند که سیاستمدارانی مانند جرج بوش، دیک چنی، رامسفلد و تونی بلر دستکم به خاطر تعداد قربانیانی که از خود بجا گذاشته‌اند به مراتب تروریست‌های بدتری هستند.»

علی‌ای‌حال نویسنده کتاب به‌عنوان یک خبرنگار آلمانی برجسته در فصل دوم آن، با عنوان اهداف غرب؛ از سویی به تبیین سرشت غربی برای دستیابی به اهداف مادی و اقتصادی و زورمدارانه خود می‌پردازد و اینکه برای دستیابی به این مقصود؛ با تز هدف، وسیله را توجیه می‌کند؛ از هر وسیله غیر انسانی استفاده می‌کند.

از سوی دیگر او می‌خواهد بگوید که داعش به‌عنوان یک ابزاری در دست امپریالیسم؛ جهت پیشبرد اهداف خویش در ابعاد مختلف قرار گرفته و همانطور که در طول تاریخ ۵۰۰ ساله اخیر اینطور بوده است، در این راستا از بکارگیری هر نوع وسیله پلید سخت و نرم افزاری ابایی ندارد.



توده‌پسندانه از شیوه‌های کهنه سرویس‌های امنیتی اطلاعاتی در راستای تعدیل فشارهای روانی علیه نقش غرب در اقدامات تروریستی داعش، کوچک‌نمایی آثار جنایات داعش در مقایسه با فجایع تاریخی، عادی‌سازی و واکسینه نمودن افکار عمومی پیرامون جریان‌های تروریستی، تبلیغ وجود آزادی قلم و نوع دوستی در غرب، انحراف افکار عمومی از جریان‌ها و مقاصد اصلی امپریالیستی و درمجموع از نظر روانشناسی نوعی مکانیسم دفاعی نرم و تحکیم مبانی سلطه ارزیابی می‌گردد.

ادامه دارد

البته نباید فراموش کرد که تاریخ عملکرد غرب علیه اسلام و جهان سوم به قدری پیچیده و مکارانه بوده که شاید بتوان گفت نشر این قبیل بدگویی‌ها توسط یک خبرنگار اروپایی نیز که واقعیت داشته هم می‌تواند برنامه‌ریزی شده و هدف‌دار باشد. لذا نبایستی از این وجه نیز غافل شد. چراکه مطالب بیان‌شده برای اهل نظر و تدبیر؛ اسرار مگو نبوده و مطالب سوخته‌ای در لابه لای تحلیل‌های انتقادآمیز غربی‌ها و دانشمندان جهان سوم است. منتهی، انتشار مطالب به‌رغم عدم تأمین منافع غرب، می‌تواند در راستای تبلیغ برای نمایش آزادی‌های پوشالی در حوزه لیبرال دموکراسی استکبار جهانی قرار گیرد. ضمن اینکه چنین فرافکنی‌های آزادمنشانه و

یادآوری‌های حفاظتی

تخلیه تلفنی را به عنوان یکی از شگردهای دیرینه دشمن برای ضربه زدن به امنیت سازمانی و در نهایت کشور و نظام را جدی بگیریم. شناسایی مشکلات دستگاه‌های اجرایی برای بهره برداری تبلیغی در راستای ناکارآمد نشان دادن نظام و کسب اطلاعات در راستای دامن زدن به اختلافات در کشور از مهمترین اهداف دشمن در تخلیه تلفنی است.

نزدیک به ۸۰ درصد اطلاعات کشور توسط تخلیه تلفنی از تمامی اقشار جامعه به دست دشمنان می‌افتد. دشمن در تخلیه تلفنی به دنبال اطلاعاتی است که از نظر ما ارزش چندانی ندارند. ولی در واقع برای آنها ارزشمند محسوب می‌گردد و اطلاعات ما به واقع تکمیل کننده پازل اطلاعاتی آنهاست.

به یاد داشته باشیم که دشمنان برای این کار هیچ محدودیت سنی اعمال نکرده و از کودکان ۶ ساله تا سالخورده‌گان ۹۰ ساله را مورد تخلیه قرار داده‌اند.

دانستنی‌ها درباره نرم‌افزار ارتباطی لاین

اسماعیل مسگری



نام: لاین

سال تولید: ۲۰۱۱

کشور محل تولید: ژاپن

توسعه‌دهنده: شرکت لاین

سیستم‌های عامل: آی‌اواس - اندروید - ویندوز - بلک‌بری - مک او

اس ایکس

لاین، یک مسنجر گوشی‌های هوشمند است که در کشور ژاپن فعالیت می‌نماید اما کاربران جهانی دارد.

در دسامبر ۲۰۱۱ تعداد کاربران لاین حدود ۱۰ میلیون نفر بودند

اما در جولای سال ۲۰۱۴ این تعداد به ۴۷۰ میلیون نفر رسید یعنی در فاصله زمانی کمتر از ۳ سال کاربران آن ۴۷ برابر شدند.

شرکت لاین در ژاپن خود بخشی از یک شرکت بزرگتر به اسم ناوِراست که در کره جنوبی قرار دارد.

تمرکز لاین بیشتر بر کشورهای آسیایی است چرا که پنج کشوری که بیشترین کاربران لاین را دارند یعنی ژاپن، تایلند، اندونزی، تایوان و هند همگی آسیایی هستند.

میکوهیپوئن کارشناس فنلاندی مسایل مرتبط با امنیت سایبری اظهار داشته که همه زیرساخت‌های ارتباطی و تکنولوژی اطلاعاتی اساساً برای این ایجاد شده‌اند که امکان جاسوسی را برای سازمان‌های اطلاعاتی کشورهای قدرتمند فراهم سازند.

او اظهار می‌دارد که برخی کمپانی‌های خصوصی دارای این فناوری‌ها مداوماً در حال جمع‌آوری اطلاعات و ارائه آن به نهادهای امنیتی هستند.

اینک این پرسش باقی می‌ماند که لاین با چه هدفی تاسیس شده و با کدام نهادهای امنیتی در حال معامله و همکاری است؟

با اینکه هنوز تحقیق جامعی در این باره صورت نگرفته اما لازم است اشاره شود که سرویس اطلاعات ملی کره جنوبی و آژانس اطلاعات امنیت عمومی ژاپن هر دو از نهادهایی هستند که تحت نفوذ و تربیت سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) رشد یافته و همکاری‌های نزدیکی با CIA و MI6 و موساد دارند.

بسیاری از مأموران ژاپنی توسط سازمان CIA آموزش می‌بینند. نیز باید در نظر گرفت که کره جنوبی و ژاپن دو کشور اقماری آمریکا در شرق آسیا به شمار می‌روند و روبروی کشورهای چون کره شمالی و چین قرار می‌گیرند.

مسنجر لاین با چین پس زمینه ای توانسته است بیشتر مخاطبان خود را در جوامع آسیایی به دست بیاورند.

نکته خاصی که تمرکز ژاپنی‌ها بر روی چین را روشن می‌کند این است که شرکت لاین اقدام به تولید یک نسخه کاملاً چینی از این نرم‌افزار به اسم "لی‌آنگ‌وو" کرده است که در دسامبر ۲۰۱۲ عرضه شد.

زیر نظر داشتن فعالیت‌ها در کشورهای دیگر مانند هند و اندونزی به اپلی‌کیشن‌هایی مانند لاین امید بسته اند.

برای همین است که نسخه اختصاصی لاین برای چین یعنی نسخه موسوم به لی آنگ ووبه نحوی طراحی شده که با اقدامات دولت چین مقابله کند.

اهداف سیاسی این فعالیت‌های لاین به این ترتیب کاملاً آشکار شده است.

با این حال استفاده از خدمات رایگان لاین در آسیا به سرعت در حال گسترش است.

سرویس‌های اطلاعاتی برای نوعی جنگ نرم در نظام‌های مخالف خود مانند چین و نیز زیر نظر داشتن فعالیت‌ها در کشورهای دیگر مانند هند و اندونزی به اپلی‌کیشن‌هایی مانند لاین امید بسته اند.

برای همین است که نسخه اختصاصی لاین برای چین یعنی نسخه موسوم به لی آنگ ووبه نحوی طراحی شده که با اقدامات دولت چین مقابله کند.

ژاپن با این اقدام دو هدف را دنبال می‌کرد:

۱- دسترسی به اطلاعات بیشتر از کاربران چینی

۲- نفوذ فرهنگی بیشتر در ساختار جامعه چین

رسیدن به این دو هدف تنها با افزایش تعداد کاربران چینی ممکن بود.

به نوشته تایمز ژاپن، دولت چین با گفتگوهای که مربوط به فعالیت‌های سیاسی مخالفین چین می‌شد مقابله می‌کرد و دسترسی کاربران به گفتگوهای سیاسی ضد امنیتی را ممنوع کرده بود اما هدف لاین این بود که کاربران چینی بتوانند از طریق آن در معرض گفتگوهای سیاسی ضدچینی قرار بگیرند.

دولت چین با ورود شهروندان خود به نرم‌افزارهایی چون لاین مخالفت است. در حالی که لاین توانسته کشورهای چون تایوان، هند و اندونزی که پرجمعیت‌ترین کشور اسلامی نیز هست را تحت پوشش خدمات خود در بیاورد.

بدین ترتیب ابعاد ضدامنیتی و جاسوسی لاین بتدریج آشکار می‌شود.

تحقیقات بیشتر می‌تواند نشان دهد که سرویس‌های اطلاعاتی برای نوعی جنگ نرم در نظام‌های مخالف خود مانند چین و نیز



تأملی بر عوامل و آثار غافلگیری در برابر دشمن

قسمت چهارم

خلیل اسفندیاری

کارشناس طرح و برنامه حفاظت و اطلاعات سازمان بازرسی کل کشور

اشاره:

سه قسمت از این مقاله را در شماره‌های گذشته نشریه مطالعه کرده‌اید. در بخش‌های پیشین به واژه‌شناسی غفلت، غافل و غافلگیر پرداخته و اهم موضوعات در معرض خطر غفلت را بیان نمودیم. غفلت در ادبیات فارسی و شعر شاعران برجسته و تبیین ویژگی انسان‌های غافل و آثار و پیامدهای غفلت در حوزه‌های فردی، جمعی و بین‌المللی و نیز توجه به اصل غافلگیری و هشدار نسبت به آن در آثار ادبی و تاریخی کشورمان و نیز تبیین اهداف و علائم غافلگیری، از دیگر مطالبی بود که در بخش‌های قبلی این سلسله گفتار از نظر گرامی‌تان گذشت. اینک بخش چهارم آن را با هم می‌خوانیم.

سابقه استفاده از اصل غافلگیری در جنگ‌ها

بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد سرزمین ایران همواره آبستن حوادث مهم و بزرگ بوده و مطمح نظر دوست و دشمن واقع بوده است.

از همین رو با مراجعه به تاریخ کشور کهن ایران به این نکته می‌رسیم که ایرانیان در طی بیش از ۲۷۰۰ سال گذشته (از زمان مادها تا امروز) حدود ۱۱۴۰ جنگ با بیگانگان انجام داده‌اند.

بیشترین این جنگ‌ها در زمان حکومت صفویه و سپس در زمان ساسانیان رخ داده است.

در طی این سال‌ها، از بین ۴۱۷ پادشاه ایرانی، ۱۸۲ نفر از آنان کشته یا عزل شده‌اند.^۱

در زمان اشکانیان، سوارانی بودند که اقدام به تحریک دشمن کرده و او را به دنبال خود می‌کشیدند. سپس جمع شده و با کمک نیروهای کمکی و کمین گرفته آن‌ها را محاصره می‌کردند.

در همان زمان، روش خاصی در جنگیدن تحت عنوان “جنگ‌وگریز منظم” مرسوم بوده است. بدین ترتیب که بخشی از سواران نظام پنهان‌شده و سلاح آن‌ها نیز استتار می‌شد.

دشمن که تعداد نیروها را کم و فاقد اسلحه می‌دید به آن‌ها حمله می‌کرد. به ناگاه طبل سپاه به صدا درآمده و سواران پراکنده و پنهان جمع شده و یک‌باره به دشمن می‌تاختند.^۲

موفقیت این شیوه، اولین بار در جنگ حران به عنوان اولین جنگ ایران و روم خود را نشان داده شد. جنگی که در جریان آن “کراسوس” سردار رومی، فریب عقب‌نشینی تاکتیکی ایرانیان را خورده و گرفتار سپاه ایران به فرماندهی “سورنا” شد.

این روش را نادرشاه هم در جنگ‌های مختلفی بکار برد. نمونه عالی آن در جریان نبرد آراپاجای با عثمانی در سال ۱۱۴۸ قمری مشاهده می‌شود.

شارل پیکلت، در توصیف تاکتیک نادرشاه در خصوص این نبرد چنین می‌نویسد:

”نادر اول با عده ای سوار به قوای عثمانی حمله کرد و بعد به سرعت عقب‌نشینی نمود و عثمانی‌ها جری شده به تعاقب او پرداختند. نادر، ستون‌های عثمانی را تا تنگه‌هایی در نزدیکی ایروان به دنبال خود کشانید و در آنجا توقف نمود... پس از اتخاذ این تدابیر، با قوایی که در ظاهر خیلی ضعیف به نظر می‌رسید به انتظار

چرا که اگر اطلاعات دقیقی از وضعیت و توان دشمن داشتند، می توانستند با آمادگی لازم به میدان بروند.

توصیه های امیرالمومنین، امام علی (ع) بر ضرورت پوشش نقاط آسیب پذیر به منظور جلوگیری از رخنه دشمن از نقاطی که احتمال آن می رود نیز حائز اهمیت است.

ایشان در نامه ۱۱ نهج البلاغه، هنگامی که لشگری را به سوی دشمنی می فرستادند، همین نکته را مورد توجه قرار داده چنین می فرمایند:

”چون بر دشمن وارد شدید یا دشمن بر شما وارد شد، باید لشکرگاه شما در محلی بلند یا دامنه کوهها یا بین رودها قرار گیرد، تا شما را مدد باشد و مانعی پیش رویتان برای برگرداندن شر دشمن. جنگ شما باید از یک طرف یا

غافلگیری، روش نیست بلکه نتیجه برآیند استفاده از یک یا مجموعه ای از تاکتیک های مختلف مانند“ فریب، دروغ، شبیه سازی و...” است. بواقع با بکارگیری آن تاکتیک ها است که نتیجه غافلگیری حاصل می شود.

دو طرف باشد. بر قله کوهها و فراز تپه ها نهبانانی بگمارد، تا دشمن از نقطه خطر یا محلی که مورد اطمینان شماست به شما حمله نکند...”

”نقب زنی“ نیز یکی از تاکتیک های مورد استفاده به منظور غافلگیر کردن دشمن از گذشته تاکنون بوده است. چنانچه در تاریخ به استفاده “آل بویه” از آن برخورد می کنیم که موجب می شد سپاهیان آن با استفاده از این روش، به صورت غافلگیر کننده ای از ارگ دشمن سر بر آورند.^۶

این روش همچنان مورد استفاده است که نمونه های اخیر آن در جریان جنگ ۵۰ روزه تابستان سال ۱۳۹۳ مردم غزه با رژیم صهیونیستی رخ داده و موجبات تعجب و غافلگیری ارتش آن رژیم از برنامه ریزی و ساخت و استفاده مبارزان فلسطینی از آن تونل ها را فراهم کرد.

تاکتیک های قابل استفاده برای تحقق اصل غافلگیری

امروزه، سخن از نسل چهارم جنگ هاست. جنگی که در آن بدون استفاده از ارتش یا سلاح ها و نیروهای زیاد بتوان اراده دشمن را به تسخیر خود در آورد.^۷

”مکس مانوارینگ“ استاد آکادمی مطالعات راهبردی وابسته به

عثمانی ها نشست اما قوای عثمانی در اولین حمله ناگهان از هر طرف خود را در محاصره دیدند و رشته نظم را از دست دادند.^۳

تاکتیک مشابهی موسوم به “رزم صبحگاهی” در زمان ساسانیان استفاده می شد. در این تاکتیک، دشمن را قبل از روشن شدن هوا غافلگیر می کردند. در جنگ بهرام پنجم معروف به بهرام گور با هیاطله، این روش استفاده و موثر نیز واقع شد.^۴

علاوه بر آن، روش های دیگری از غافلگیری نیز در تاریخ به ثبت رسیده که یکی از موفق ترین آن ها به نادرشاه افشار تعلق دارد.

تاکتیکی که در جریان نبرد “کرنال” بکار گرفته شد.

قبل از آغاز جنگ، نادرشاه افشار از طریق عوامل اطلاعاتی خود پی به نقاط قوت و ضعف دشمن برده و می دانست نیروهایش یک سوم دشمن

است. اما در نتیجه اطلاعاتی که به او رسیده بود می دانست که سرکردگان هندی باهم اختلاف داشته و اتکای ارتش دشمن بیشتر به شمار فیل های خود است. لذا تدبیری اندیشید که دشمن از آن غافل بود.

بدین ترتیب که نیروهایش، تعداد زیادی شتر را به خدمت گرفته و بر گرده آن ها دو تنور مسی بستند. سپس مقداری بوته و چوب خشک آلوده به قیر و نفت در میان تنورهای و دیگ ها ریخته و مهار شتر را بر عهده ساربانان نهادند.

همینکه صف فیل ها تا حدودی نزدیک شد، به فرمان نادرشاه، شترهای دیگ دار را جلو کشیده و بوته های داخل دیگ ها را آتش زدند. موضوعی که باعث شد شترها عربده کشان به طرف فیل ها هجوم آورده و بلافاصله توپ ها هم شروع به آتش کردند. تاکتیک غافلگیر کننده ای که موجب شد فیل ها پشت به نیروهای نادر کرده و به سوی قوای هندی هجوم برند.

این تاکتیک، هندی ها را شکست داده و نادر توانست بر نیرویی که ۳ برابر آن ها بودند فائق آید.^۵

در جریان “جنگ چادران” نیز وقتی سپاهیان ایران با تجهیزات آتشین نیروهای عثمانی مواجه شدند بواقع دچار غافلگیری شدند.

دانشکده جنگ ارتش آمریکا در جشنواره ای که چند سال قبل در آکادمی مطالعات امنیت ملی اسرائیل برگزار شد، هدف از این نوع جنگ را نه از بین بردن توان نظامی یا قدرت ملی طرف مقابل بلکه فرسودگی تدریجی و از بین رفتن آن به مرور زمان است دانست که به صورت مستمر ادامه پیدا کند تا دشمن مجبور شود به اراده تو، تن دهد.

به عنوان «عامل» عمده در جنگ مورد تاکید قرار داد. چینی ها نیز از دیرباز دارای تئوری و دکترین «غافلگیری» و «فریب» بوده اند. در جریان جنگ کره، ارتش آزادیبخش خلق چین، مهارت خویش را در انجام عملیات های کمین و حملات غافلگیری به ویژه در شب، به اثبات رساند.^۸

مهم ترین سلاح قابل استفاده در

این جنگ، استفاده از توانایی های فکری و قدرت هوشی افراد خودی از یک سو و ایجاد تزلزل در توانایی های فکری و قدرت هوشی طرف مقابل از سوی دیگر است.

یقیناً استفاده از اصل غافلگیری یکی از وجوه متمایز این نوع از جنگ های جدید خواهد بود که در صورت

در تاریخ معاصر نیز برای غلبه بر حریف و پیروز شدن بر دشمن، توجه به این اصل همواره مورد تاکید و استفاده بوده است. در اوائل سال ۱۹۱۸، استالین شخصاً موضوع غافلگیری را به عنوان «عامل» عمده در جنگ مورد تاکید قرار داد. چینی ها نیز از دیرباز، دارای تئوری و دکترین «غافلگیری» و «فریب» بوده اند. در جریان جنگ کره، ارتش آزادیبخش خلق چین، مهارت خویش را در انجام عملیات های کمین و حملات غافلگیری به ویژه در شب، به اثبات رساند.

در ادامه، نمونه های دیگری از غافلگیری های مهم که در طول تاریخ به وقوع پیوسته را مرور می کنیم:

اسب تروا

داستان اسب تروا که البته برخی آن را در حد یک افسانه می دانند از نمونه های عینی استفاده از اصل غافلگیری است.

در این داستان، پس از محاصره بی ثمر تروا، یونانی ها پیکره ای عظیم از اسب ساخته و در درون آن مردانی منتخب را پنهان کردند. سپس چنین وانمود کردند که محل را ترک کرده اند. «تروجان ها» اسب را به عنوان نشان پیروزی به داخل شهر بردند. لیکن شب هنگام، نیروی یونانی از اسب خارج شده و دروازه های شهر را برای ارتش یونانی که در تاریکی شب بازگشته بودند، گشودند.^۹

فتح بابل توسط داریوش

کوروش در جریان فتح بابل از عنصر زمان به خوبی استفاده کرد. وی در سال ۵۳۹ پیش از میلاد وقتی وارد جنگ با بابل شد، به گواهی اسناد تاریخی، بدون جنگ موفق به تسخیر این شهر شد. این تسخیر در شب جشن سال نو انجام شد.^{۱۰}

نبرد نرماندی^{۱۱} در سال ۱۹۴۴

برخی، این عملیات را بزرگ ترین عملیات آبی-خاکی تاریخ و مهم ترین عملیات فریب در طول حیات نظامی جهان در سطح استراتژیک و گستره وسیع توصیف می کنند.

ناهویشیاری سامانه های امنیتی و نظامی می تواند مجال بروز پیدا کند.

غافلگیری، روش نیست بلکه نتیجه برآیند استفاده از یک یا مجموعه ای از تاکتیک های مختلف مانند:

غافلگیری یکی از وجوه متمایز این نوع از جنگ های جدید خواهد بود که در صورت

ناهویشیاری سامانه های امنیتی و نظامی می تواند مجال بروز پیدا کند.

غافلگیری، روش نیست بلکه نتیجه برآیند استفاده از یک یا مجموعه ای از تاکتیک های مختلف مانند:

- فریب

- دروغ

- شبیه سازی

- و ...

است.

بواقع با بکارگیری آن تاکتیک ها است که نتیجه غافلگیری حاصل می شود.

مصادیقی از غافلگیری های مهم و شاخص

در تاریخ معاصر نیز برای غلبه بر حریف و پیروز شدن بر دشمن، توجه به این اصل همواره مورد تاکید و استفاده بوده است. در اوائل سال ۱۹۱۸، استالین شخصاً موضوع غافلگیری را

مانع از لو رفتن کوچکترین اطلاعات در این باره شوند. ضمن آنکه بتوانند اطمینان کاذب را در قوای آلمان مبنی بر بعید بودن هرگونه عملیات بزرگ را بوجود آورند.

این اقدامات امنیتی متفقین تا بدانجا بود که حتی اقدام به از بین بردن علایم، تابلوها و اسم خیابان‌ها و کوچه‌های لندن کردند بدان دلیل که اگر یک عامل اطلاعاتی آلمان در لندن فرود آمد، نداند در چه نقطه‌ای از لندن است.

حتی به منظور تکمیل عملیات فریب، اقدام به ساخت بدل برای مارشال مونت گومری (از فرماندهان نظامی) کرده آن را از لندن به اسپانیا فرستادند تا در آلمان‌ها این تصور را ایجاد کنند که وقتی فرمانده اصلی انگلیس به اسپانیا سفر کرده پس به این زودی‌ها عملیات مهمی علیه آن‌ها رخ خواهد داد.^{۱۴}

حمله‌های انحرافی متعددی از سوی متفقین علیه مواضع آلمان صورت گرفت که موجبات فریب آن‌ها را فراهم آورد. اعم از سواحل نروژ، در دانمارک، اسپانیا و ترکیه، در جنوب اسپانیا، در جنوب ایتالیا، در یونان و رومانی و ...

این حمله‌های انحرافی و متعدد آن قدر زیاد بود که حتی وقتی متفقین اقدام به عملیات در نورماندی کردند، هیتلر همچنان احتمال می‌داد آن حمله که بواقع حمله اصلی هم بود فقط یک عملیات انحرافی باشد.

- ایجاد ترافیک رادیویی
- ایجاد ارتش مجازی
- ایجاد اختلال در امواج رادار

- ایجاد اختلال در سیستم ارتباطی آلمان‌ها

از دیگر اقداماتی بود که پروژه غافلگیری ارتش آلمان را در برابر این حمله تکمیل تر کرد و موجب شد نیروهای متفقین در شرایط بد آب و هوایی که احتمال وقوع حمله از سوی متفقین را غیر محتمل نشان می‌داد این عملیات بزرگ را به انجام رسانند. تا اینکه ۶ ژوئن ۱۹۴۴ از راه رسید و نیروهای آمریکایی، انگلیسی و کانادایی در جبهه غرب به سواحل نورماندی هجوم آوردند.^{۱۵}

حمله ژاپن به پرل هاربر در جنگ جهانی دوم

این حمله هوایی در ۷ دسامبر ۱۹۴۱ (۱۷ آذر ۱۳۲۰) رخ داد و

متفقین (یعنی انگلیس، آمریکا و فرانسه) به این نتیجه رسیدند که بعد از شکست‌های آلمان در جبهه شرق، اکنون فرصت برای حمله به جبهه غرب برای پیشروی و پس گرفتن فرانسه از آلمان فرا رسیده است.

از دست رفتن بسیاری از سرزمین‌های جبهه شرق، موجب شد تا جبهه غرب به اتحادی دست یافته عزم خود برای بازپس گیری سرزمین‌هایی که آلمان در غرب اشغال کرده بود را جزم نمایند. آنان به این نکته پی برده بودند که آلمان‌ها به واسطه شکستی که در شرق متحمل شده‌اند در غرب دست به مقاومت خواهند زد تا جبران نمایند.

از این رو به این نتیجه رسیدند که ناگزیر باید برای غافلگیر کردن ارتش آلمان، دست به عملیاتی آمیخته با فریب بزنند. عملیاتی که حتی شوروی را به اتحادی موقتی با متفقین واداشت.

در این راستا "وینستون چرچیل، فرانکلین روزولت و استالین" در سفارت شوروی در تهران جمع شده و بر روی انجام این عملیات توافق کردند. عملیاتی که به دلیل حساسیت و عمقی که داشت، طراحی آن یک سال به طول انجامید.

عملیات حصار^{۱۲} عنوانی بود که برای این عملیات در نظر گرفته شد.

نام این عملیات یعنی حصار Bodyguard از روی دکترین چرچیل انتخاب شده بود. طبق دکترین او:

"در دوران جنگ، واقعیت آن قدر گران قیمت است که باید همواره با حصار از دروغ‌ها از آن مراقبت شود"^{۱۳}

بر این اساس "نورماندی" به عنوان محل عملیات پنهانی علیه آلمان در نظر گرفته شده و طرح عملیات به نحوی ریخته شد که حمله به این نقطه، در ذهن آلمان‌ها که منتظر حمله اصلی متفقین از "کالی" بودند به مثابه یک عملیات فریب تلقی شود تا آن‌ها نخواستند که نیروهای خود را در این منطقه وارد عمل نمایند.

در سوی دیگر ماجرا، هیتلر می‌دانست متفقین در جبهه غرب، عملیات گسترده‌ای را تدارک خواهند دید اما اینکه این عملیات از کجا و کی انجام خواهد شد بی اطلاع بود.

متفقین نیز ترتیبات امنیتی را بگونه‌ای تدارک دیده بودند که

تمام عیار، جلوه کرد و اقیانوس آرام و آسیای جنوب شرقی در دست او قرار گرفت.^{۱۶} (غافلگیری زمانی)

استفاده آمریکا از سلاح هسته‌ای علیه ژاپن در جنگ

جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم، آمریکا با ۲ بار استفاده از سلاح اتمی جهان را در دو بعد غافلگیر کرد. بعد اول، ناشناخته بودن این سلاح بود.

بعد دوم، غافلگیری جهان در اوج سبوعیت یک قدرت استکباری بود که ثابت کرد برای تحقق اهدافش از دست زدن به هیچ اقدامی حتی اگر خارج از تصور و احتمال جامعه جهانی باشد پرهیز نخواهد



داشت.^{۱۷}

غافلگیری اسرائیل در برابر حملات و اقدامات حزب الله و

حماس

علاوه بر تجربه رزمندگان اسلام در ۸ سال دفاع مقدس، رزمندگان مقاومت اسلامی در فلسطین و لبنان نیز منبعث از این تجارب و روحیه، بارها با اقدامات و عملیات خود در زمان و مکان و شیوه‌هایی که رژیم صهیونیستی تصورش را نمی کرد اسرائیل را غافلگیر کرده‌اند.

در سال‌های اخیر و جریان جنگ‌های رژیم صهیونیستی علیه مقاومت اسلامی در فلسطین، شاهد آن بودیم که نیروهای مقاومت فلسطینی در مقابل چشمان حیرت‌زده نظامیان رژیم صهیونیستی با استفاده از راکت‌های کوتاه برد "فجر" دست به موشک‌باران انبوه

موجبات ورود ایالات متحده به جنگ دوم جهانی را فراهم کرد. رقابت ژاپن و آمریکا در اقیانوس آرام و آسیای جنوب شرقی در دوران بین دو جنگ به تدریج شدت بیشتری یافت. جنگ چین و ژاپن که از ۱۹۳۷ آغاز شده بود، همچنان ادامه داشت و در حالی که ژاپن بر مراکز عمده صنعتی، جمعیت، بنادر و منابع زیرزمینی چین سلطه یافته بود، آمریکا با کمک به دولت چیانگ کای شک، در صدد بود جلوی سیاست توسعه طلبانه ژاپن را سد کند.

از زمان شروع عملیات جنگی هیتلر در اروپا، موقعیت مساعدتری برای ژاپن در خاور دور فراهم شد. بگونه‌ای که حاکمیت ژاپن، قصد خود را مبنی بر توسعه منافع در آسیای جنوب شرقی (یا همان مستعمراتی که در اختیار استعمارگران اروپایی قرار داشت) آشکار ساخت.

آمریکا بطور جدی با طرح‌ها و نقشه‌های ژاپن مخالفت کرده، تحریم‌های اقتصادی و تجاری بر ضد آن کشور را افزایش داد. نقطه اوج این تضاد منافع و سیاست‌ها، به صورت حمله ژاپن به ناوگان دریایی آمریکا، نمود پیدا کرد.

در این حمله که به پایگاه دریایی آمریکا در پرل هاربر، واقع در جزایر هاوایی در اقیانوس آرام صورت گرفت صدمات بسیار سنگینی به آمریکاییها وارد شد.

نیروی هوایی ژاپن صبح روز یکشنبه را برای این حمله انتخاب کرد تا بیشترین غافلگیری را به نیروهای آمریکایی وارد سازد.

دولت آمریکا روز بعد به ژاپن اعلان جنگ داد و همزمان، دولت‌های بریتانیا، آلمان و ایتالیا نیز در این رویارویی صف آرایی کردند. تهاجم ژاپن بر حوزه‌های نفوذ آمریکا و اروپاییان در خاور دور چنان گسترده و قدرتمند بود که برای حریفان مقابل، جز عقب‌نشینی و شکست چیز دیگری در برنداشت.

در نتیجه این حمله غافلگیر کننده، هواپیمای ژاپنی توانستند ۵ نبرد ناو بزرگ آمریکایی را به همراه ۳ کشتی کوچک تر غرق کنند. ۳ نبرد ناو دیگر آسیب دیده و توان عملیاتی خود را از دست دادند. ۱۸۸ هواپیمای آمریکایی بر روی زمین نابود شده و ۱۵۵ هواپیمای دیگر آسیب دیدند.

بدین ترتیب، ژاپن در نخستین ماه های نبرد، به‌عنوان یک فاتح

سرزمین‌های اشغالی زدند.

حملاتی که هیاهوی "سامانه موشکی موسوم به گنبد آهنین" که اسرائیل از آن سخن به میان آورده و آن را غیرقابل نفوذ می‌دانستند را به سخره گرفت.

این‌گونه اقدامات غافلگیرکننده در مهرماه سال ۱۳۹۱ نیز توسط حزب‌الله لبنان رخ داده و پرواز پهپاد حزب‌الله در عمق سرزمین‌های اشغالی سران این رژیم را در بهت و حیرت فرو برد چرا که این هواپیما موفق شده بود خارج از دید رادارهای فوق پیشرفته، مسیری در حدود ۳۰۰ کیلومتر را در عمق سرزمین‌های اشغالی طی کرده و علاوه بر عبور از آسمان مهم‌ترین مراکز نفتی و نظامی اسرائیل، خود را به نزدیکی اصلی‌ترین مرکز تاسیسات هسته‌ای اسرائیل (نیروگاه دیمونا در عمق صحرای نقب) برساند.

این اقدام حزب‌الله در کنار دیگر اقدامات قبلی آن مانند وارد کردن ضربات متعدد و کشنده در جنگ ۳۳ روزه به تانک فوق پیشرفته مرکاوا و نیز انجام عملیات شنود اطلاعات جنگنده های ارتش اسرائیل ضربه پذیر بودن این رژیم را به اثبات رساند.

عملیات اعراب در شکستن خط بارلو

به دنبال جنگ ۶ روزه سال ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل، رژیم صهیونیستی اقدام به احداث یک خط دفاعی مستحکم و مدرن به نام خط "بارلو" در محل تلاقی صحرای سینا و کانال سوئز کرد.

خطی که پوشش آتش آن بی نهایت سنگین و نفوذ به داخل آن تقریباً محال می نمود و رژیم اسرائیل با احداث آن موفق شد تا عملاً مصر را از ارتباط با کشورهای عربی جبهه شرق جدا کند. در توصیف خصوصیات این خط گفته شده که:

"از ۳۶ دژ مستحکم بتونی تشکیل شده و هر یک از این دژها از زیرزمین با دژهای طرفین ارتباط داشت و به وسایل زندگی و حتی سیستم تصفیه هوا و یک شبکه لوله کشی که می توانست آتش مذاب بر روی سطح آب پخش کند، مجهز بود. سیستم مخابراتی خط دفاعی "بارلو" بسیار مدرن بود، در درون دژها انواع سلاح های خودکار، توپخانه، خمپاره انداز و موشک تعبیه شده بود. در اراضی حد فاصل بین خط "بارلو" و کانال سوئز میادین مین و شبکه های متعدد سیم خاردار ایجاد شده بود و تپه های خاکی مصنوعی به

ارتفاع ۱۰ تا ۲۰ متر استحکامات را تقویت می کرد. ۸ هزار سرباز اسرائیلی مأمور دفاع از خط مزبور بودند.^{۱۸}

اما در سال ۱۹۷۳ بود که افسانه ای بودن این خط شکست. کماندوهای ارتش مصر به همراه صدها غواص برای نفوذ به این خط از اصل غافلگیری استفاده کرده یک روز مانده به عید مقدس یهودیان (یوم کیپور) و در شرایطی که اسرائیلیها خود را برای برگزاری مراسم آن روز آماده می کردند و ارتش اسرائیل نیز به حال نیمه فعال درآمده بود، با گذشتن از خطوط موسوم به آب و آتش اسرائیل وارد سرپلهای صحرای سینا شدند.

ژنرالهای مصری در عملیاتی که هنوز جزو شاهکارهای نظامی دنیا محسوب می شود با کمک شناورهایی که خلق الساعه ایجاد شد صدها تانک و دهها تیپ و لشکر را به داخل خاک اسرائیل (صحرای سینا) منتقل کردند.

بدین ترتیب، خط بارلو به سرعت درهم شکست و لشکرهای مصری به داخل صحرای سینا سرازیر شدند.

ارتش سوریه نیز به سرعت از شمال هجوم به اسرائیل را آغاز کرد.

ارتش اسرائیل که کاملاً غافلگیر شده بود با پیام های رادیویی مرتب از افسران و سربازان خود می خواست تا مرخصی های خود را نیمه تمام گذاشته و به محل خدمت مراجعه کنند.

این غافلگیری با پرواز ۴۰۰ هواپیمای اسرائیلی بر فراز نیروهای مصری ادامه یافت چرا که نیروی هوایی اسرائیل تصور نمی کرد ارتش مصر از موشک سام (SAM) برخوردار باشند به تبع غافلگیری دوم، انبوهی از موشک های سام، هواپیماهای اسرائیل را مورد هدف قرار داده در نتیجه ۱۰۰ هواپیمای اسرائیلی طی چند روز نبرد ساقط شدند.

گرچه به دلیل تعلل مصریها در میدان جنگ و نیز حمایتهای همه جانبه آمریکا از اسرائیل (از جمله برقراری پل هوایی برای رساندن تسلیحات به اسرائیل) سبب شد تا ظرف یک هفته ورق برگردد، اما این رویداد بار دیگر قدرت استفاده از اصل غافلگیری در پیروزی بر دشمن را نشان داد.

در این میان، شارون نیز به غالگیری متقابل ارتش مصر

سومین نسل جنگ، به جنگ جهانی دوم برمی گردد و مبتنی بر راهبرد و حمله رعدآسا و جنگ‌های مانوری است. عناصری همچون سرعت عمل، غافلگیری، روحیه، خلاقیت و انضباط فردی نیروها، به‌عنوان عامل مؤثر در جنگ بوده و جنگ‌ها به صورت غیرخطی اتفاق می افتاد و اداره می شد.

چهارمین نسل جنگ متکی بر اصولی همچون تمرکززدایی، ابتکار عمل، از بین رفتن وضعیت انحصاری جنگ‌ها و ناهمگونی است که توسط نهادهای غیردولتی و گروه‌های رزمی کوچک، سبک، ماهر، متحرک، مقاوم، خودکفا، باروجیه و باانگیزه به صورت نقطه‌ای یا در سطحی وسیع و گسترده قابل انجام و اجرا است و همراهی، همگامی و گره خوردن با توده‌های اجتماعی و مردمی از اصول حتمی و موفقیت آمیز در این جنگ‌هاست که از مهمترین ویژگی آن‌ها ناهمگونی می‌باشد. (پدافند غیرعامل - جنگ ناهمگون و تحول ساختاری در صحنه نبرد)

<http://defaee.khschool.ir>

۸- <http://www.sndu.ac.ir>

۹- مصداقی از غافلگیری در تاکتیک بشمار می‌رود.

۱۰- مصداقی از غافلگیری زمانی به شمار می‌رود.

۱۱- Invasion of Normandy

۱۲- Operation Bodyguard

۱۳- <http://www.mashreghnews.ir> - ۱۰ دی ۱۳۹۲ - کد خبر: ۲۷۰۰۸۰

۱۴- <http://www.mashreghnews.ir> - ۱۰ دی ۱۳۹۲ - کد خبر: ۲۷۰۰۸۰
لازم به ذکر است از این تاکتیک برای غافلگیر کردن دشمن در جریان ۸ سال دفاع مقدس نیز استفاده شد. نمونه مشخص آن را می توان در جریان عملیات کربلای ۴ مشاهده نمود:

” عملیات کربلای ۴ در حالی شروع شد که فرمانده جنگ در حال بازدید از واحدهای ارتش در بوشهر بود... فرمانده جنگ در بوشهر مستقر شده بود تا حفاظت عملیات رعایت شود و عملیات کشف نشود. ولی با شروع عملیات، ایشان خود را به اهواز رساند. (از خاطرات سردار حسین علایی - روزنامه اعتماد - یک شنبه ۱۰/۳/۹۴ - ص ۳) ” حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی این واقعه را چنین روایت کرده است:

” ... بنا شد عملیاتی انجام دهیم که بتوانیم کاملاً عراق را از دریا، جدا کنیم؛ یعنی هدف اصلی من به‌عنوان فرمانده جنگ این بود؛ اگر این کار انجام می‌شد، ما به هدفمان می رسیدیم و می گفتیم که الان قطعه‌نامه را می پذیریم و شما هم بیاید حق و حقوق ما را بدهید تا آتش بس را بپذیریم. گفتند ما این تعداد نیرو لازم داریم. با نهایت رازداری، همه چیز را در این طرف ارونند آماده کردیم. همه چیز آماده بود. دو سه روز قبل از عملیات به بوشهر رفتم و به شکل کاملاً ناشناس، غروب شبی که قرار بود عملیات شود، زمینی به طرف خوزستان آمدم که آقایان رحیم صفوی و دکتر روحانی با من بودند. شب را در پایگاه امیدیه ماندیم و آنجا بود که خبر لو رفتن عملیات را شنیدیم..... ” (روزنامه آرمان - دوشنبه ۹۴/۳/۲۵ - ص ۲)

۱۵- مصداقی از غافلگیری مکانی به شمار می‌رود.

۱۶- <http://fa.wikipedia.org>

۱۷- مصداقی از غافلگیری در ابزار بشمار می‌رود.

۱۸- جنگ چهارم اعراب و اسرائیل - بدر - اکتبر ۱۹۷۳ میلادی، غلامرضا نجاتی -

<http://laleygolgoon.blogfa.com>

۱۹- <http://jangandeh.mihanblog.com>

دست‌زده و زمانی که جبهه‌های جنگ از تعادل و پایداری نسبی برخوردار شد با یک لشگر از زبده ترین نیروهای اسرائیلی و استفاده از رخنه ای که بین ۲ سپاه مصر در صحرای سینا ایجاد شده بود با طی صدها کیلومتر به سرعت خود را به کرانه غربی صحرای سینا رساند و به تهدید مستقیم قاهره و اسکندریه پرداخت. ناگهان فرماندهان مصری خود را با شرایط جدی روبه رو دیدند.

بعدها مشخص شد که این ژنرال اسرائیلی در زمانی که صحرای سینا در اختیار اسرائیل بود بارها با تردد در این صحرا به علامتگذاری در این دشت خشک پرداخته و پیش بینی روزی را می کرد که مجبور به یک ضد حمله نفوذی به داخل نیروهای مصری شود.^{۱۹}

پی‌نوشت‌ها:

۱- نگاهی جامع به تمامی جنگ‌های تاریخ ایران - <http://www.vjc.ir/>

مهر ۱۳۹۲ - کد خبر: ۴۵۷۲۱۱۱ - نقل از عزیزالله عزیزاده، نویسنده کتاب «فرهنگ جنگ‌های ایران»

۲- کتاب «مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در ایران» - محمد حسین جمشیدی - دوره عالی جنگ سپاه - ۱۳۸۰ - ص ۱۹۸

۳- کتاب «مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در ایران» - محمد حسین جمشیدی - دوره عالی جنگ سپاه - ۱۳۸۰ - ص ۴۲۵

۴- کتاب «مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در ایران» - محمد حسین جمشیدی - دوره عالی جنگ سپاه - ۱۳۸۰ - ص ۲۳۱

۵- کتاب «مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در ایران» - محمد حسین جمشیدی - دوره عالی جنگ سپاه - ۱۳۸۰ - ص ۴۶۰

۶- کتاب مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در ایران» - محمد حسین جمشیدی - دوره عالی جنگ سپاه - ۱۳۸۰ - ص ۳۳۹

۷- اولین نسل جنگ مربوط به جنگ‌هایی بوده که در آن‌ها تاکتیک صف و ستون، حاکم بر صحنه رزم بوده است. جنگ‌ها به صورت رسمی و بسیار منظم منطبق با فرهنگ نظامی و در یک میدان رزم منظم روی می دادند. کلیه علائم، نشانه‌ها و شاخصه‌هایی که وجه تمایز نیروی نظامی با غیرنظامی می شد مربوط به این دوره بوده است. جنگ‌های زمان ناپلئون در این گروه قرار می گیرند.

دومین نسل جنگ به دوران جنگ جهانی اول و تاکتیک‌های رزمی حاکم در این دوره اشاره دارد. بکارگیری قدرت آتش انبوه متمرکز و کنترل شده نابودی قطعی دشمن، اطاعت محض و رعایت دقیق سلسله مراتب، همزمانی دقیق طرح‌ها و دستورات از ویژگی‌های بارز این دوره است. دامنه این نسل تا به امروز نیز کشیده شده است.

هجدهمین جلسه هیئت مدیره انجمن آمبودزمان آسیایی

جلسه منطقه‌ای اعضای آسیایی مؤسسه آمبودزمان بین‌المللی
مجمع بین‌المللی «راه حل شکایات اداری و آمبودزمان»



هیئت‌های ذیل در نشست توکیو حضور داشتند:

- | | |
|----------------------------------|-------------------|
| رئیس انجمن آمبودزمان آسیایی | ۱. پاکستان |
| قائم‌مقام انجمن آمبودزمان آسیایی | ۲. آذربایجان |
| دبیر کل انجمن آمبودزمان آسیایی | ۳. هنگ کنگ |
| خزانه‌دار انجمن آمبودزمان آسیایی | ۴. ایران |
| عضو انجمن آمبودزمان آسیایی | ۵. جمهوری خلق چین |
| عضو انجمن آمبودزمان آسیایی | ۶. اندونزی |
| عضو انجمن آمبودزمان آسیایی | ۷. ژاپن |
| عضو انجمن آمبودزمان آسیایی | ۸. مالزی |
| عضو انجمن آمبودزمان آسیایی | ۹. تاتارستان |

مهم‌ترین تصمیماتی که در نشست هیئت مدیره اتخاذ شد
به این شرح است:

رئیس جلسه آقای سلمان فاروقی پس از خوش‌آمد گویی به هیئت مدیره انجمن آمبودزمان آسیایی اظهار داشت هدف از اصلاحات در آیین‌نامه انجمن آمبودزمان در حوزه انتخابات آن، تسهیل روش عضویت در آن انجمن است. ایشان همچنین یادآور شد

قاضی سراج و هیئت همراه از سازمان بازرسی کل کشور ایران ۱۷

اسفند ۱۳۹۴ در هجدهمین نشست هیئت مدیره انجمن آمبودزمان آسیایی، به عنوان عضو و خزانه‌دار انجمن مذکور شرکت کردند. با توجه به دستاوردهای آن مأموریت گزارش ذیل تهیه شده است.

هجدهمین نشست هیئت مدیره انجمن آمبودزمان آسیایی^۱

(AOA)

هجدهمین نشست اعضای جدید هیئت مدیره انجمن آمبودزمان آسیایی، دوشنبه ۱۷ اسفند ۹۴ در شهر توکیو با حضور قاضی ناصر سراج (رئیس سازمان بازرسی) و به عنوان خزانه‌دار انجمن آغاز به کار کرد. همکاری‌های علمی و عملی و تبادل جدیدترین یافته‌های آمبودزمان در امر رسیدگی به شکایات مردمی از دستگاه‌های اجرایی و دولتی و همچنین بهره‌مندی از تجارب و ظرفیت‌های دیگر نهادهای هم‌تا و اتخاذ تصمیمات برای طرح در مجمع عمومی انجمن از جمله موضوعات این نشست تخصصی بود. شایان ذکر است سازمان بازرسی کل کشور مؤسس و عهده‌دار مسئولیت‌های آکادمی آموزشی آمبودزمان آسیایی است.



سلمان فاروقی به اطلاع شرکت کنندگان در هیئت مدیره رساند هنگ کنگ از ریاست آن گروه کناره گیری کرده، به علاوه پیشنهاد ریاست گروه به تایلند تاکنون بی جواب مانده است. در همان جلسه آقای فاروقی از اندونزی درخواست کرد ریاست گروه را بر عهده گیرد. اما هیئت ایرانی پیشنهاد کرد این جایگاه در اختیار چین قرار گیرد. پس از بحث و گفتگوی طولانی، چین این مسئولیت را پذیرفت. هیئت مدیره انجمن آمبودزمان آسیایی به اتفاق آرا تشکیل گروه (چین رئیس گروه) به همراه اندونزی و تاتارستان جهت بررسی توسعه و عملکرد آکادمی سازمان بازرسی کل کشور ایران را تصویب کرد.

۲. پیشنهاد اعطای عضویت افتخاری و مادام العمر در انجمن آمبودزمان آسیایی که بر اساس آن، هنگ کنگ پیشنهاد عضویت افتخاری و مادام العمر رئیس سابق انجمن آمبودزمان آسیایی سرکار خانم پانیت نیتیتان پاراپاس^۲ را ارائه کرد. هیئت مدیره به اتفاق آرا عضویت مادام العمر و افتخاری ایشان را تصویب کرد.

۳. با توجه به اینکه در هفدهمین جلسه هیئت مدیره انجمن آمبودزمان آسیایی، هزینه های وبسایت (به کارگیری مدیریت حرفه ای^۳، برنامه نویس و دیگر الزامات فنی) به اشتباه سالانه ۱۰۰۰ دلار آمریکا تخمین زده شد و این مقدار بودجه برای به کارگیری

فیلیپین برای عضویت مجدد در انجمن آمبودزمان آسیایی ابراز تمایل کرده است. اردن نیز درخواست عضویت داده و برخی از جمهوری های آسیای مرکزی نیز پاسخ مثبتی به عضویت داده اند. هند نیز از طریق دهلی (آمبودزمان مرکزی) خواستار عضویت در انجمن است. آقای فاروقی دیدگاه اعضای هیئت مدیره در خصوص دوره تصدی هیئت مذکور، به مدت چهار سال یا دو سال را خواستار شد و البته توضیح داد که دو سال امکان و فرصت مناسب برای ورود اعضای دیگر به هیئت مدیره و تبدیل انجمن آمبودزمان آسیایی به سازمانی پویاتر را فراهم می کند. آذربایجان، چین، ایران، ژاپن و هنگ کنگ (جهت حفظ ثبات انجمن) به دوره چهار ساله هیئت مدیره رأی دادند. با این حال، اندونزی، مالزی، پاکستان و تاتارستان دوره دو ساله را برای هیئت مدیره پیشنهاد دادند. از آنجاکه اکثریت اعضای بر ادامه شرایط بر مبنای چهار سال رأی دادند، تصمیم گرفته شد همان چهار سال مدت دوره کاری هیئت مدیره ادامه یابد.

۱. تصمیم گرفته شد جهت بررسی میزان توسعه و عملکرد آکادمی (تأسیس شده توسط) سازمان بازرسی کل کشور ایران و فعالیت هایی که تاکنون توسط سازمان مذکور در خصوص آن آکادمی صورت گرفته است، گروهی تشکیل و نتایج بررسی خود را به اطلاع هیئت مدیره برساند. در همین راستا، مدیر جلسه آقای

طی روزهای ۱۸ لغایت ۲۰ اسفند برگزار شد.

مجمع بین‌المللی «راه‌حل شکایات اداری و آمبودزمان»

به ابتکار انجمن آمبودزمان آسیایی و با همکاری مؤسسه آمبودزمان بین‌المللی مجمع بین‌المللی تحت عنوان راه‌حل شکایات اداری و آمبودزمان نیز در توکیو ژاپن برگزار شد. این مجمع، به موضوعات مهمی در خصوص ارتقاء شفافیت و پاسخگویی در اداره امور عمومی کشورها پرداخت. جان والترز رئیس مؤسسه آمبودزمان بین‌المللی و آمبودزمان کشور نامیبیا و گونتر کراوتر دبیر کل مؤسسه آمبودزمان بین‌المللی و عضو هیئت آمبودزمان کشور اتریش نیز در این مجمع حضور دارند. سلمان فاروقی، آمبودزمان فدرال پاکستان، رئیس انجمن آمبودزمان آسیایی، یوتاکی آرای، رئیس نهاد نظارت و ارزیابی اداری ژاپن، پروفسور ماساهیرو هوریه از مؤسسه ملی آموزشی مطالعات سیاسی ژاپن، آندره مارین آمبودزمان پیشین اُنتاریو کانادا و استاد دانشگاه، پروفسور هیسائو سوکاموتو از دانشگاه واسدا ژاپن و پروفسور کیمیوشی توایما از دانشگاه ریکو ژاپن از جمله سخنرانان این مجمع بین‌المللی بودند. ویژگی‌های مؤسسات آمبودزمان با توجه به مطالعات تطبیقی بین‌المللی آمبودزمان از جمله نظام آمبودزمان کانادا و نظام مشورتی اداری ژاپن، بررسی مزایا و چالش‌های بازرسی نظام‌مند و بیان تجربیات حاصله در خصوص شناسایی موارد سامانمند، نحوه انتخاب مسائل در بازرسی‌ها و نحوه انجام بازرسی مؤثر و سودمند و همچنین بررسی اصول بنیادین بازرسی موفق، بازخوانی نحوه ایجاد برنامه بازرسی، بررسی نظام حکومتی ژاپن و نظارت اداری کارکردهای چندلایه و کارکرد هیئت ارزیابی اداری ژاپن (به‌عنوان نهاد نظارت و بازرسی و مشاوره اداری)، تبیین شیوه‌ها و چگونگی ایفا نقش آمبودزمان در دستگاه‌های حکومتی، بررسی چارچوب بازرسی‌های هیئت ارزیابی اداری ژاپن و چگونگی و چرایی انتخاب زمینه‌های مشخص برای ارزیابی، ویژگی‌های فرایند بازرسی هیئت ارزیابی اداری از جمله پویای حقیقی و در سطح ملی، ارزیابی‌ها، تحلیل‌ها، پیشنهادهای جایگزین اقدامات و توصیه‌ها و شناسایی و اولویت‌بخشی شاهدان و نحوه آماده‌سازی آن‌ها در مصاحبه‌ها، نحوه تسهیل امر شاهدان، چگونگی رفتار با

نیروهای حرفه‌ای مطابق با معیارهای بازار کافی نیست؛ هیئت‌مدیره آن را اصلاح و به‌اتفاق آرا ماهیانه ۱۰۰۰ دلار آمریکا برای انجام امور وب‌سایت را تأیید کرد.

۴. در نشست هیئت‌مدیره مجدداً موضوع امضای یادداشت تفاهم میان انجمن آمبودزمان آسیایی و مؤسسه آمبودزمان بین‌المللی در دستور کار قرار گرفت. هیئت‌مدیره از موضوع ملاحظات و نگرانی‌های چین در خصوص چنین یادداشت تفاهمی اطلاع داشت. آقای لیو جیان چائو، معاون وزیر نظارت چین نیز ضمن قدردانی از همکاری انجمن آمبودزمان آسیایی و مؤسسه آمبودزمان بین‌المللی، به مسئله تابوان و ملاحظات دولت متبوع خود و عدم هرگونه مصالحه در این زمینه اشاره کرد. وی با بیان اینکه مؤسسه آمبودزمان بین‌المللی نباید تایوان را تحت عنوان چین شناسایی کند (همان‌گونه در سازمان ملل متحد نیز این‌گونه توافق شده است)، لذا فقط جمهوری خلق چین تنها کشوری است که باید بانام چین مدنظر قرار گیرد. لذا یادداشت تفاهم باید تا زمانی که مؤسسه آمبودزمان بین‌المللی سیاست خود را به‌عنوان «چین واحد» تغییر ندهد تعلیق شود. در این خصوص هیئت ایرانی با هیئت چینی به توافق رسیدند. هنگ‌کنگ نیز از مواضع چین پشتیبانی کرد. پس از گفتگوهای بسیار، یک‌بار دیگر، موضوع یادداشت تفاهم میان انجمن آمبودزمان آسیایی و مؤسسه آمبودزمان بین‌المللی به تعویق افتاد.

درنهایت اینکه آمبودزمان تاتارستان از اعضای هیئت‌مدیره برای شرکت در جلسه آتی هیئت‌مدیره (اوت ۲۰۱۶) در تاتارستان دعوت کرد که با موافقت آن هیئت تصویب شد.

جلسه منطقه‌ای اعضاء آسیایی مؤسسه آمبودزمان بین‌المللی^۴ با حضور دبیر کل آن مؤسسه با حضور هیئت‌های ایران، کره، تایلند، آذربایجان، سریلانکا، ژاپن، اندونزی، اردن، تیمور شرقی، ماکائو و پاکستان نیز برگزار شد. وزارت داخلی و ارتباطات ژاپن، که به‌عنوان آمبودزمان این کشور محسوب می‌شود میزبان آن نشست بود. در ادامه نیز مجمع بین‌المللی «راه حل‌های شکایات اداری و آمبودزمان» با همکاری مؤسسه آمبودزمان بین‌المللی، انجمن آمبودزمان آسیایی و آمبودزمان ژاپن و با حضور کشورهای مذکور



توکیو برگزار شد.

محتوای مجمع بین‌المللی و هم‌اندیشی آموزشی

راه‌حل‌های شکایات اداری و آمبودزمان

در روز اول، نشست اول: نقش آمبودزمان‌ها و بازرسی آنان مورد بررسی قرار گرفت. پروفسور کیمیوشی تویاماف دانشگاه ریکیو، ویژگی‌های مؤسسات آمبودزمان با توجه به مطالعات تطبیقی بین‌المللی آمبودزمان از جمله ویژگی‌های نظام آمبودزمان کانادا (کشور متبوع پروفسور مارتین مدرس اصلی این کارگاه آموزشی) و نظام مشورتی اداری ژاپن را تبیین کردند.

در نشست دوم: '1 - Watchdogs Bark WB'

بازرسی نظام‌مند برای آمبودزمان‌ها، پروفسور آندره مارین، آمبودزمان پیشین اونتاریو کانادا با توجه به تجرب خود که شامل شناسایی موارد سامانمند، نحوه انتخاب مسائل در بازرسی‌ها و نحوه انجام بازرسی مؤثر و سودمند است به بررسی مزایا و چالش‌های بازرسی نظام‌مند پرداختند. این نشست همچنین شامل اصول بنیادین بازرسی موفق، بازخوانی نحوه ایجاد برنامه بازرسی و تحلیل یک مطالعه موردی case study به‌منظور تبیین ایجاد برنامه در عمل بود.

شاهدانی که همکاری نمی‌کنند، نحوه بسط پرسش‌ها و ساختار مصاحبه‌ها به‌منظور دستیابی به نتیجه حداکثری و چگونگی ارزش‌گذاری بر مصاحبه‌ها پس از خاتمه آن‌ها، تبیین چارچوب سهم هیئت ارزیابی اداری ژاپن در تضمین رعایت انصاف اداری و حل‌وفصل مسائل اداری در مواجهه با تغییرات اجتماعی، بیان روش‌های هیئت ارزیابی اداری، کشف حقایق و شواهد و درنهایت پاسخ به تقاضای مردم، انتشار گزارش‌ها در تحقیقات نظام‌مند، نحوه ارتباط آمبودزمان با رسانه‌ها، نحوه استفاده از رسانه، رسانه‌های خبری، اینترنت و فناوری‌های مرتبط با آن به‌منظور مشارکت در فعالیت‌های مردم، ترویج اخلاق و افزایش آگاهی از فعالیت‌های آمبودزمان، مطالعه ارزیابی شواهد به‌دست‌آمده در بازرسی شایسته، فنون نگارش پیش‌نویس، گزارش‌نویسی و انتشار آن بر مبنای یک بازرسی معمول و نظام‌مند و همچنین بحث در مورد نگارش صحیح و مؤثر و تضمین متقاعدکننده بودن گزارش و قابلیت استناد به آن در نهادهای عمومی از جمله موضوعاتی بود که در این مجمع بین‌المللی بحث و بررسی شد. شایان‌ذکر است این مجمع بین‌المللی، پس از خاتمه هجدهمین جلسه هیئت‌مدیره انجمن آمبودزمان آسیایی و جلسه اعضاء آسیایی مؤسسه آمبودزمان بین‌المللی در



پرسش‌ها و ساختار مصاحبه‌ها به منظور دست‌یابی به نتیجه حداکثری و درنهایت چگونگی ارزش‌گذاری بر مصاحبه‌ها پس از خاتمه آن‌ها بود.

در نشست ششم: سیستم و پیشرفت‌های حاصله هیئت ارزیابی اداری ژاپن مورد بررسی قرار گرفت و آقای کن سانوکی، معاون مدیرکل هیئت ارزیابی اداری ژاپن به تبیین چارچوب سهم هیئت ارزیابی اداری ژاپن در تضمین رعایت انصاف اداری و حل و فصل مسائل اداری در مواجهه با تغییرات اجتماعی پرداخت. این نشست روش‌های هیئت ارزیابی اداری، کشف حقایق و شواهد و درنهایت پاسخ به تقاضای مردم را بیان نمود.

در نشست هفتم: WB3 (ارتباطات، رسانه اجتماعی و فناوری)، پروفیسور آندره مارین به تبیین انتشار گزارش‌ها در تحقیقات نظام‌مند مشتمل بر موضوعات گسترده‌ای در خصوص نحوه ارتباط آمبودزمان با رسانه‌ها پرداخت. این نشست دربرگیرنده نحوه استفاده از رسانه، رسانه‌های خبری، اینترنت و فناوری‌های مرتبط با آن به منظور مشارکت در فعالیت‌های مردم، ترویج اخلاق و افزایش آگاهی از فعالیت‌های آمبودزمان بود. این نشست همچنین راهبردها و نکاتی برای استفاده از فیس‌بوک، توییتر، یوتیوب و اسکایپ در بازرسی و ارتباطات ارائه کرد.

در نشست سوم: بازرسی در ژاپن پروفیسور هیسائو سوکاموتو، دانشگاه واسدا به تبیین نظام حکومتی ژاپن نظارت اداری و کارکردهای چندلایه آن پرداختند. کارکرد هیئت ارزیابی اداری ژاپن (به‌عنوان بازرسی اداری و مشاوره اداری مدنظر قرار گرفت. این نشست مشخص و تبیین کرد که هیئت مذکور به چه شیوه نقش آمبودزمان خود را در حکومت ایفا می‌کند.

روز دوم، نشست چهارم: بازرسی توسط هیئت ارزیابی اداری ژاپن برگزار شد. آقای اوسامی واتاری، مدیرکل پیشین هیئت ارزیابی اداری، چارچوب بازرسی‌های هیئت ارزیابی اداری ژاپن را که همسان با بازرسی‌های مقدماتی آمبودزمان است تبیین کرد. تمرکز این نشست بر چگونگی و چرایی انتخاب زمینه‌های مشخصی برای ارزیابی بود. همچنین ویژگی فرایند بازرسی هیئت ارزیابی اداری ازجمله پویای حقیقی و در سطح ملی، ارزیابی‌ها، تحلیل‌ها، پیشنهادهای جایگزین اقدامات و توصیه‌ها را تبیین شد.

در نشست پنجم: '2 - Watchdogs Bark WB' شاهدان و مصاحبه‌ها، پروفیسور آندره مارین به بحث در مورد شناسایی و اولویت‌بخشی شاهدان و نحوه آماده‌سازی آن‌ها در مصاحبه‌ها پرداخت. این نشست شامل نحوه تسهیل امر شاهدان، چگونگی رفتار با شاهدانی که همکاری نمی‌کنند، نحوه بسط

مباحث آمبودزمان خبر داد و اظهار داشت که این سازمان برای تقویت فعالیت‌های آمبودزمان، با کشورهای پیشرو در این امر از جمله دانمارک که در امر شفافیت و پاک دستی، رسیدگی به شکایات مردمی و شاخص‌های ادراک فساد، از سوی سازمان شفافیت بین‌المللی رتبه نخست را به‌عنوان سالم‌ترین کشور دنیا کسب نموده است تفاهم‌نامه همکاری امضاء کرده و به‌طور مشترک با آمبودزمان این کشور دوره‌های آموزشی و کاربردی برگزار می‌نماید. بنا به گفته آقای سراج این سازمان، با کشورهایی از جمله چین، ترکیه، عراق، ونزوئلا و اندونزی نیز تفاهم‌نامه همکاری دارد و به‌زودی با کشورهای مالزی و روسیه نیز همکاری‌های دوجانبه‌ای را آغاز خواهد کرد. به گفته آقای سراج، سازمان بازرسی کل کشور در تلاش است که با مشارکت در فعالیت‌های بین‌المللی، از دستاوردهای روز دنیا در امر رسیدگی به شکایات مردمی و مقابله با سوء جریانات اداری و مالی و مبارزه با فساد بهره‌برداری نماید و همچنین با سایر کشورها به تبادل تجربیات در زمینه‌های مورد اشاره بپردازد. در ادامه جان والترز رئیس مؤسسه آمبودزمان بین‌المللی که ریاست آمبودزمان کشور نامیبیا را نیز عهده‌دار است، ضمن تقدیر از تلاش‌های سازمان بازرسی کل

روز سوم: نشست هشتم: WB4 ارزیابی شواهد / گزارش‌نویسی، پروفیسور آندره مارین به تبیین ارزیابی شواهد به دست آمده در بازرسی شایسته، قابل استناد و شواهد (که شامل مصاحبه‌ها و اسناد است) مربوطه پرداخت. همچنین فن‌های نگارش پیش‌نویس، گزارش‌نویسی و انتشار آن بر مبنای یک بازرسی معمول و نظام‌مند موردبررسی قرار گرفت. به بحث در مورد نگارش صحیح و مؤثر و تضمین متقاعدکننده بودن گزارش و قابلیت استناد به آن در حکومت و نهادهای عمومی پرداخت شد.

تقویت و افزایش همکاری‌های سازمان با مؤسسه آمبودزمان

بین‌المللی (IOI)

در ادامه حضور قاضی ناصر سراج و هیئت همراه در کشور ژاپن، رئیس سازمان بازرسی کل کشور با «جان والترز» رئیس مؤسسه آمبودزمان بین‌المللی و «گونتر کراوتر» دبیر کل مؤسسه آمبودزمان بین‌المللی دیدار و گفتگو کرد. در این دیدار سراج با تشریح وظایف سازمان بازرسی کل کشور و اقدامات به عمل آمده در خصوص رسیدگی به شکایات مردمی و مبارزه با سوء جریانات اداری و مالی و مقابله با فساد و بهره‌مندی این سازمان از کشورهای پیشرو در امر



انجام گرفت؛ ایران و ژاپن در خصوص همکاری‌های علمی و عملی و تبادل جدیدترین یافته‌های آمبودزمان و رسیدگی به شکایات مردمی از دستگاه‌های اجرایی و دولتی و بهره‌مندی از امکانات و ظرفیت‌های یکدیگر به توافق رسیدند.

در این دیدار قائم‌مقام وزارت داخلی و ارتباطات ژاپن، که وزارتخانه‌اش، مسئولیت آمبودزمان این کشور را عهده‌دار است ضمن تشریح وظایف آمبودزمان و رسیدگی به شکایات مردمی و نیز امور نظارت و بازرسی این وزارت خانه، برقراری روابط تخصصی آمبودزمان دو کشور را بسیار با اهمیت برشمرد و اظهار داشت این مهم در آینده نزدیک محقق خواهد شد. در این دیدار طرف ژاپنی ضمن استقبال از فرصت پیش آمده برای گسترش و تعمیق روابط دو کشور، از سفر آتی نخست‌وزیر ژاپن به ایران و دیدار و گفتگو با مقامات عالی کشورمان سخن گفت و تصریح کرد: هم‌زمان با این سفر بسیار مهم، یادداشت تفاهم همکاری آمبودزمان میان دو نهاد نظارت و ارزیابی اداری (آمبودزمان) ژاپن و سازمان بازرسی کل کشور جمهوری اسلامی ایران به امضاء خواهد رسید.

پی‌نوشت:

۱. انجمن آمبودزمان آسیایی (Asian Ombudsman Association)؛ در ۱۶ آوریل ۱۹۹۶ میلادی - ۲۸ فروردین ۱۳۷۵ به عنوان یک نهاد غیردولتی، غیرسیاسی، مستقل و حرفه‌ای آمبودزمان در آسیا به وجود آمده است. دفتر وفاقی محتسب در اسلام آباد پاکستان محل دبیرخانه انجمن است و رئیس وفاقی محتسب (آمبودزمان فدرال) پاکستان، ریاست دوره‌ای انجمن مزبور را به مدت چهار سال عهده‌دار است. شایان ذکر است سازمان بازرسی کل کشور، ازجمله نهادهای مؤسس این انجمن بوده است و در حال حاضر مسئولیت خزانه‌داری انجمن به عهده رئیس سازمان بازرسی کل کشور جمهوری اسلامی ایران است؛ سازمان بازرسی کل کشور مؤسس آکادمی انجمن مذکور است.

ایشان رئیس فعلی آمبودزمان تایلند است Panit Nitithanprapas

Administration

*International Ombudsman Institute

کشور، ابراز علاقه‌مندی کرد که روابط این سازمان با مؤسسه آمبودزمان بین‌المللی بیش‌ازپیش گسترش یافته و دستاوردهای این مؤسسه را در اختیار سازمان قرار دهد.

هم‌چنین گونتر کراوتر دبیر کل مؤسسه آمبودزمان بین‌المللی نیز که مسئولیت آمبودزمان کشور اتریش را عهده‌دار است، از آمادگی کشورش برای امضاء یادداشت تفاهم همکاری‌های آمبودزمان با جمهوری اسلامی ایران خبر داد.

امضای یادداشت تفاهم سازمان با وفاقی محتسب (آمبودزمان

فدرال) پاکستان

در حاشیه برگزاری هجدهمین جلسه هیئت مدیره انجمن آمبودزمان آسیایی، جلسه اعضای آسیایی مؤسسه آمبودزمان بین‌المللی و نیز مجمع بین‌المللی تحت عنوان «راه‌حل شکایات اداری و آمبودزمان»؛ عصر روز چهارشنبه ۱۹ اسفند ۱۳۹۴، طی مراسمی که با حضور آمبودزمان‌های کشورهای پاکستان، ژاپن، آذربایجان، قرقیزستان، چین و هنگ‌کنگ برگزار شد، قاضی ناصر سراج رئیس سازمان بازرسی کل کشور ایران با آقای سلمان فاروقی رئیس وفاقی محتسب (آمبودزمان فدرال) پاکستان، یادداشت تفاهم همکاری امضاء کردند. این تفاهم‌نامه باهدف ایجاد و تقویت فعالیت‌های مشترک آمبودزمان و ارتقاء ظرفیت طرفین در زمینه رسیدگی به شکایات مردمی از دستگاه‌های اجرایی و اداری به امضاء رسید. تأکید بر تنظیم دیدارهای کاری، نشست‌ها و کارگاه‌های آموزشی به منظور تبادل تجارب و تحقیقات علمی در موضوعات مختلف آمبودزمان و نیز اجرای برنامه‌ها و طرح‌های آمبودزمان، ازجمله موارد مهم این یادداشت تفاهم است.

توافق همکاری‌های آمبودزمان سازمان با دستگاه نظارت و ارزیابی

اداری ژاپن

رئیس سازمان بازرسی کل کشور در حاشیه هجدهمین جلسه هیئت‌مدیره انجمن آمبودزمان آسیایی در توکیو، با قائم‌مقام وزارت داخلی و ارتباطات ژاپن، دیدار و گفتگو کرد. در این دیدار که در حاشیه برگزاری هجدهمین نشست اعضای جدید هیئت‌مدیره انجمن آمبودزمان آسیایی (Asian Ombudsman Association)

فساد اقتصادی از منظر پدافند اقتصادی^(۱)

مشکل ما این است که شفافیت مبادلات فردی و حقوقی نداریم و نظام مالیاتی یکنواختی نداریم. اگر این شفافیت و یکنواختی مالیاتی وجود داشت، هر شرکتی که تأسیس شود مقدار سود و زیان و مالیات آن مشخص خواهد شد. فرار مالیاتی نیز خود یک جرم اقتصادی است که در برخی کشورها با آن به عنوان بدترین جرم اقتصادی برخورد می کنند ولی در برخی کشورها مانند کشور ما متأسفانه فرار مالیاتی را نوعی زرنگی می دانند.

جایگاه مفاسد اقتصادی در پدافند اقتصادی

مسئله مفاسد اقتصادی برای تمام اقتصادهای دنیا مضر است. اقتصادهای پیشرو که خواهان پیشرفت روان و سریع اقتصادی هستند و می خواهند به اهداف موجود در اسناد بالادستی خود برسند مقابله با فساد را جزء محورهای اصلی خود قرار می دهند. لذا فساد اقتصادی در هیچ یک از اقتصادهای دنیا پذیرفته نیست. در برخی نقاط دنیا موضوع فساد اقتصادی آن قدر اهمیت دارد که بدین منظور چارچوب و قواعد خاصی برای مقابله با فساد اقتصادی وضع می کنند. برای مثال مسئله پول های کثیف شمه ای از فساد در حوزه اقتصاد است. برای کنترل فساد، مکانیزم پول تمیز و کثیف تعریف می شود و گاهی این مسئله بر کل نظام اقتصادی سایه می افکند. در نظام های اقتصادی غربی و سرمایه داری هم که به اقتصاد آزاد و دخالت کمتر دولت در اقتصاد معتقدند مسئله فساد اقتصادی و مبارزه با آن از اهم مسائل به شمار می رود و برای مقابله با مسائلی همچون پول شویی و پول کثیف مقررات خاص پولی مانی وضع می کنند تا جلوی فساد اقتصادی را بگیرند. پس حتی در اقتصادهای با نرخ رشد مثبت که مشکل تحریم ها و عناصر مقابله کننده اقتصادی را ندارند موضوع فساد اقتصادی یک موضوع و مسئله حیاتی به شمار می آید و در برخورد با آن قوانین به شدت بازدارنده ای وضع شده است. مثلاً اگر در

از گام های پیاده سازی اهداف عالی اسلامی این است که فساد اقتصادی در کشور از بین برود. چرا که بسیاری از مشکلات اجتماعی و اقتصادی تحت ظل مفاسد اقتصادی ایجاد می شوند یا تقویت می گردند. لذا دستیابی به اهداف قانون اساسی و اهداف عالی اسلامی و دستیابی به عدالت اجتماعی و اقتصادی همگی در تضاد و تقابل با مفاسد اقتصادی هستند. متن ذیل گفت وگو با دکتر جلالی، رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور در سال ۱۳۹۴ می باشد.

رویکرد کشور در مبارزه با مفاسد اقتصادی

از آنجا که مسائل اقتصادی و مفاسد آن به گونه ای با بحث های جدید و علمی و تکنولوژیک گره خورده است، در مبارزه با مفاسد اقتصادی باید رویکردی علمی اتخاذ کرد و نقش فناوری های جدید که سبب تحول تجارت و مبادلات گشته اند نباید فراموش شود. البته همه این ها در کنار حفظ نگاه اصیل و اصولی دینی و سنتی ما باید مورد توجه قرار گیرند. وقتی که کشور به سمت تجارت الکترونیک حرکت می کند و می توان شفافیت جامعی بر مبادلات اقتصادی حاکم شود (البته به جز مبادلاتی که به مسائل امنیت ملی مربوط می شود) دیگر امکان فساد وجود نخواهد داشت. بسیاری از کشورهای پیشرفته در مقابله با فساد اقتصادی همین رویکرد شفافیت اطلاعات را اتخاذ می کنند. لذا تأکید من این است که در مبارزه با مفاسد اقتصادی به رویکردهای مدرن توجه شود. پیشنهاد من این است که دانشگاه های اقتصادی و قضایی و حتی سیاسی به دنبال کشف و ایجاد رویکردهای جدید و مدرن در مبارزه با مفاسد اقتصادی برای کشور باشند تا همگام با پیشرفت تکنولوژی بتوانیم با مفاسد اقتصادی نیز مبارزه کنیم.

ممکن است به عنوان عامل دشمن تلقی شوند؛ همان طور که دشمن آن‌ها را مهره خود پنداشته و برای آنان نقشه و مسیر و انگیزه طراحی می‌کند.

پس در مجموع می‌توان گفت مسئله مبارزه با مفاسد اقتصادی یکی از مؤلفه‌های اصلی اقتصاد مقاومتی و پدافند اقتصادی است و



فاسدان اقتصادی اغلب افرادی هستند که منافع فردی را بر منافع ملی ترجیح می‌دهند و در کمین فرصتی هستند تا از موقعیت پیش آمده برای سودجویی و فرصت جویی خود بهره ببرند. برای مبارزه با فساد اقتصادی باید چند نکته در نظر گرفته شود. نکته اول اینکه نظام اسلامی باید موضوع فساد اقتصادی را به عنوان مؤلفه اقتصاد مقاومتی و پدافند اقتصادی در نظر بگیرد و ابعاد و اجزاء و رویکردهای آن را دقیقاً و به طور شفاف مشخص کند. باید موضوع مفاسد اقتصادی به عنوان یک بلیه ملی و عامل دشمن معرفی و مطرح شود. باید مفسد اقتصادی به عنوان فردی که از تروریست و از دشمن مستقیم مثل آمریکا و صدام بدتر است معرفی شود. چرا؟ چون این شخص در داخل مردم است و قوت آن‌ها را احتکار می‌کند و با ایجاد کمبود در پی کسب ثروت برای خود است. بنابراین، اولین محور در جهت مبارزه با فساد اقتصادی فرهنگ سازی است. متأسفانه مباحث فرهنگی مسائل اقتصادی مغفول مانده است. باید فساد اقتصادی تعریف و مشخص شود و تفاوت آن با زرنگی اقتصادی متمایز گردد. باید مرز میان تولید ثروت حلال با تولید ثروت حرام مشخص شود. فساد اقتصادی در افکار عمومی باید به بدترین نوع افساد فی الارض و شخص مفسد به عنوان بدترین مفسد فی الارض شناخته شود. ببینید از گذشته تا الآن کلمه جاسوس و

چین ارتشای وکیل یا وزیری اثبات شود محکوم به اعدام می‌شود و در برخی کشورها نظیر کشورهای اروپایی و آمریکا، سازوکارهای خاصی برای کنترل فساد اقتصادی ایجاد می‌گردد. مثلاً سازمان‌های غیردولتی مبارزه با فساد در اروپا (سازمان‌های مردم نهاد مبارزه با فساد) شکل گرفته‌اند که رویکردشان در مبارزه با فساد اقتصادی شفافیت در حساب و کتاب است. این رویکرد سبب می‌شود که همه اطلاعات مالی روی صحنه باشد و انواع رانت‌های اقتصادی شکل نگیرد.

الزامات مبارزه با مفاسد اقتصادی در شرایط جنگ اقتصادی

ممکن است که یک کشور در مبارزه با مفاسد اقتصادی تحت هیچ فشار اقتصادی و تهدید و تحریمی نباشد و ممکن است کشوری نظیر کشور ما تحت چنین شرایطی باشد. به تعبیر مقام معظم رهبری، کشور ما در یک «جنگ تمام عیار اقتصادی» است؛ یعنی دشمن تمام توان خود را جمع کرده است تا از لحاظ اقتصادی به ما ضربه بزند و به اهداف اقتصادی خود در خصوصت با ایران برسد. به دنبال این تمرکز نیرو، وضع تحریم‌ها و کمبودهای مصنوعی و القای ناکارآمدی نظام به عنوان تاکتیک‌های دشمن برشمرده می‌شوند. وقتی که آمریکایی‌ها می‌گویند از تمام ابزار خویش از جمله ابزار اقتصادی برای مقابله و فشار بر ایران استفاده می‌کنند طبیعی است که از توان خود برای گسترش فساد در نظام اقتصادی ایران و القای ناکارآمدی دولت نیز استفاده کنند. در چنین وضعیتی (جنگ اقتصادی)، اهمیت موضوع مقابله با مفاسد اقتصادی مضاعف می‌گردد. این موضوع آن قدر اهمیت پیدا می‌کند که در یک اقتصاد روبه جلو و پویا به عنوان اقتصاد مقاومتی یکی از مسائل مهم و حساس بحث مبارزه با مفاسد اقتصادی است.

در سندی که از آمریکایی‌ها می‌خواندم می‌دیدم که آنها یکی از بازیگران اصلی خود برای فشار بر ایران را «منفعت جویان شخصی» در نظر گرفته بودند؛ افرادی که در هر موقعیتی به دنبال حداکثر کردن منفعت شخصی خود هستند و کافی است تا کمی به آنها انگیزه بدهند تا در هر موقعیتی منفعت شخصی خود را بر منافع جمعی و ملی ترجیح بدهند. آمریکایی‌ها چنین افرادی را به عنوان عامل و مهره اصلی خودشان به حساب آورده‌اند. یعنی از نظر ما نیز

به فکر این باشد که چگونه از اموال مردم سوءاستفاده کند یا چگونه زمین‌خواری کند. لذا در شرایط جنگی نیاز به قوانین خاصی هستیم که این قوانین باید صریح و راحت و روان باشد. در زمان جنگ، شخصی به‌عنوان «قاضی عسکر» معرفی می‌شود که به تخلفات نظامیان رسیدگی می‌کند و ممکن است شخصی که تخلف کرده، به سرعت محاکمه صحرایی و اعدام شود. درحالی‌که در حالت عادی و شرایط غیرجنگی نمی‌توان کسی را بدون تشکیل دادگاه و طی مراحل قانونی به این سرعت اعدام و مجازات کرد. پس با استناد به همین موضوع، ما نیازمندیم تا قوانین اقتصادی خاص زمان جنگ را داشته باشیم.

من شنیده‌ام که برخی از نمایندگان محترم مجلس در یکی از بررسی‌های خود گفته بودند که ما از لحاظ قانونی مشکلی نداریم و نیازی به قانون جدید نیست. ولی اگر بررسی کنید متوجه می‌شوید این ضعف قوانین در برخورد با مفسدان اقتصادی است که منجر به فسادهای چندهزار میلیاردی می‌شود. این نوع قوانین نه با عدالت اجتماعی همخوانی دارند و نه با شرایط جنگ اقتصادی که در آن به برخورد با متخلفان اقتصادی نیازمندیم. مثلاً در تحریم‌های بانکی و مالی ناظر به فروش نفت، از یک طرف به علت ضعف قوانین و از طرف دیگر به علت نیاز شدید به مبادله، مجبور به اعتماد به اشخاصی حقیقی به‌عنوان واسطه می‌شویم و این اشخاص نیز تخلف می‌کنند یا بعضاً از کشور می‌گریزند. به نظر من مشکل کشور در چنین مواردی نبود قوانین شفاف و صریح در برخورد با مفاسد اقتصادی در زمان جنگ است و به نظر من برای چنین تخلفاتی که در زمان جنگ اقتصادی صورت می‌گیرد باید اشد مجازات در نظر گرفته شود. همان‌طور که می‌دانید در صحنه جنگ نیز نحوه محاکمه افراد متفاوت می‌شود. در میدان جنگ نیز به چند نفر اختیار تام می‌دهند تا افراد متخلف را همان‌جا و خیلی سریع محاکمه کنند؛ چرا؟ زیرا وضعیت، وضعیت جنگی است و اگر تخلف افراد در این اوضاع مانند وضعیت عادی پیگیری شود، ممکن است تا زمان محاکمه جنگ به پایان رسیده باشد! لذا در شرایط جنگ اقتصادی باید قوانین صریح و روشنی وجود داشته باشد که به‌سرعت با متخلف برخورد کند.

خائن به‌عنوان بدترین افراد در ذهن مردم هستند و مردم آن‌ها را کثیف‌ترین افراد می‌دانند. ما نیز باید طوری فرهنگ‌سازی کنیم که مفسد اقتصادی، مفسد فی الارض و کثیف‌ترین فرد شناخته شود. درحالی‌که مردم بعضاً به نان شب محتاج هستند، مفسد اقتصادی به‌دنبال روزنه‌ای است تا با فریب و دورزدن قانون، ثروت هنگفتی به دست آورد و سپس با ماشین میلیاردی خود به خیابان بیاید و فخرفروشی کند.

نکته دوم اینکه مسائل فساد اقتصادی نباید رنگ‌وبوی سیاسی بگیرد و در گیرودار احزاب و جریانات سیاسی قرار گیرد. نباید این‌گونه باشد که برخورد با یک مفسد اقتصادی به‌عنوان مبارزه با جریان سیاسی و طرز تفکر یک جریان و حزب سیاسی در نظر گرفته شود.

تصویب قوانین خاص ناظر به مفاسد اقتصادی

به نظر می‌رسد شرایط جنگی در همه جای دنیا نیازمند قوانین و مقررات خاص خود است و قوانین جاری و عادی پاسخگوی زمان جنگ نیست. به همین دلیل است که برای زمان جنگ قوانین خاصی تعیین می‌کنند. مثلاً در زمان جنگ به بسیج اتوبوس‌ها و کمپرسی‌ها برای کمک به جبهه‌ها نیازمند بودیم. مثلاً باید قانونی داشته باشیم که هر اتوبوس یا کمپرسی در صورت نیاز کشور، باید سالی یک ماه به جبهه‌ها کمک کند و برای کارهای مهندسی (چنانچه در روسیه و بوسنی چنین قوانینی وجود دارد) به کار گرفته شود. در این صورت چون قانون وجود دارد، در زمان صلح که شخص خواستار خرید اتوبوس یا کمپرسی است متعهد می‌شود که در صورت وقوع جنگ این کار را انجام دهد و از قانون تبعیت کند. اگر قانون نباشد، مثل زمان جنگ تحمیلی، مجبور هستیم در جلوی ترمینال‌های مسافربری، جلوی اتوبوس‌ها را بگیریم و به جبهه اعزام کنیم. نیروی احتیاط سربازی هم نظیر همین قانون است که سبب کاهش هزینه‌ها در زمان جنگ می‌شود. این دسته قوانین، قوانین خاص هستند و در شرایط جنگی معتبر می‌شوند و شرایط عادی، این قوانین ملغی می‌شوند. در شرایط جنگی که باید به فکر مقابله با دشمن بود و درحالی‌که جان و مال مردم در خطر است، نباید کسی

بگذارند. از این دست موارد بسیار دیده شده است که عده‌ای با واردات کالا، ایده‌ها و دانش‌های داخلی را از رده خارج می‌کنند. همچنین کسی که می‌خواهد در کشور سرمایه‌گذاری کند احساس می‌کند افرادی هستند می‌توانند تمام قوانین و مجاری قانونی را با پول دور بزنند و در این فرایند سرمایه‌ای این سرمایه‌گذار را بر باد دهند. در این وضعیت است که میل به سرمایه‌گذاری کاهش پیدا می‌کند و سرمایه‌داران به دنبال کارهای واسطه‌ای و غیرمولد می‌روند و کسی به دنبال کار تولیدی نمی‌رود.

تقسیم کاری میان دستگاه‌ها، نهادهای خاصی نظیر ستاد

مبارزه با مفاسد اقتصادی، پلیس اقتصادی و ...

به نظر من برای مبارزه با مفاسد اقتصادی در ابتدا باید کار فرهنگی صورت بگیرد و مفسد اقتصادی مشخص و تعریف شود و سپس مبارزه با آن و اراده سیاسی برخورد با آن به وجود آید. البته اگر مراکزی نظیر دانشگاه‌ها و دستگاه‌ها و سازمان‌های غیردولتی خاصی وجود داشته باشند که در زمینه مبارزه با مفاسد اقتصادی مشورت دهند و راه‌حلی را برای مبارزه با انواع مفاسد اقتصادی طرح کنند بد نیست. باین حال کار مبارزه با مفاسد اقتصادی باید کار همه مسئولان و دستگاه‌ها باشد. در یکی از نقدهای مربوط به تشکیل سازمان مبارزه با مفاسد اقتصادی که توسط سازمان‌های غیردولتی خارج از کشور منتشر شده بود خواندم که می‌گفتند تشکیل چنین سازمانی برای مبارزه با مفاسد اقتصادی، خود به مفاسد اقتصادی بیشتری دامن می‌زند؛ چراکه ایجاد مرکزی برای کنترل متمرکز فساد در کشور، سبب می‌شود که مفسد اقتصادی دقیقاً به سوی افراد هدف راهنمایی شود و افراد این سازمان خود در معرض شدید فساد اقتصادی خواهند بود.

قوانین دیگری که وجود آن‌ها لازم است قوانین مربوط به دورزدن تحریم‌هاست. باید قوانینی باشند که به مسئولان اختیارات خاصی بدهد تا بتوانند تحریم‌ها را دور بزنند و همچنین از تخلفات نیز جلوگیری کنند. البته این دسته قوانین کمی پیچیده به نظر می‌رسد ولی به هر حال مورد نیاز هستند و باید وضع شوند تا مسئولان در شرایط تحریم به بن‌بست برخورد نکنند.

اراده سیاسی برای مبارزه با مفاسد اقتصادی

موضوع دیگری که بعد از موضوع قوانین باید بدان توجه کرد، اراده سیاسی در برخورد با مفاسد اقتصادی است. اولاً متخلفان باید سریعاً شناسایی شوند. ثانیاً از آنجا که معمولاً مفسدان اقتصادی برای خود حمایت و پوشش سیاسی تولید می‌کنند باید اراده سیاسی قوی‌ای وجود داشته باشد تا با متخلفان برخورد شود. این موضوع شبیه حکم‌دادن قاضی است. قاضی باید تمام تلاش خود را بکند تا حکم خدا را استخراج کند و اگر هم بعدها مشخص شد که وی اشتباه کرده مأجور خواهد بود. در مورد فساد اقتصادی نیز همین‌گونه است. گرسنگی و تشنگی و فقر و کمبود و سایر مسائل اجتماعی، همگی در سایه مفاسد اقتصادی به وجود می‌آید و این فساد اقتصادی است که یک شخص را فقیر و دیگری را بی‌چاره و دیگری را دچار مسائل خانوادگی و اجتماعی می‌کند. بنابراین، در برخورد با مفاسد اقتصادی باید اراده سیاسی وجود داشته باشد و این اراده باید به گونه‌ای باشد که به نوعی بازدارندگی در حوزه فساد اقتصادی ایجاد کند. یعنی اراده سیاسی در جهت مبارزه با مفاسد اقتصادی باید به گونه‌ای باشد که مفسد اقتصادی جرأت تخلف نکند و از اینکه به دست مجری قانون بیفتد هراسان باشد.

تأثیر مفاسد اقتصادی بر سرمایه‌گذاری اقتصادی

به نظر من مفاسد اقتصادی هم دانش و علم را از کشور بیرون می‌راند و هم سرمایه را، چراکه عموم مردم درمی‌یابند که اگر بخواهند روی طرح خود سرمایه‌گذاری کنند و آن را به تولید برسانند، افرادی هستند که می‌توانند با رشوه‌دادن و دورزدن قانون طرح و ایده او را منسوخ کنند یا به مالکیت خود درآورند. در نتیجه، عموم مردم احساس می‌کنند که دانش و ایده آن‌ها در کشور محترم نیست و ترجیح می‌دهند به جایی بروند که به طرح و ایده او احترام

۱. پدافند اقتصادی، شماره نهم، مرداد ۱۳۹۴، گفت‌وگو با دکتر

جلالی، رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور

توجه: متن این گفت‌وگو با اندکی اصلاحات درج گردیده است.

آیین‌نامه اجرایی ماده (۲۶)

قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۴/۱۵ به پیشنهاد مشترک معاونت‌های برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی و توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رییس‌جمهور و به استناد بند (د) ماده (۲۶) قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد - مصوب ۱۳۹۰ - آیین‌نامه اجرایی ماده مذکور را به شرح زیر تصویب کرد:

مصوب ۱۳۹۰ -
ب- مرتکبین فساد: افراد موضوع بند (الف) ماده (۱) قانون که تخلف یا جرم آنان در مراجع صالح اثبات شود.
پ- شورای دستگاه‌های نظارتی: شورای موضوع ماده (۲۸) قانون
ت- پایگاه‌های اطلاعاتی مکانیزه: پایگاه‌های اطلاعاتی موضوع قانون
ث- کمیته: کمیته موضوع بند (الف) ماده (۱) تصویب‌نامه شماره ۱۹۲۰۸۷ / ت ۵۰۳۲۸ هـ مورخ ۱۳۹۲/ ۱۲/ ۲۸

آیین‌نامه اجرایی ماده (۲۶) قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد

ماده ۲- اشخاص حقیقی و حقوقی موضوع ماده (۲) قانون، مشمول این آیین‌نامه می‌باشند.
ماده ۳- تشویق‌های موضوع این آیین‌نامه به شرح ذیل تعیین

ماده ۱- در این آیین‌نامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند:
الف- قانون: قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد-



می‌شود:

ماده ۴- تشویق‌های موضوع این آیین‌نامه در خصوص راه اندازی

پایگاه‌های اطلاعاتی مکانیزه، منوط به رعایت مقررات و ضوابط فنی، اجرایی و امنیتی مصوب شورای عالی فناوری اطلاعات می‌باشد.

ماده ۵- واحدهای منابع انسانی شخص حقوقی با رعایت محرمانه بودن، مسئول انجام مکاتبات و پیگیری هر یک از اقدامات و مراحل مذکور در این آیین‌نامه و اعلام نتیجه آن به ذی‌نفع و مقامات مافوق می‌باشند.

تبصره - مبنای تشخیص تخلف یا جرم حسب مورد، آرای قطعی صادرشده از سوی مراجع رسیدگی به تخلفات انضباطی، انتظامی و اداری و مراجع ذی‌صلاح قضایی است.

ماده ۶- اعتبارات موردنیاز جهت اجرای این آیین‌نامه در وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی موضوع بندهای (الف) و (ب) ماده (۲) قانون در لوایح بودجه سالانه پیش‌بینی و در خصوص شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و سایر اشخاص حقوقی از محل منابع داخلی آن‌ها و با رعایت قوانین و مقررات مربوط قابل پرداخت است.

ماده ۷- دستگاه‌های مشمول این آیین‌نامه موظف‌اند اقدامات انجام‌شده موضوع این آیین‌نامه را به‌صورت سالانه (در پایان هر سال) به شورای دستگاه‌های نظارتی و معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رییس‌جمهور گزارش نمایند.

منبع: ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی

الف- اعطای تقدیرنامه توسط بالاترین مقام اجرایی یا سایر مسئولین ذی‌ربط شخص حقوقی

ب- اعطای یک گروه تشویقی یا طبقه و مانند آن

پ- حق تقدم در انتصاب به مشاغل مدیریتی و یا بالاتر در شرایط مساوی

ت- پرداخت وجه نقدی معادل دو ماه حقوق فرد در زمان پرداخت.

تبصره ۱- میزان تعیین‌شده در بند (ت) متناسب با نوع، میزان و اثرات جرم یا تخلف (فساد) تا شش ماه به تشخیص کمیته و یا مسئولین ذی‌ربط شخص حقوقی قابل‌افزایش است.

تبصره ۲- تشویق موضوع بند (ت) مانع از اعمال سایر بندهای این ماده نمی‌باشد.

تبصره ۳- تشخیص افرادی که در جهت تحقق بندهای ماده (۲۶) قانون اقدام نموده‌اند و تشویق‌های موضوع ماده (۳) به پیشنهاد مدیر ذی‌ربط و یا کمیته و تأیید بالاترین مقام اجرایی شخص حقوقی می‌باشد.

تبصره ۴- کارکنان و مقام‌هایی که حسب وظیفه سازمانی در ارتباط با سلامت نظام اداری و مقابله با فساد انجام‌وظیفه نموده و افراد متخلف را شناسایی و معرفی می‌نمایند، مشمول تشویق‌های مندرج در ماده (۳) این آیین‌نامه نمی‌شوند.



یادداشتی در باب یک ضرورت سازمانی

روح‌الله اسدیان کوهستانی

کارشناس ارشد مدیریت صنعتی، گروه تولید و توسعه اداره کل بازرسی استان تهران

کسب‌شده توسط هیئت‌های بازرسی از حیث انتقال نتایج نمونه گزارش‌های برتر، زمینه ایجاد دانش سازمانی را فراهم آورند. بدین گونه که با تبدیل دانش صریح به دانش ضمنی حضار، گام مثبتی در پرورش حافظه سازمانی برداشته می‌شد. اما از چند وجه می‌توان عیوب این سیاست آموزشی را تبیین نمود یک اینکه حضور کلیه بازرسان در یک ساعت خاص امکان‌ناپذیر است. دوم اینکه نحوه ارائه هر فرد با فرد دیگر به لحاظ تفهیم مطالب متمایز است. سوم اینکه ملاک و معیار انتخاب گزارش برتر برای ارائه به دیگران مشخص نبوده است و ... به‌زعم نگارنده روش فوق می‌تواند مفید واقع شود اگر بتوانیم با رویکرد مدیریت دانشی با آن مواجه شویم. قطعاً همه می‌دانیم سازمان پیشرو و چابک، سازمانی است که به دانش و سرمایه‌های نهفته در تشکیلات خود توجه نماید. سازمان ما پتانسیل تبدیل شدن به این نوع سازمان را دارا است تا بتواند هم در اجرای اصل ۱۷۴ قانون اساسی موفق باشد هم در رفع مشکلات عدیده مردم در نظام اداری کشور. اکنون که فساد اداری و مالی بیش از هر زمان دیگری گریبان گیر نظام مقدس جمهوری اسلامی شده است می‌بایست سازمان با استعانت از مدیریت دانش، ضمن درک اصل تشمت و پراکندگی نظرات، توانایی منظم کردن دانش پراکنده در سرتاسر سازمان را داشته باشد. زیرا وجود منبع دانش معین باعث می‌شود در هر زمان و مکانی تجارب را در اختیار همدیگر قرار دهیم. یعنی سازمان با ایجاد بانکی تحت عنوان "حافظه سازمانی" اقدام به واریز دانش ضمنی و آشکار مدیران و بازرسان در حساب سپرده بلندمدت می‌نماید. حافظه سازمانی شامل اشکال مختلفی از مستندات مکتوب، پایگاه داده و دانش انسانی کدگذاری شده در شکل سیستم‌های خبره، مستندات فرآیندها و رویه‌های سازمانی می‌باشد البته ذکر این نکته ضروری است که رعایت سلسله مراتب اسناد باید مدنظر قرار گیرد. آری! تسهیم و اشاعه دانش باهدف بهره‌برداری از تجارب بازرسی ادارات کل و گروه‌های بازرسی، از راه کانال ارتباطی تعریف‌شده، تشریک‌مساعی و هم‌افزایی حاصل از ترکیب تجربیات و پیش‌زمینه‌های اعضای سازمان امکان‌پذیر است. تسهیم مرحله بالاتری از انتقال می‌باشد زیرا با انتقال دانش جریان متوقف می‌شود اما با تسهیم، جریان پرخروش‌تر خواهد شد. سازمانی که جریان دانش آن مانند رودی خروشان عمل نماید هم در

خصوصیات مدیران بزرگ این است که دور را نگاه می‌کنند ولی نزدیک گام برمی‌دارند. باید بدانیم یک بازرسی خوب و نظارت اثربخش دارای چه ویژگی‌هایی است؟ به چه استانداردهایی نیاز دارد؟ آیا دانش کافی برای انجام آن را دارا می‌باشیم؟ کی و کجا به خطا می‌رویم؟ گلوگاه‌های این امر خطیر کجاست؟ باید بدانیم دلیل وجودی سازمانی که در آن واقع شده‌ایم و نیز ماهیت ساختاری آن چیست. درست است که ما یک سازمان غیررقابتی و منحصر به فرد هستیم اما نباید از این مهم غافل بمانیم که از اهداف اصلی منحرف نشویم!

نظارت و بازرسی دو رو دارد یک روی آن تخصص علمی بازرسان و روی دیگر آن میزان اطلاع از قوانین و مقررات (تجربه) است که اگر این دو باهم تلفیق شوند بازرسی نمره قابل قبولی خواهد گرفت. از روزه‌ای دیگر، مواد اولیه تولید گزارش بازرسی شامل مدیرکل، سر بازرس و بازرسان می‌باشد که در طی فرآیندی گروهی، می‌بایست تمام تلاش خود را برای محصول نهایی باکیفیت به‌منصه ظهور برسانند.

بی‌شک بسیاری از بازرسان عزیز در حین انجام وظایف سازمانی و یا بهتر بگویم انجام مأموریت‌های محوله جهت بررسی انطباق عملکرد دستگاه‌های اجرائی تحت نظارت خود، بارها مراجعات متعددی به دستورالعمل‌ها، آئین‌نامه‌ها، قوانین و مقررات و مواردی از این قبیل داشته و درنهایت با صرف دقت انرژی و زمان زیاد و حسب مستندات و مدارک موجود گزارش بازرسی را تهیه و تنظیم نموده‌اند. ممکن است پس از مدتی بنا به ضرورت، به دانشی که از تجربه بازرسی قبلی به‌دست‌آمده نیاز آنی حاصل شود ولی به‌عللی مانند مشغله کاری، گرفتاری زندگی (درون و برون خانواده) و یا عدم تکرار و بهره‌مندی از قوانین، به‌ندرت مطلبی از داشته‌های سابق در ذهن ما خطور کند. یا در طول مدت انجام بازرسی، دوباره کاری‌های زیادی صورت داده‌اید و چندین مرتبه یک قانون را برای یک موضوع معین خوانده‌اید یا چندین بار از همکار خود در مورد یک موضوع مشخص سؤال پرسیده‌اید، فراموش شدن اندوخته‌ها خود یک معضل سازمانی است. به یاد دارم در یک مقطع زمانی، سازمان با رویکرد آموزشی جالب و نوآور سلسله نشست‌هایی و همایش‌هایی را با عنوان "یک تجربه، یک بازرسی" برگزار می‌نمود تا با تبادل اطلاعات

ادبیات و فرهنگ مشترک برسیم. حضرت علی (ع) می فرمایند: نزدیک ترین دشمن به تو، خودتویی. پرواضح است که باید با دشمن "تکروی" به مقابله برخیزیم.

اکنون صحبت از "جمع سالاری" است، جمع سالاری در تعریف ساده اش یعنی همه پایین نردبان هستیم و باهم فکر می کنیم نردبان را کجا قرار دهیم که با آن بتوانیم بالا برویم و به مقصد برسیم. باید رویکرد سیستمی داشت. در امر بازرسی باید به کلان مسائل پرداخت. سطحی نگری آفت افکار است. دو مفهوم مدام در حال رقابت هستند یکی یادگیری و دیگری فاجعه! با یادگیری می توانی فاجعه را به تعویق بندازی و اگر یاد نگیری نابودی حتمیست، به لحاظ گفتار غنی ولی به لحاظ عمل در فقر بسر می بریم. باید در رفتارهای ما ایمان و اصالت متبلور شود، دوگانه رفتار نکنیم پست ترین کارها نزد خدا آن است که بگویی انجام می دهم ولی قید آن را بزنی. سازمان ما معدن مدیران و بازرسان نیست که نباید به راحتی آن ها را از دست بدهیم. آن ها مردان عمل هستند. خداوند آقای خبره را قرین رحمت الهی بگرداند باید هوشمند عمل نمائی ام تجارب افرادی مثل ایشان نباید به سادگی از دست برود شاید زمانی متوجه این مهم شویم که کار از کار گذشته است. اگر این سرمایه ها را به درستی مدیریت نمائی ام درواقع مدیریت دانش را به کاربردیم. درواقع اکنون ما یک دانشمند بازرسی را نزد خود نداریم. باید افراد لایق در سازمان را کشف نمود و آن ها را دریابیم، شعار رئیس دانشکده مدیریت هاروارد این است: "لیاقت"

البته به زعم این جانب خلیقات قبل از لیاقت قرار می گیرد. ندیدن عیب خود بدترین عیب است. همگان می دانیم هیچ انسانی کامل نیست پس برای بلوغ و تکامل یک نوع خودشناسی انتقادی و خود نوزایی انقلابی می خواهیم. مریدیت و مدیریت لازم و ملزوم هستند. اگر مرئوس از رئیس اخلاص عمل ببیند مرید می شود. اینجا فرهنگ رفتن به صورت فردی فرهنگ رایج است باید شالوده شکنی کرده و در تیم های بازرسی روحیه همکاری، همفکری و همنوایی را آموزش دهیم. به تنهایی عالم نیستیم بازرس نیستیم، علم ناقص از نادانی بدتر است. پس بدانیم چگونه کنار هم کار کنیم. درد مشترک داریم لذت مشترک نداریم چون غیر سیستمی فکر می کنیم باید کمک کنیم عقب ماندگی را جبران کنیم مشکل فرهنگ اداری ما آن است که سریع تمایل به تقسیم تفکیک، جدایی و مرزبندی داریم و برای هم غریبه می شویم، بله! نباید این طور باشد! همه با یک شعار اینجا دورهم جمع آمده ایم و آن اجرای دقیق اصل ۱۷۴ قانون اساسی است و دیگر هیچ.

هزینه های صرفه جویی کرده هم بهره وری را افزایش داده است. بهره وری نیروی انسانی، بهره وری زمان و کار و درمجموع بهره وری کل همزمان به طور چشمگیری تغییر خواهد یافت. دانشی که نزد تک تک ما بازرسان وجود دارد به خودی خود ارزشمند نیست بلکه زمانی ارزشمند است که به کار گرفته شود. به نظر شما دانش موجود در سازمان به طور مفید در جهت منفعت سازمان به کار گرفته می شود یا خیر؟ سازمان با طرح های تشویقی و انگیزشی باید از بسته های دانشی تحت اختیار بازرسان که همانا سرمایه های فکری محسوب می شوند استفاده نماید این منبع عظیم ناملموس و نامشهود در سازمان اگر بدین گونه بالقوه بماند حرکت سازمان در مبارزه با فساد و افراد متخلف کند خواهد شد.

به اعتقاد را قم سطور، اگر از سرمایه انسانی درست استفاده نشود، اگر کارکنان دانشی توسط سازمان به کار گرفته نشوند و اگر متناسب جانمایی نگردند دانش و مهارت موجود در مغز آن ها نمی تواند فعال شود و به صورت ارزش بازاری درآید. التفات به موضوعات مطروحه باعث شایستگی کارکنان می شود. همچنین باید به سطح تحصیلات، مهارت ها و تجارب کارکنان استخدام شده نیز توجه نمود. کسب هویت از ارزش های سازمانی و افزایش میزان رضایت و استفاده از افکار و ایده های خلاقانه کارکنان، راهکارهای تقویت موتور سازمان است.

می دانیم مهارت و توانمندی بازرسان در انجام وظایف بیشتر از راه تجربه کسب می شود هر چند می تواند از راه تحصیلات توسعه یابد. پیش شرط بروز شایستگی های کارکنان، نگرش سازمان به آن هاست. باید با ذخیره سازی دانش، سرمایه سازمانی تشکیل بدهیم، سرمایه ای که در پایگاه داده ها، دستورالعمل ها و غیره ذخیره می شوند. دستورالعمل های اجرای فرآیندها، استراتژی ها، برنامه های اجرایی و هر آنچه که ارزش آن برای سازمان بالاتر از ارزش مادی اش باشد.

در مقاله ای پیرامون مدیریت بازار، کلیدواژه ای وجود داشت با این مضمون: "مدیریت تجارب مشتریان" که در آن فرم های ثبت اطلاعات مشتری برای پیگیرهای آتی تکمیل می گردید تا ارتباط مستمری با آن ها برقرار شود. بنابراین می توانیم با تعریف فرآیندی تحت عنوان "مدیریت تجارب مدیران و بازرسان" استفاده نمائی ام یعنی ارتباط مستقیم با تجارب آنان. مدیران و بازرسان این سازمان برند سازمان هستند. پس اگر فرهنگ سازمان حمایتی باشد عملکرد فکری و ذهنی بهتر خواهد داشت. با توجه به ماهیت سازمان ما، که نه تجاری و نه تولیدی است و بسیاری از شاخص ها و عملگرهای چنین سازمان هایی را ندارد و درواقع به دنبال سودآوری و جذب مشتری نمی باشیم پس باید در تدوین استراتژی نظارتی پویا، به

دیوان عدالت اداری در یک نگاه

شعب دیوان، در جایگاه خواهان قرار گیرند، چراکه طبق رأی وحدت رویه شماره ۳۷، ۳۸ و ۳۹ هیئت عمومی دیوان عدالت مصوب ۱۳۶۸، ۷، ۱۰، «نظر به این که در اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منظور از تأسیس دیوان عدالت اداری رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدهای دولتی تصریح گردیده و با توجه به معنی لغوی و عرفی کلمه مردم، واحدهای دولتی از شمول مردم خارج و به اشخاص حقیقی



قوه قضائیه دیوان عدالت اداری

در اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی آمده است: «به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آئین نامه های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می کند.» بر این اساس، در قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵، قانون گذار مقرر داشته است:

الف) رسیدگی به شکایات، تظلمات و

یا حقوقی حقوق خصوصی اطلاق می شود و مستفاد از بند یک ماده ۱۱ دیوان [قانون مصوب ۱۳۶۰] نیز اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی می باشند. علی هذا شکایات و اعتراضات واحدهای دولتی در هیچ مورد قابل طرح و رسیدگی در شعب دیوان عدالت اداری نمی باشد.

در رابطه با اعتراض به مقررات و نظامات دولتی و شهرداری ها در هیئت عمومی دیوان، طبق ذیل اصل ۱۷۰ قانون اساسی، «هرکس»، اعم از اشخاص حقیقی یا حقوق خصوصی و حقوق عمومی می تواند ابطال مقررات «مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه» را درخواست نماید.

اعتراضات مردم نسبت به مأمورین و ادارات و آئین نامه های دولتی، در صورتی که تصمیمات، اقدامات یا مقررات با قانون یا شرع مخالفت داشته باشند یا خارج از حدود اختیارات مقام تصویب کننده باشند، در قلمرو صلاحیت دیوان عدالت اداری خواهند بود؛ به عبارتی دیگر، در صورتی که «تصمیمات یا اقدامات یا مقررات مذکور به علت برخلاف قانون بودن آن و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوءاستفاده از اختیارات یا تخلف در اجرا قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص می شود»، قابل اعتراض باشند، موضوع صلاحیت دیوان خواهند بود.

ب) تنها اشخاص حقیقی یا حقوقی حقوق خصوصی می توانند در

پ) «تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آن‌ها» و همچنین «تصمیمات و اقدامات مأموران واحدهای مذکور ... در امور راجع به وظایف آن‌ها» می‌توانند موضوع شکایت در شعب دیوان عدالت اداری قرار گیرند. به موجب «قانون تفسیر ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری در رابطه با قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی» مصوب ۱۳۷۴، «رسیدگی به شکایات علیه نهادهای عمومی احصاء شده در قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی نیز در صلاحیت دیوان عدالت اداری می‌باشد.» بر این اساس، شعب دیوان عدالت اداری صالح به رسیدگی دعاوی علیه سازمان‌های غیردولتی مردم‌نهاد (NGO ها) که در زمره نهادهای حقوق خصوصی هستند و ارتباط ارگانیکی با دولت ندارند، نیستند. در مواردی که تصمیمات و اقدامات موضوع شکایت در صلاحیت شعب دیوان هستند، شعبه رسیدگی کننده چنانچه تشخیص دهد که این اعمال موجب تضییع حقوق اشخاص شده‌اند، حکم مقتضی مبنی بر نقض رأی یا لغو اثر از تصمیم و اقدام مورد شکایت یا الزام طرف شکایت به اعاده حقوق تضییع شده، صادر می‌نماید.

علاوه بر این، به موجب بندهای (۲) و (۳) ماده ۱۳ قانون دیوان، رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی مراجع اختصاصی اداری منحصرأ از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آن‌ها و رسیدگی به شکایات قضات و مشمولین قانون استخدام کشوری [در حال حاضر، قانون مدیریت خدمات کشوری] و سایر مستخدمان واحدها و مؤسسات مذکور در بند (۱) ماده ۱۳ و مستخدمان مؤسساتی که شمول این قانون نسبت به آن‌ها محتاج ذکر نام است اعم از لشکری و کشوری از حیث تضییع حقوق استخدامی، در قلمرو صلاحیت شعب دیوان عدالت اداری است. البته لازم به ذکر است طبق تبصره ۲ ماده مذکور، «تصمیمات و آراء دادگاه‌ها و سایر مراجع قضائی دادگستری و نظامی و دادگاه‌های انتظامی قضات دادگستری و نیروهای مسلح قابل شکایت در دیوان عدالت اداری نمی‌باشد.»

ت) به موجب ماده ۱۹، «رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از: آئین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها از حیث مخالفت مدلول آن‌ها با قانون و احقاق حقوق اشخاص»، «صدور رأی وحدت رویه در مورد آراء متناقض صادره از شعب دیوان» و «صدور رأی وحدت رویه در صورتی که نسبت به موضوع واحد، آراء مشابه متعدد صادر شده باشد»، در هیئت عمومی دیوان صورت می‌گیرد. البته لازم به ذکر است که «رسیدگی به تصمیمات قضائی قوه قضائیه و مصوبات و تصمیمات شورای نگهبان قانون اساسی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان، شورای عالی امنیت ملی و شورای عالی انقلاب فرهنگی از شمول این ماده خارج است.» در مواردی که مقررات و نظامات دولتی و شهرداری‌ها مورد اعتراض قرار می‌گیرند، چنانچه هیئت عمومی اعتراض را وارد بداند، می‌تواند تمام یا قسمتی از مصوبه را ابطال نماید. «اثر ابطال مصوبات از زمان صدور رأی هیئت عمومی است مگر در مورد مصوبات خلاف شرع یا در مواردی که به منظور جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص، هیئت مذکور اثر آن را از زمان تصویب مصوبه اعلام نماید.»

۳- آشنایی با ساختار تشکیلاتی و گستره دیوان عدالت اداری در سطح کشور

طبق قانون مصوب ۱۳۸۵، «دیوان عدالت اداری ... در تهران مستقر می‌باشد. تعیین تعداد شعب دیوان، به پیشنهاد رئیس دیوان و تصویب رئیس قوه قضائیه است.» بر این اساس، دیوان عدالت اداری متمرکز است و سازمان اقماری یا وابسته به خود ندارد. دیوان همانند سازمان بازرسی کل کشور، از سازمان‌هایی است که زیر نظر رئیس قوه قضائیه اداره می‌شود و همچنان که از مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برمی‌آید دیوان عدالت، یکی از مراجع خاص قضایی است که به نوع بخصوصی از تظلمات و شکایات، یعنی تظلمات و شکایات مردم نسبت به مقررات، مأموران و واحدهای دولتی رسیدگی می‌نماید و این موضوع که دعاوی مورد رسیدگی در دیوان، «فی‌نفسه واجد ماهیت قضائی» (مدنی و کیفری) نیستند، بلکه اختلافاتی هستند که از «ماهیت اداری» برخوردارند، موجبی برای شبهه در قضایی بودن نهاد دیوان عدالت نخواهد بود. آراء وحدت رویه شماره ۸۵۱)

۸۷،۱۲،۱۱) و ۴۸۳ (۸۷،۷،۲۸) هیئت عمومی دیوان عدالت اداری] با وجود این که دیوان، نهادی متمرکز است، اما به موجب جزء (۲) بند (ز) ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹، به منظور تسهیل در رسیدگی به پرونده ها و ارتقاء کیفیت رسیدگی به پرونده ها، قوه قضائیه مکلف شده است تا از محل منابع و امکانات موجود نسبت به ایجاد دفاتر نمایندگی استانی دیوان عدالت اداری در محل دادگستری استان ها اقدام کند. همچنین در لایحه تشکیلات و آیین دادرسی دیوان که در مجمع تشخیص مصلحت نظام تحت بررسی است، «دفاتر نمایندگی استانی دیوان» پیش بینی شده اند. به موجب این لایحه، دفاتر مزبور، کارویژه های «راهنمایی و ارشاد مراجعان، پذیرش و ثبت دادخواست ها و درخواست شکایان، ابلاغ نسخه دوم شکایات یا آرای صادر شده از سوی دیوان در حوزه آن دفتر که از طریق نمابر یا پست الکترونیکی یا به هر طریق دیگری از دیوان دریافت کرده اند و انجام دستورات واحد اجرای احکام دیوان در حوزه مربوط به آن دفتر» را بر عهده دارند.

در حال حاضر با توجه به قانون دیوان مصوب ۱۳۸۵، رئیس دیوان با حکم رئیس قوه قضائیه منصوب می شود و کار ویژه های قضایی واداری مذکور در قانون را بر عهده دارد. وی می تواند به تعداد مورد نیاز معاون و مشاور داشته باشد.

همچنین به موجب ماده ۵ قانون مزبور، «تشکیلات قضایی واداری دیوان، توسط رئیس دیوان پیشنهاد و به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد.» که بر این اساس، ساختار تشکیلات قضایی دیوان عدالت اداری عبارت است از:

الف) شعب دیوان: در حال حاضر ۳۳ شعبه در دیوان به فعالیت مشغول اند. هر شعبه دیوان دارای یک رئیس و دو مستشار است. رئیس دیوان که با حکم رئیس قوه قضائیه منصوب می شود، رئیس شعبه اول دیوان نیز می باشد. قضات دیوان به پیشنهاد رئیس دیوان و با حکم رئیس قوه قضائیه منصوب می شوند. قضات دیوان باید دارای پانزده سال سابقه کار قضائی باشند. در مورد قضات دارای مدرک کارشناسی ارشد یا دکتری در یکی از گرایش های رشته حقوق یا مدارک حوزوی معادل، داشتن ده سال سابقه کار قضائی

کافی است. قضات شاغل در دیوان و قضاتی که حداقل پنج سال سابقه کار قضائی در دیوان دارند، از شمول این حکم مستثنا هستند. در صورتی که مرخصی یا عدم حضور رئیس شعبه به مدت بیش از دو هفته متوالی، یکی از دادرسان علی البدل با ابلاغ رئیس دیوان جایگزین وی می شود. همچنین هرگاه رئیس شعبه اول در رأی شرکت نداشته باشد، با ابلاغ وی یکی از دادرسان علی البدل در رسیدگی و صدور رأی مشارکت می نماید.

ملاک در صدور رأی در شعب دیوان، نظر اکثریت است. آراء صادره توسط شعب دیوان قطعی است. شعب دیوان می توانند در صورتی که لازم تشخیص بدهند، از نظرات کارشناسان موضوع ماده ۹ قانون دیوان استفاده نمایند. به موجب این ماده، «تعدادی کارشناس از رشته های مورد نیاز دیوان که حداقل دارای ده سال سابقه کار اداری و مدرک کارشناسی یا بالاتر باشند، به عنوان مشاور دیوان تعیین می شوند. در صورت نیاز به مشاوره و کارشناسی، به درخواست شعبه، پرونده به مشاور یا مشاوران ارجاع می شود. شعبه پس از ملاحظه نظر مزبور مبادرت به صدور رأی می نماید.

تبصره ۱ - مشاوران موضوع این ماده لازم است علاوه بر شرط علمی و سابقه کار مندرج در این ماده، دارای شرایط مذکور در بندهای (۱) تا (۴) ماده واحده قانون شرایط انتخاب قضات مصوب ۱۳۶۱، ۲، ۱۴ نیز باشند.

تبصره ۲ - مشاوران مزبور پس از احراز صلاحیت با حکم رئیس قوه قضائیه به صورت استخدام رسمی یا قراردادی منصوب می شوند و حقوق و مزایای آنان برابر با حقوق و مزایای دادرسان علی البدل دیوان خواهد بود.»

ب) شعب تشخیص: به منظور تجدیدنظر در آراء شعب دیوان در مواردی که در مواد ۱۶، ۱۸، ۳۷ و ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری مشخص شده است، شعب تشخیص دیوان که در حال حاضر، دو شعبه تشخیص در دیوان وجود دارد، از یک رئیس یا دادرس علی البدل و چهار مستشار تشکیل یافته است و ملاک در صدور رأی، نظر موافق حداقل سه عضو است.

بر این اساس، اولاً «در صورتی که حداقل یکی از دو قاضی یا دو قاضی از سه قاضی صادر کننده رأی، متوجه اشتباه شکلی یا ماهوی



شعب تشخیص پس از رسیدگی به پرونده‌های موجود، منحل و شعب تجدیدنظر جایگزین آن خواهند شد.

پ) هیئت عمومی دیوان: طبق ماده ۱۱ قانون دیوان، «هیئت عمومی دیوان به منظور ایفاء وظایف و اختیارات مندرج در این قانون، با شرکت حداقل دوسوم قضات دیوان به ریاست رئیس دیوان و یا معاون قضائی وی تشکیل می‌شود و ملاک در صدور رأی، نظر اکثریت اعضای حاضر می‌باشد.»

وظایف و اختیارات این هیئت در ماده ۱۹ به ترتیب ذیل مقرر شده‌اند:

«۱- رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از: آئین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها از حیث مخالفت مدلول آن‌ها با قانون و احقاق حقوق اشخاص در مواردی که تصمیمات یا اقدامات یا مقررات مذکور به علت برخلاف قانون بودن آن و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوءاستفاده از اختیارات یا تخلف در اجرا قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود.

۲- صدور رأی وحدت رویه در مورد آراء متناقض صادره از

شعب دیوان.

۳- صدور رأی وحدت رویه در صورتی که نسبت به موضوع واحد،

آراء مشابه متعدد صادر شده باشد.»

در رسیدگی خود شوند، ضمن اعلام نظر مستند و مستدل مکتوب، پرونده را جهت ارجاع به شعبه تشخیص به دفتر رئیس دیوان ارسال می‌نمایند.» ثانیاً، «در صورتی که رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان، آراء دیوان را واجد اشتباه بین شرعی یا قانونی تشخیص دهد، موضوع جهت بررسی به شعبه تشخیص ارجاع می‌شود. شعبه مزبور در صورت وارد دانستن اشکال، اقدام به نقض رأی و صدور رأی مقتضی می‌نماید.» ثالثاً، «در صورتی که محکوم‌علیه از اجرا رأی استنکاف نماید بارأی شعبه صادرکننده حکم، به انفصال موقت از خدمات دولتی تا پنج سال و جبران خسارت وارده محکوم می‌شود. رأی صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعبه تشخیص دیوان می‌باشد.» و رابعاً، در موارد صدور رأی وحدت رویه در رابطه با آراء متعارض، «در مورد احکامی که در هیئت عمومی مطرح و غیر صحیح تشخیص داده می‌شود شخص ذی‌نفع ظرف یک ماه از تاریخ درج رأی در روزنامه رسمی حق تجدیدنظرخواهی در شعب تشخیص را دارد و شعبه تشخیص موظف به رسیدگی و صدور رأی بر طبق رأی مزبور است.» شعب تشخیص علاوه بر صلاحیت‌های مزبور، صلاحیت رسیدگی به سایر پرونده‌ها را نیز دارند.

لازم به ذکر است مجلس شورای اسلامی در لایحه تشکیلات و آیین دادرسی دیوان، شکل‌گیری دوباره شعب تجدیدنظر در دیوان را تصویب نموده است که با نهایی و لازم‌الاجرا شدن این مصوبه،

به موجب تبصره ماده ۱۱ قانون دیوان، «مشاوران موضوع ماده ۹) این قانون می‌توانند با دعوت رئیس دیوان بدون حق رأی، در جلسات هیئت عمومی شرکت کرده و در صورتی که لزوم نظرات کارشناسی خود را مطرح نمایند.»

علاوه بر این لازم به ذکر است در کنار هیئت عمومی دیوان، از سال ۱۳۸۵، کمیسیون‌هایی تخصصی شکل گرفته‌اند که پرونده‌هایی که با موضوع اعلام تعارض و تناقض آرای صادره از شعب دیوان یا ابطال آیین نامه‌ها، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های دولتی به هیئت عمومی ارجاع می‌شود، قبل از طرح و بررسی و صدور رأی بر اساس موضوع مربوط بین این کمیسیون‌ها تقسیم می‌شود و اعضای کمیسیون، مدیران ارشد یا کارشناسان سازمان‌های دولتی مرتبط با موضوع در جلسات هفتگی هر یک از کمیسیون‌ها، به بحث و بررسی و اظهارنظر کارشناسی در خصوص هریک از پرونده‌ها می‌پردازند. در نتیجه پس از یک یا چند جلسه مشورتی و کارشناسی نسبت به اتخاذ و اعلام نظریه کارشناسی اقدام می‌نمایند. این نظریه در صحن هیئت عمومی دیوان از سوی مخبر کمیسیون به اطلاع کلیه حضار می‌رسد و قضات شرکت‌کننده در هیئت عمومی بر اساس نظریه کارشناسی و تخصصی اعلام‌شده صدور رأی می‌کنند. همچنین علاوه بر پرونده‌های هیئت عمومی، پرونده‌های مطرح‌شده در شعب دیوان و از جمله شعب تشخیص در صورت پیچیدگی، ابهام و نیاز به اظهارنظر کارشناسی و تبادل نظر با مدیران ارشد و کارشناسان سازمان‌های دولتی در کمیسیون‌ها طرح و تحت بررسی قرار می‌گیرد. نهاد کمیسیون‌های تخصصی دیوان در بند (ل) از ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد تأیید قانون‌گذار قرار گرفته است. در این بند آمده است: «دیوان عدالت اداری مکلف است از طریق تقویت کمیسیون‌های تخصصی و افزایش تعداد مشاوران و کارشناسان و برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی قضات ضمن افزایش تعامل با دستگاه‌های اجرائی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۵) قانون محاسبات عمومی کشور و اشراف به موضوعات تخصصی مورد شکایت، افزایش دقت و سرعت رسیدگی به پرونده‌ها و کاهش زمان دادرسی را فراهم

ت) واحد اجرای احکام: طبق ماده ۱۲ قانون دیوان، «به‌منظور اجرا احکام صادره از شعب دیوان، واحد اجرا احکام زیر نظر رئیس دیوان یا یکی از معاونان وی تشکیل می‌شود و تعدادی دادرسی علی‌البدل اقدام به اجرا احکام صادره می‌نمایند.» به موجب ماده ۳۵ همین قانون، ترتیب اقدام واحد مزبور به‌قرار زیر است: «در صورت استنکاف شخص یا مرجع محکوم‌علیه از اجرا رأی، شعبه صادرکننده رأی، به درخواست محکوم‌له، موضوع را به رئیس دیوان منعکس می‌کند. رئیس دیوان یا معاون او مراتب را جهت اجرا به یکی از دادرسان واحد اجراء احکام ارجاع می‌نماید.» در خصوص ساختار تشکیلات اداری دیوان عدالت نیز به‌موجب مصوبه اخیر ریاست محترم قوه قضاییه (۹۰،۷،۱۳)، این ساختار به ترتیب زیر می‌باشد:

الف) ریاست دیوان: علاوه بر معاونت‌های مختلفی که زیر نظر ریاست دیوان به فعالیت مشغول‌اند، «حوزه ریاست و روابط عمومی»، «دفتر برنامه ریزی، آمار و فناوری اطلاعات» و «دفتر حفاظت و اطلاعات» از واحدهای زیر نظر ریاست دیوان هستند. ب) معاونت قضایی (امور شعب و استان‌ها): به‌موجب نمودار سازمانی مصوب، در زیرمجموعه این معاونت، دو اداره کل «دبیرخانه و امور استان‌ها» و «امور شعب» فعالیت خواهند داشت. پ) معاونت قضایی (امور هیئت عمومی): «اداره کل هیئت عمومی» و «اداره کل کمیسیون‌های تخصصی» واحدهای زیرمجموعه این معاونت به شمار می‌آیند.

ت) معاونت قضایی (آموزشی و پژوهشی): در این معاونت، «اداره کل آموزش» و «دفتر پژوهش» به فعالیت می‌پردازند. ث) معاونت قضایی (امور اجرای احکام و نظارت و ارزشیابی): «اداره کل ابلاغ و اجرای احکام» و «دفتر نظارت و ارزشیابی» واحدهای زیرمجموعه این معاونت هستند.

ج) معاونت حفظ و توسعه منابع: در زیرمجموعه این معاونت، سه اداره کل «امور اداری»، «امور مالی» و «پشتیبانی و رفاه» فعالیت می‌کنند.

گذری بر حقوق عابران پیاده در سواره‌روها

فرشید بهربر

کارشناس حقوق قضایی

مقصر قلمداد کنند.

دوره‌ای از زمان عابر پیاده از خیابان‌ها و کوچه‌ها بر وسایط نقلیه موتوری مقدم بود و حقوق آن‌ها به‌عنوان حق اصلی و اولیه شناخته می‌شد. به این جهت، عابر پیاده حق داشت هرگونه که بخواهد از خیابان عبور کند، مگر آن‌که مزاحمت ایجاد کند و سد معبر شود. اما رانندگان به دلیل آن‌که شمارشان اندک و دارای پدیده جدیدی بودند، ناگزیر باید استفاده از خیابان را با حرکت عابر پیاده تنظیم می‌کردند، تا جایی که عابر پیاده هرگونه که در خیابان حرکت می‌کرد و راننده به او آسیب می‌رساند، بازهم راننده ضامن بود. با افزایش وسایل نقلیه موتوری و ضرورت استفاده از آن‌ها در زندگی شهری و غیرشهری، قوانین بیشتری برای تأمین حقوق عابر پیاده و همچنین راننده وضع گردید و حقوق عابر پیاده و اندکی نیز حقوق رانندگان موردتوجه قرار گرفت. برخی از آن قوانین در خصوص دیات بود.

برابر ماده ۲۱۵ آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی عابر نایبستی در محل‌هایی که پیاده‌رو وجود دارد از سطح سواره‌رو استفاده کنند پیاده‌رو محل عضو عابر پیاده می‌باشد حتی اگر در محل‌هایی که پیاده‌رو وجود ندارد یا غیرقابل تردد است عابر باید از منتهی‌الیه سمت چپ سواره‌رو و عکس جهت حرکت وسایل نقلیه عبوری حرکت کند و همچنین برای گذشتن از عرض راه‌ها، تنها از سه گذرگاه پیاده، پل هوایی و زیرزمینی مجاز است که عبور کند. در ضمن از دویدن، پریدن و ورود ناگهانی به سطح سواره‌رو خودداری نماید و مراقب حرکت وسایل نقلیه باشد. نباید از حصار آزادراه گذر کند و در بزرگراه‌ها و خیابان‌ها به‌هیچ‌وجه از لابه‌لای درختان و گل‌بوته‌های حاشیه و میانه راه و خارج از گذرگاه تعیین‌شده عبور نکنند. از موانع و خط‌کشی خطوط ویژه، سواره‌رو خیابان‌ها و

عابر پیاده به فردی گفته می‌شود که یک مسافت را با پا به‌صورت پیاده‌روی یا دو طی می‌کند. در بعضی از جوامع افرادی که از وسایل سبک و کم‌سرعتی مانند: اسکیت برد، ویلچر، اسکوتر و موارد مشابه برای حمل‌ونقل استفاده می‌کنند نیز جزو عابر پیاده محسوب می‌گردند. در قوانین کنترل ترافیک و قوانین شهرسازی عابر پیاده حق و حقوق خاص به خود رادار است و برای وی امکانات خاصی در طراحی شهری و ترافیکی در نظر می‌گیرند.

سال‌هاست که مردم تصور می‌کنند که در صورت تصادف یک خودرو با عابر پیاده، اتومبیل ۱۰۰ درصد مقصر خواهد بود. اما این‌طور نیست! در صورتی که عابر پیاده با وسیله نقلیه‌ای برخورد کند کارشناسان رسمی دادگستری می‌توانند عابر پیاده را در تصادف



می‌شد،

چنان‌که می‌بینیم مفاد کلی عبارت فوق آن است که راننده در هر شرایطی با عابر پیاده تصادف کند، مقصر است، دیگر مصداقی ندارد. شاید قانون‌گذار در وضع این قوانین به نکات زیر توجه داشته است:

نخست: استفاده عابر پیاده را از خیابان و جاده اصل قرار داده و این نیز بدان جهت است که عابر پیاده پیش از پیدایش ماشین از کوچه و خیابان استفاده می‌کرد و در ضمن، کرامت انسانی بر ماشین تقدم دارد.

دوم: خطرناک بودن وسیله موتوری و عدم نگهداری دارنده و راننده را اماره بر تقصیر دانسته است.

سوم: این قوانین را بر اساس قوانین دیات وضع کرده است و بر اساس قانون دیات هر کس جراحاتی بر دیگران وارد کند و یا مرتکب قتل خطایی شود، باید دیه پرداخت کند و حوادث رانندگی را مصداق قانون دیات دانسته است.

چهارم: سیستم شهرسازی قدیم ایجاب می‌کرده که خیابان‌ها و کوچه‌ها تنگ و باریک باشند و برحسب نیاز عابر پیاده و وسایل نقلیه تقسیم نشوند.

پنجم: شمار وسایل نقلیه اندک و عابر پیاده بسیار بوده و حقوق اکثریت بیشتر مورد توجه واقع شده است.

ششم: نگرش ابزاری به وسایل نقلیه که موجب خسارت و قتل و صدمه‌های بدنی می‌شود و این ابزار در کنترل و اختیار راننده است و او می‌تواند از ایجاد خسارت جلوگیری کند.

این امور باعث شد تا حقوق عابر پیاده بیشتر مورد توجه قرار گیرد و برای آن‌که عدالت نیز رعایت شود، راننده را ملزم نمود که احتیاط کند، مهارت داشته باشد و مقررات دولتی را رعایت کند که یکی از آن‌ها داشتن گواهی‌نامه و سرعت مجاز است.

سرعت مجاز در شهرها و جاده‌ها عبارت است از سرعتی که راننده بتواند در هر شرایطی و در کوتاه‌ترین زمان، وسیله نقلیه موتوری را کنترل و متوقف کند یعنی اگر عابر پیاده هر لحظه، بدون توجه یا با توجه وارد خیابان شد، راننده بتواند از تصادف با او جلوگیری کند.

میدان‌ها نیز عبور نکنند. عابرین در سواره روی خیابان، برای سوار شدن به وسیله نقلیه و همچنین صحبت کردن یا خرید و فروش با راننده یا سرنشینان وسایل نقلیه، توقف نکنند و در تقاطع با روشن شدن چراغ سبز مقابل خود (چراغ عابر) حرکت نکنند.

در ماده هشت قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جریمه رانندگی مصوب ۱۳۵۰/۳۰/۳۰ نیز آمده است: در صورتی که عابر پیاده در عبور از سواره‌رو و معابر و خیابان‌ها جز از نقاطی که خط‌کشی شده و مخصوص عبور عابر پیاده است (محل مجاز) از محل دیگری (محل‌های غیرمجاز) عبور کند، متخلف شناخته می‌شود و مکلف به پرداخت جریمه مقرر در آیین‌نامه است و در صورتی که در این قبیل نقاط غیرمجاز وسیله نقلیه موتوری با عابر پیاده تصادف کند راننده وسیله نقلیه در صورتی که تمامی مقررات راهنمایی و رانندگی را رعایت کرده باشد، مقصر شناخته نمی‌شود. بنابراین خودرو ۱۰۰ درصد مقصر نیست.

طبق ماده ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هرگاه شخصی در محل‌هایی که توقف در آن‌ها مجاز نیست، توقف نماید یا شیء و یا حیوانی را در این قبیل محل‌ها مستقر سازد یا چیز لغزنده‌ای در آن قرار دهد و دیگری بدون توجه به آن‌ها در اثر برخورد یا لغزش مصدوم شود یا فوت کند یا خسارت مالی ببیند، شخص متوقف یا کسی که آن شیء یا حیوان را مستقر نموده یا راه را لغزنده کرده است، ضامن دیه و سایر خسارات می‌باشد مگر آنکه عابر با وسعت راه و محل عمداً با آن برخورد کند که در این صورت نه فقط خسارت به او تعلق نمی‌گیرد بلکه عهده‌دار خسارت وارده نیز می‌شود.

در محکومیت بالا، برخاسته از دو نوع تجاوز به حقوق دیگران است که دو ماهیت مختلف جزایی و مدنی دارد. البته مجازات زندان، پس از گذشت شاکی خصوصی از حقوق مدنی خود، قابل بخشش است.

برحسب مفهوم، اگر راننده با رعایت مقررات، با عابر پیاده برخورد کند و خسارت‌های جانی، مالی و بدنی وارد شود، مقصر نیست و نباید مجازات شود. پس او نیز همانند عابر پیاده در عبور از خیابان حقی دارد و لازم بود آن موارد نیز در مواد بعدی آن قانون بیان

بزرگراه یا خیابان بزرگ دقت کنید بازهم ممکن است برخی رانندگان خودروهای عبوری، سرعت مجاز را رعایت نکنند. مسیر رفت و آمد را طوری تنظیم کنید که حتماً از پل‌های عابر و زیرگذرها برای عبور از عرض معابر شهری استفاده کنید.

تخلف سوم - بی‌توجهی به چراغ قرمز خیابان

برخی مردم بدون توجه به چراغ قرمز اقدام به عبور از خیابان می‌کنند و علاوه بر اینکه در تردد منظم خودروها اختلال به وجود می‌آورند، ممکن است دچار حادثه نیز شوند. صبر، گم‌شده امروز بسیاری از شهرنشین‌هاست. عجله و شتاب نخستین دلیل بی‌توجهی به چراغ قرمز از سوی عابران پیاده است که جزو تخلف‌های حادثه‌ساز محسوب می‌شود. البته قانون برای آن‌هم جریمه پیش‌بینی کرده، هرچند این قانون چندان اجرا نمی‌شود. اگر منتظر سبز شدن چراغ عابر پیاده بمانید، هم جانتان را از خطر سوانح رانندگی حفظ می‌کنید، هم یک شهروند قانون‌مدار خواهید بود.

تخلف چهارم - ورود ناگهانی به سطح سواره‌رو

شاید یکی از پرخطرترین موارد تخلف عابران پیاده، پریدن و ورود ناگهانی به سطح سواره‌رو باشد که همواره وحشتناک‌ترین تصادف‌ها را به دنبال داشته است. اگر بی‌محابا وارد معبر شهری شوید و تصادف کنید، قانون بدون هیچ تعارفی شما را مقصر خواهد دانست. خطرناک‌ترین کار ممکن پریدن از روی نرده‌های وسط بزرگراه‌ها، خطوط ویژه اتوبوس‌ها و اطراف چهارراه‌های اصلی شهر است. با این کار، اگر حادثه‌ای هم رخ ندهد، باعث ایجاد بی‌نظمی در تردد خودروها و در نهایت ایجاد ترافیک می‌شود. عجله نکنید و خودتان را به گذرگاه‌های مخصوص عابران برسانید.

بی‌توجهی عابران پیاده به مقررات راهنمایی و رانندگی، یکی از مهم‌ترین چالش‌های پلیس در حوزه ترافیک است و به واسطه تخلف‌هایی که در این رابطه صورت می‌گیرد، حوادث ترافیکی متعددی به وقوع می‌پیوندد. مروری بر آمار و ارقام سازمان پزشکی قانونی، نگرانی‌ها در این زمینه را افزایش می‌دهد. بر اساس آمار، ۴۴ درصد متوفیان حوادث رانندگی، عابران پیاده هستند که بسیاری از آن‌ها به دلیل بی‌توجهی به مقررات جان خود را از دست داده‌اند و در بین استان‌های کشور، تهران در این زمینه رکورددار است.

مهم‌ترین تخلفات عابران پیاده و قوانین مربوط به تردد عابران در شهر عبارتند از:

تخلف اول - بی‌توجهی به خط‌کشی عابران

از موارد تخلف عابران، نادیده گرفتن محل‌های خط‌کشی است که به‌وفور در معابر عمومی دیده می‌شود. بسیاری از عابران بدون توجه به محل‌های خط‌کشی، صرفاً به خاطر عجله‌ای که برای عبور از خیابان دارند، مقررات را زیر پا گذاشته و از محلی غیر از محل تعیین‌شده عبور می‌کنند که باید کمی زحمت کشید و در هر خیابان برای عبور از عرض آن، به گذرگاه عابر پیاده رفت. خط‌کشی این گذرگاه‌ها در بعضی معابر تهران به‌تازگی تغییر کرده و به جای خطوط نردبانی، از ۲ خط موازی استفاده‌شده تا در زمان بارش برف و باران، زیر پای عابران لغزنده نباشد. همچنین خوبی استفاده از خط‌کشی عابر پیاده، وجود جان‌پناه‌هایی است که در بسیاری از خیابان‌های بزرگ وجود دارد.

تخلف دوم - استفاده نکردن از پل عابر پیاده

یکی دیگر از موارد تخلف عابر، عبور آن‌ها از عرض خیابان باوجود پل عابر پیاده است که مطابق قانون راهنمایی و رانندگی، متخلفان مشمول جریمه می‌شوند. مردم زیادی هستند که حتی به‌رغم مکانیزه بودن پل‌های عابر پیاده و راحتی استفاده از آن، ترجیح می‌دهند از عرض خیابان استفاده کرده و به این ترتیب مشکلاتی را برای خود و رانندگان به وجود می‌آورند. لذا چه باید کرد: چند قدم پیاده‌روی و رسیدن به یک پل عابر پیاده، هم برای سلامتی‌تان مفید است و هم شما را از احتمال وقوع یک حادثه دردرساز دور می‌کند. هرچقدر هم شما در عبور از عرض یک



کلاهبرداری اینترنتی

جویندگان کاری

قربانیان، جویندگان کاری هستند که از کلاه برداران ایمیلی با عنوان درخواست کارمند دریافت می کنند. فریب خوردگان نیازمند شغل اطلاعات شخصی خود را اعم از کد ملی و شماره بیمه و شماره حساب و... را در فرم دریافتی نوشته و ارسال می کنند. کلاه برداران با دست یابی به این اطلاعات شروع به کلاه برداری می کنند.

خرید و فروش کالای تقلبی

در این روش فروشنده با فروش کالای تقلبی به جای اصل آن کلاه مشتری را برداشته و به دلیل اینکه جای معلومی ندارد قابل پیگیری نیست.

کلاه برداری با بهانه فروش اجناس دست دوم

در این روش کلاه بردار عکس هایی از اجناس دست دوم مرغوب در سایت خود انداخته و با قیمت های بسیار مناسب طعمه می خود را به دام می اندازد. و با دادن شماره حساب از قربانی می خواهد تا پول کالا و هزینه پست را کارت به کارت کرده و وقتی پول را در حساب خود می بیند، دیگر خریدار را نمی شناسد.

کلاه برداری با ایمیل جعلی

در این روش کلاه بردارن سراغ تاجر هایی می روند که بسیاری از کارهای خود را با اینترنت انجام می دهند. آنها با شناسایی طعمه های خود و دستیابی به اطلاعات تجارت آنها، برای قربانی خود ایمیلی شبیه به ایمیل شرکت های طرف تجارت قربانی فرستاده و بیان تغییر شماره حساب درخواست پول اجناس را کرده و با بیان اینکه هنگامی که پول را دریافت کنند، کالای مورد نظر را ارسال می کنند کلاه گشادی سر تاجر می گذارند.

توجه داشته باشید شما هم اگر مبادلات مالی و یا امور اداری آنلاین انجام می دهید، حتما مراقب کلاهبرداران باشید.

این روز ها پیشرفت تکنولوژی درهمه مشاغل وجود داشته و زندگی انسان را درگیر خود کرده است. یکی از مشاغلی که با تکنولوژی سهل و آسان شده است کلاه برداری می باشد. علاوه بر روش های سنتی کلاه برداری ، کلاه برداری اینترنتی نیز در کشور رایج شده است. برخی از این کلاه برداریها عبارتند از:

برنده ی خیالی

در این روش، کلاه بردار با ارسال ایمیل یا تماس در شبکه های اجتماعی با سوژه هایش، از برنده شدن آنها در قرعه کشی خبر می دهد، قرعه کشی هایی که بعضا با نام معتبر و گاهی مثل گرین کارت بسیار وسوسه کننده است. به این ترتیب او از قربانی های خود می خواهد برای هزینه پست پولی به حسابش بریزند. او پول گرفته و دیگر پاسخی نمی دهد.

داماد آنلاین

در این روش مجرمان طعمه های خود را در شبکه های اجتماعی شکار کرده و با دادن وعده ی ازدواج، اطلاعات شخصی کاربران را بدست آورده و با تحدید به انتشار این اطلاعات و عکس ها، از آنان اخاذی می کنند.

روش نیجریه ای

در این روش کلاه بردار خود را شاهزاده ی بخت برگشته ای معرفی می کند که می خواهد راه امنی را برای خارج کردن پول هایش از کشور بیابد. او با تماس های متعدد و گاه از طریق تلفن و فکس اعتماد قربانی را جلب کرده و با دادن وعده ای که اگر به وی کمک شود، این کمک را جبران می کند، بعد از اطمینان کلاه بردار از به دام افتادن طعمه از وی می خواهد برای انجام مقدمات کار مبلغی به او بدهد تا کارهای انتقال را بتواند انجام دهد. قربانیان این روش بسیار زیاد بوده و از ده ها تا هزاران دلار هم متضرر شده اند.

تقدیر از کارکنان نمونه اداره خدمات

مراسم تقدیر از کارکنان نمونه اداره خدمات با حضور

مدیرکل پشتیبانی و خدمات فنی برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی سازمان بازرسی کل کشور در این مراسم که عصر روز شنبه برگزار شد، طاهری جعفری مدیرکل پشتیبانی و خدمات فنی در خصوص علل ارزیابی کارکنان اداره خدمات گفت: به منظور ایجاد انگیزه مضاعف برای ارائه خدمات بهتر به کارکنان محترم سازمان و به جهت ترغیب همکاران پرتلاش این حوزه، هرسال این مراسم برگزار می‌شود. در پایان این مراسم در بخش آبدارچی و بخش خدمات از سوی معاون برنامه‌ریزی و امور مجلس به نفرات حائز بیشترین امتیاز، لوح تقدیر و جوایز نقدی اهدا شد.

بر اساس این گزارش، اسامی نفرات نمونه به شرح ذیل می‌باشد:

بخش آبدارچی:

نفر اول: منوچهر پرمه

نفر دوم: احمد حسینی

نفر سوم: نادر جمالی

نفرات چهارم: محمد احدی و فرهاد نورمحمدی

نفر پنجم: قدرت شکری

بخش خدمات:

نفر اول: عبدالله معینی

نفر دوم: حسن رضاپور

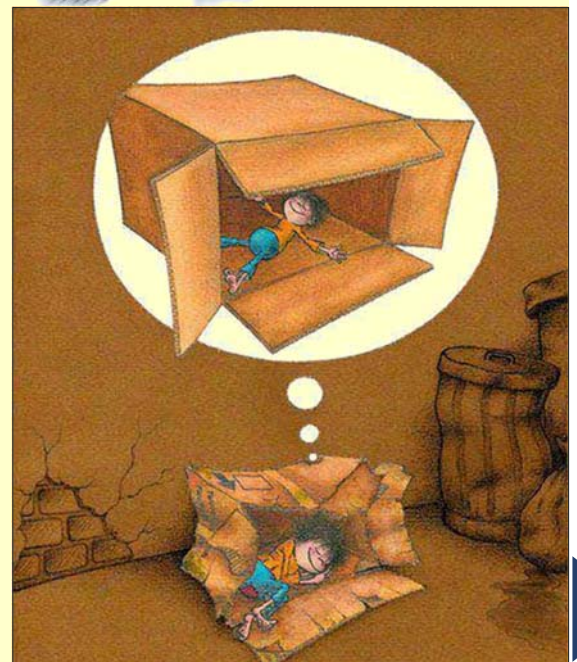
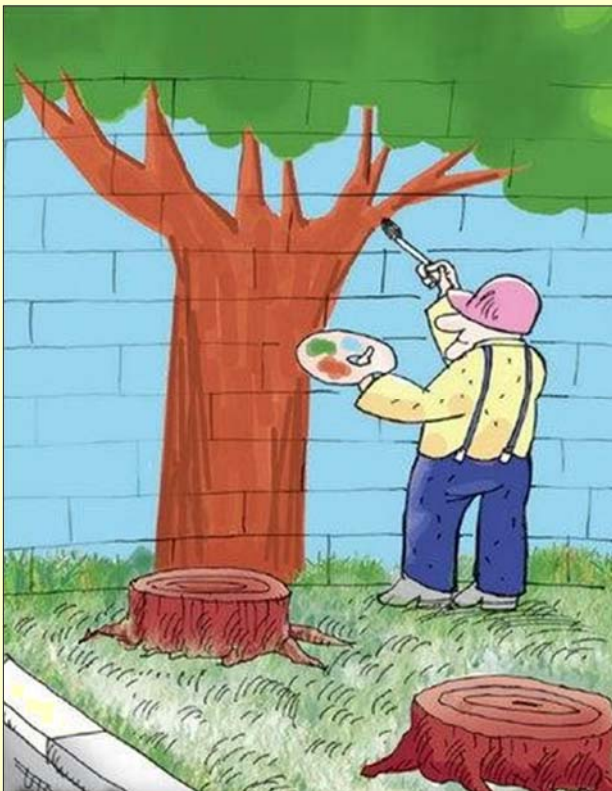
نفر سوم: وحید دانشگر

نفرات چهارم: مسلم طهماسبی و جعفر صفرپور

نفر پنجم: محمد معینی



کاریکاتور



بخش نکته‌ها شامل مطالب ادبی، داستان کوتاه، شعر، خاطره، دکلمه و ... می‌باشد. همکاران محترم می‌توانند مطالب خود را در این زمینه جهت درج در ماهنامه به دفتر نشریه ارسال نمایند.

آرتروز فکری

يك داستان از يك نویسنده (ارین زامت)

اینکه بگویم من یک طراح هستم، دروغ نگفتم. در تمام لحظات زندگی‌ام من برنامه‌ریزی دارم، از برنامه‌ریزی برای ۵ دقیقه بعد گرفته تا ۵ سال آینده. هر حرکتی در زندگی من، در اصل قدمی برای رسیدن به هدفم، یعنی موفقیت، سلامت، تناسب‌اندام، شهرت، تأهل و زندگی در یک‌خانه راحت است.

در سن ۲۳ سالگی بودم که پزشکان تشخیص دادند به سرطان مبتلا شده‌ام. این در حالی بود که من برای پنج سال آینده‌ام برنامه‌ریزی کرده بودم و حالا اصلاً نمی‌دانستم که آیا پنج سال بعد زنده هستم یا خیر!! آینده من نامشخص بود و نمی‌دانستم چه باید بکنم، آیا باید سرنوشت‌م را به باد می‌سپر دم تا هر کجا می‌خواهد برود. بلافاصله درمان را آغاز کردم و خوشبختانه تا حدودی نتیجه بخش بود و حال‌م رو به بهبودی می‌رفت. سرطان عاملی شد برای اینکه بتوانم برنامه‌هایم را ارزیابی کنم.

کاملاً واضح بود که به دنبال آنچه که واقعاً مرا خوشحال می‌کند، بروم. هیچ‌کس نمی‌داند که چقدر احساسات و ارزش‌های زندگی و حتی شغل من، با توجه به برنامه‌ریزی برای آینده‌ام تغییر کرد. وقتی به قلبم مراجعه کردم، متوجه شدم بسیاری از چیزهایی که برای من ارزش به حساب می‌آمدند و مهم بودند. حالا به نظرم کاملاً بی‌اهمیت‌اند. بنابراین با شجاعت تصمیم گرفتم و روش خود را تغییر دادم و شروع به نوشتن کردم و یک نویسنده شدم. به این ترتیب هم می‌توانستم در خانه کار کنم و هم در کنار اعضای خانواده‌ام باشم. خوشبختانه نیازی نیست که شما هم مثل من چنین تجربه دردناکی داشته باشید تا بتوانید در خودتان یک انقلاب ایجاد کنید بلکه با انجام تمرینات می‌توانید دریابید که قلبتان با سرعت بیشتری بتپد.

برنامه‌ریزی کنید

اگر شک دارید و احساس می‌کنید برای داشتن یک زندگی شاد حتماً نباید برنامه‌ریزی داشته باشید بهتر است آن را امتحان کنید. مطالعات پانزده‌ساله بیش از ۳۵۰۰ دانشمند از دانشگاه ملبورن نشان

آرتروز بیماری‌ای است که به مفاصل حمله می‌کند و نتیجه‌اش این می‌شود که بیمار نمی‌تواند مفاصلش را به راحتی تکان دهد.



و اما...

آرتروز فکری بیماری‌ای است که وقتی به انسان حمله می‌کند، فرد قدرت خلاقیتش را از دست می‌دهد، دیگر نمی‌تواند نوآوری کند، همیشه مستأصل است و قادر به یافتن راه حل‌های جدید نیست. مغز هنوز هم این توانایی‌ها را دارد اما چون آرتروز گرفته قادر به تفکر و خلاقیت نیست و نمی‌تواند تمام قدرت خود را به کار بندد. فرد مبتلا به آرتروز فکری در هر سن و سالی که باشد از فکر کردن و خلاقیت و آموختن رنج می‌برد، نمی‌تواند کتاب بخواند، نمی‌تواند برنامه‌های آموزشی و مفید را تماشا کند و نمی‌تواند از دیگران بیاموزد؛ در چنین حالتی فرد دوست دارد در همین وضعیتی که هست بماند و خود را از هر حرکتی دور می‌دارد. در نتیجه کارها را طوطی‌وار انجام می‌دهد و در نهایت در "تله روزمره‌ی" گرفتار می‌شود.

می‌دهد شادترین مردم، افرادی هستند که اهداف روشنی دارند. این اهداف هم کوتاه‌مدت و هم بلندمدت و البته در تمام زمینه‌ها از جمله دوستی، عشق و کمک به دیگران و ... هستند.

از هر دست بدی از همون دستم می‌گیری

مرد جوان، باادب، پول را پس زد و گفت که این کار را فقط برای رضای خاطر خداوند انجام داده است و به او گفت: "در عوض، سعی کنید آخرین کسی نباشید که کمک می‌کند." از هم خداحافظی کردند و زن که به شدت گرسنه بود به طرف اولین رستوران به راه افتاد.

از فهرست غذای رستوران یکی را انتخاب کرده بود که زن جوانی که ماه‌های آخر بارداری خود را می‌گذراند بالباس گارسونی به طرفش آمد و با مهربانی از او پرسید چه میل دارد. زن، غذایی ۸۰ دلاری سفارش داد و پس از آنکه غذا را تمام کرد، یک اسکناس صد دلاری به زن جوان داد. زن جوان رفت تا بیست دلار باقی‌مانده را برگرداند.

اما وقتی بازگشت خبری از آن زن نبود. در عوض، روی یک دستمال کاغذی روی میز یادداشتی دیده می‌شد. زن جوان یادداشت را برداشت.

در یادداشت نوشته شده بود که آن بیست دلار به علاوه‌ی چهارصد دلار زیر دستمال کاغذی برای وی گذاشته شده است تا برای زایمان دچار مشکل نشود.

یادداشت برای آن زن بود و در آخر نوشته شده بود: «سعی کن آخرین نفری نباشی که کمک می‌کند»؛

شب که شوهر زن جوان به خانه بازگشت، بسیار محزون بود و گفت که به خاطر پول بیمارستان نگران است چون نزدیک زمان زایمان است و آن‌ها آهی در بساط ندارند.

زن جوان ماجرای آن روز را برایش تعریف کرد: دربارهی زنی با پالتوی کرم روشن که مبلغ کافی برای او گذاشته بود و نامه را هم به او نشان داد.

قطره‌ی اشکی از گوشه‌ی چشم مرد جوان فرو ریخت و برای

جوانی در جاده رانندگی می‌کرد برف کنار جاده نشسته بود و هوا سرد بود. ناگهان لاستیک ماشین پنچر شد و زن ناچار شد از ماشین پیاده شود تا از رانندگان دیگر کمک بگیرد. حدود چهل و پنج دقیقه‌ای می‌شد که در آن سوز سرما ایستاده بود.

زن کنار جاده منتظر کمک ایستاده بود. ماشین‌ها یکی پس از دیگری رد می‌شدند. انگار با آن پالتوی کرمی اصلاً توی برف‌ها دیده نمی‌شد. به ماشینش نگاه کرد که رویش حسابی برف نشسته بود. شالش را محکم‌تر دور صورتش پیچید و کلاه پشمی‌اش را تا روی گوش‌هایش کشید.

بالاخره یک ماشین قدیمی کنار جاده ایستاد و مرد جوانی از آن پیاده شد.

زن، کمی ترسید اما بر خودش مسلط شد مرد جوان جلو آمد و به او سلام کرد و مشککش را پرسید.

زن توضیح داد که ماشینش، پنچر شده و کسی هم به کمک او نیامده است.

مرد جوان از او خواست بیش از این در آن سرمای آزاردهنده نماند و تا او پنچرگیری می‌کند زن در ماشین بماند.

او واقعاً از خداوند متشکر بود که مرد جوان را برای کمکش فرستاده است.

در ماشین نشسته بود که مرد جوان تق‌تق به شیشه زد و اشاره کرد که لاستیک درست شد.

زن پولی چند برابر پول پنچرگیری در مغازه را، برداشت و از ماشین پیاده شد و بعد از اینکه از وی تشکر کرد، پول را به طرفش گرفت.

همسرش تعریف کرد که آن روز صبح در جاده به همین زن برای رضای خداوند کمک کرده است.
اینجاست که میگویند از هر دست بدی از همون دستم می‌گیری ...

وقتِ رویارویی رسید!

یادتان باشد وقتی مشکلی را به شما نشان می‌دهند، به این معنا است که شما توانایی حل آن را دارید!
اگر این توانایی را نداشته باشید، آن مشکل پیش نمی‌آید.
اگر بر فرض:

باید ببینید در آن لحظه چه کار باید بکنید:

حوصله کنید یا اقدامی انجام دهید؟
به هر حال چه صبر و سکوت و حوصله و اقدام، در نهایت باید کاری بکنید.
پس بگردید و آن کار را پیدا کنید.

”ولی باز هم یادآوری می‌کنم:
”صبوری“ یکی از راه‌حل‌ها است.

به قول شاعر:
چو در تاس لغزنده افتاد مور

بدانید که زمان ”رویارویی“ با آن مشکل فرا رسیده و بدانید که ”می‌توانید حلش کنید“.

”همه مشکلات قابل حل‌اند.
میلیون‌ها انسان همین الان دارند حلش می‌کنند.

میلیاردها انسان هم در آینده حلش خواهند کرد و شما می‌توانید جزء یکی از آنها باشید که این مشکل را حل کرده‌اند.

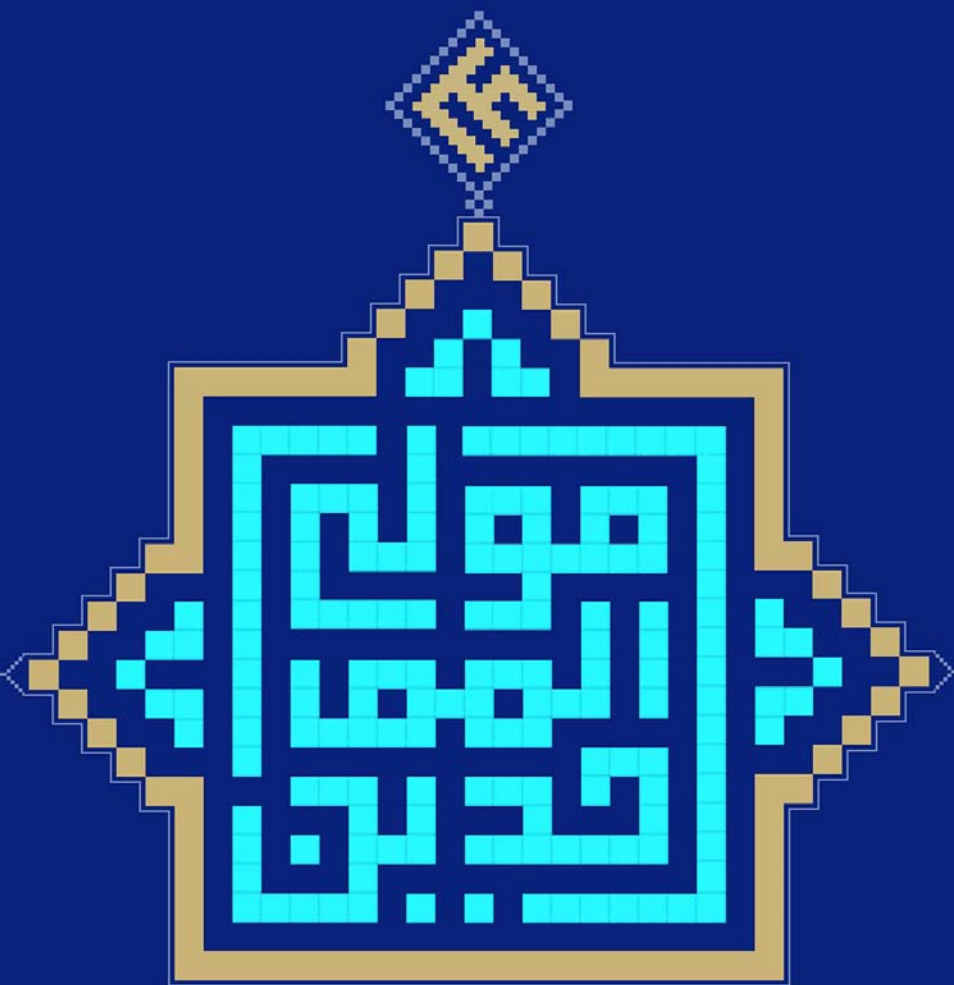
همه مسائل قابل حل‌اند. فقط باید
قیمتشان را بدهید:

بعضی وقت‌ها قیمت آن‌ها یک مقدار
سکوت است

یا یک مقدار مشورت
یا یک کمی صبر و حوصله
و یا حتی کمی جرئت.



Problem



پیامبر اکرم (ﷺ) :

حَقُّ عَلِيٍّ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ كَحَقِّ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ.
حَقُّ عَلِيٍّ بِرِائَةِ أُمَّتٍ هَمَّوْنَ حَقِّ پَدَرِ اسْتِ بِرِ فَرْزَنْدَش.

امالی (طوسی) ص ۵۴

میلااد با سعادت مولود کعبه مولی الموحیدین، امیرالمومنین، امام علی (ع)
بر تمام عاشقان حضرت تبریک و تهنیت باد

نشریه آینه بازرسی از مطالب همکاران در زمینه‌های

مختلف، ادبی، شعر، عکس، مقاله و ... استقبال می‌کند.

دبیر تحریریه: حسین علی پور

گروه تحریریه: یاسر فاتحی، علی فخیمی

صفحه آرا: مجید مقصودی

امور وب سایت: حسین پرندۀ غیبی

تلفن: ۶۱۳۶۲۸۳۱

نشریه سازمان بازرسی کل کشور

سال هفتم / شماره ۷۶ / فروردین ۱۳۹۵

صاحب امتیاز: سازمان بازرسی کل کشور

مدیر مسئول: محمدحسین صیوفی نفیس

سرمدیر: محمدجواد صلواتی تهرانی